

علایم ظهور امام زمان عج

علایم ظهور امام

علیرضا کریمی

بسم الله الرحمن الرحيم

علائم ظهور

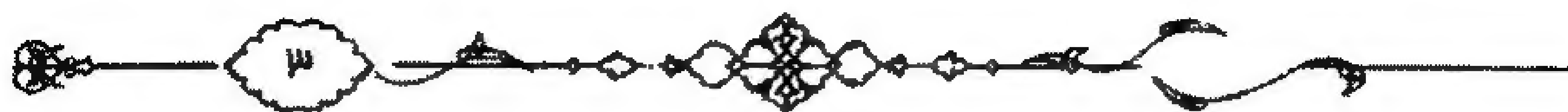
امام الزّمان (عج)

«« علیرضا کریمی »»

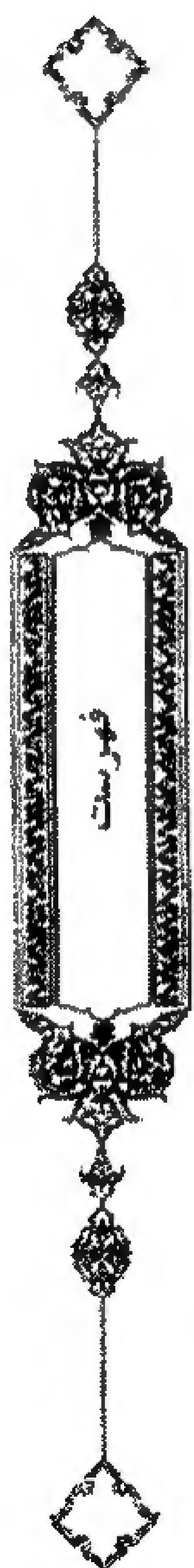
کریمی، علیرضا، ۱۳۴۳
علائم ظهور امام زمان(عج)/ علیرضا کریمی،قم: روح،۱۳۸۵.
۱۴۴ ص.
ISBN:964-2570-02-5 ۸۰۰ ریال:
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ۱۴۴ ص؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. مهدویت – انتظار. ۲. محمد بن حسن(عج). امام دوازدهم، ۲۵۶ ق.
۳. مهدویت ـ ـ احادیث .الف . عنوان.
۸ ع ۴۳ ک / ۴ / BP ۲۲۴ ۲۹۷ / ۴۶۲
کتابخانه ملی ایران ۱۷۲۱۵ ـ ۸۵ م

شناسنامه کتاب

نام کتاب : ....علائم ظهور امام الزّمان
گردآورنده:.............................. علیرضا کریمی
ویراستار :.............................. زهرا محمود صالحی
صفحه آرایی : .... سید عزیز افسری
چاپ :. .... دانش
نوبت چاپ : .... اول ، بهار ۸۵
تیراژ : . ...۱۵۰۰ جلد
قطع : .... وزیری
قیمت : ....۸۰۰ تومان
ناشر : .... نشر روح
شابک :.............. 964-2570-02-5 ISBN ۹۶۴-۲۵۷۰-۰۲-۵
به همت : صندوق قرض الحسنه حضرت ولی عصر (عج)
« شوش دانیال (ع) »
آدرس : قم ـ خیابان ارم ، کوچه ۷
تلفن : ۷۷۳۱۲۲۶-۷۷۴۱۶۳۹ - ۰۲۵۱

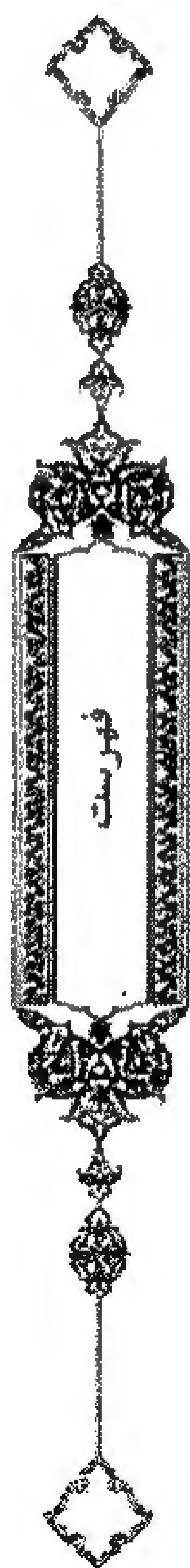

۳

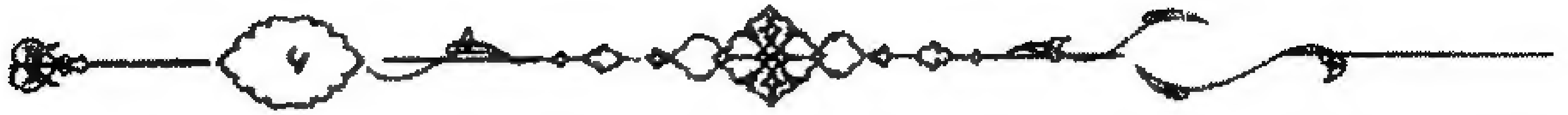

فهرست


فهرست

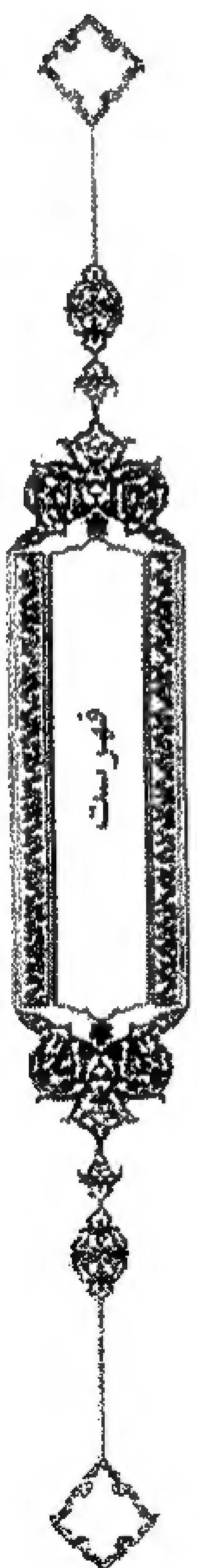


فصل چهارم : چگونگی غلبه تا پیروزی





فصل پنجم : حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)



فصل ششم : وظایف منتظران ظهور

بزودی این کتب از گرداورنده به چاپ می رسد :

۱- فلسفه و هدف قیام امام حسین (ع) .

۲- عقاید وهابیت از ظهور تا ...!؟ (جلد دوم) .

۳- اسرار حج .

۴- آئین دوست یابی .

۵- اعتیاد ویرانگر عقل .

۶- غدیر خم سند گویای ولایت.

۷- حجاب ، صدفی برای مروارید .

سر آغــاز سخن :

« مَنْ ماتَ وَ لَمْ يُعْرِفَ اِمامَ زَمانَه ماتَ مَيْتَه الْجاهِلِيَّه »

× هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده اســت . ×
(۱) بحارالانوار ج ۸ ص ۳۶۸

اساس دعوت همه پیامبران الهی بویژه پیامبر گرامی اسلام حضرت محمّد بن عبدالله (ص) زنده کردن جسم و روح انسانها است . انسانهایی که بدلیل دور ماندن از سرچشمه ی حیات ، معنی زندگی را از یاد برده و به سراب دنیا دل خوش کرده اند و از آب حیاتی که جز در ســاغر انبیــاءو اولیــای الهــی یافــت نمی شود غافل شده اند . اکنون سرچشمه ی حیات مادی و معنــوی انــسانها در دست آخرین حجّت حق حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنــا الفــداء اســت و اوست هر زمان که خداوند اراده کند با دم مسیحایی خود زمــین و اهلــش را زندگی دوباره می بخشد . کتاب علائم ظهور امام الزمان (عــج) اثریــست کــه بدون غسل و وضو قلم بر صــفحه تحریــر آن نرفتــه اســت و در ســال پیــامبر اعظم(ص) که به فرمان ولی فقیه و رهبر عالیقــدر مــسلمین جهــان حــضرت آیت الله سید علی خامنه ای دامت برکاته نام گذاری شده ، به همه مــشتاقان و طالبان معرفت اهداء می گردد . تا بابی باشد برای خروج از گمراهی و مهیا شدن امتّی که به استقبال شناخت آخرین ذخیره الهی همــت مــی گمارنــد . امیدواریم که خداوند سبحان دلهای مرده ما را با انوار حیات بخش حــضرتش زنده سازد .

بهار – ۸۵

« اللهم عجل لولیک الفرج»

« علیرضا کریمی شوش دانیال (ع)»

طلیعه

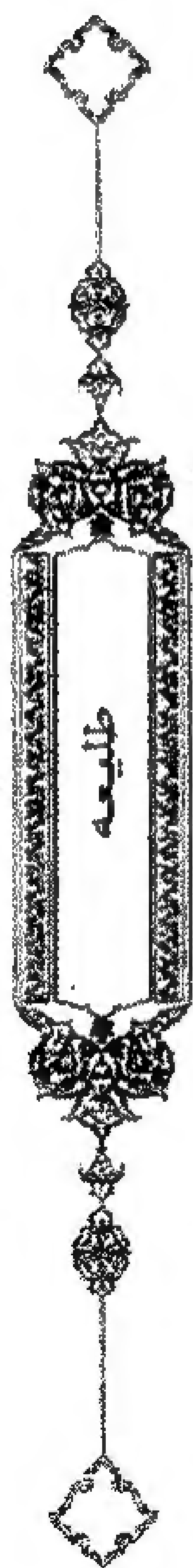
طلیعه :

گفتی که می آیی و از قفس تنگ تنهای نجاتم می دهی ، نگاهم را از همه گرفتم ، خانه دلم را با باران اشک آب و جاروب کردم ، بوی نم خاک وجودم را برگرفته ؛ اگر نبود وعده ی دیدارتِ ما هیچگاه دل خوش نمی داشتیم به قیام تو « أنا ألّذی أخْرُجُ فِی آخِرِ الزَّمان » . [1]

ما از آن روبه امید ظهورت نشسته ایم که شب سیاه ما را به سپیده دم وصال برسانی « وَ النَّهارِ إذا تَجلّی » [2] . ما بر آنیم که از تو نشانی در یابیم و چراغ راه خویش نماییم . لیک پیوسته خویش را محتاج تو می دانیم . سهل پیداست خستگی ما ، از آن رو که رویی برای عرضه ی عمل نداریم سرافکنده ایم ، اما ترجمان ضربان قلب ما عشق به توست و هر آنچه هستیم تو را مولای خویش می دانیم .

ای کاش طعم خوش با تو بودن را لحظه ای می چشیدیم . ای کاش نگاه گرم ساحل نشینان ماندنی بود . و اکنون بشر گرفتار آمده در تب و تاب دنیا ، راهی جز پیمودن « **صراط مستقیم** » ندارد . باید به کشتی نوح زمان (امام عصر ارواحنا الفداء) سوار شد تا طعم خوش پرواز و رهیدن از خاک تا به افلاک را چشید . **مبادا !** با بی تفاوتی چشم و گوش بر حقیقت ببندیم و حضور آفتاب را انکار کنیم .

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ، ص ۴۱ ۲- اللیل ۲



تو می آیی :

روزی در گرمای طاقت فرسای حجاز مردی بر فراز تخته سنگی صحبت از رهایی انسان از قفس جهل و نادانی می کرد هنوز از سنگهای کوه صفا طنین صدای « **یا صبا حاه** » [1] به گوش می رسد . انعکاس صدای مردی آسمانی ، دل کوه را شکافت . گامهای استوارش نوای دلنشین کلام وحی را به ارمغان آورد و مردم را از ظلمات مطلق جاهلیّت ، به افق رسای انسانیت دعوت نمود . ندای پیامبری که پیام آور صلح و دوستی ، در سجن اندیشه های خاموش بود و چون بانگ برآورد ، به گرد او جمع آمدند ؛ لب به سخن گشود . از شکوه سخنانش در باغچه ی احساس گل رویید ، خار تاب زیبایی گل را نیاورد و زبان به ناسزا گشود . تیغ خار گل نو شکفته را طعنه زد و برگ گل زخمی شد .

اما دگر باز خواهد آمد ، مردی از تبار محمّد (ص) که پشت به دیوار کعبه تکیه داده و با نوای دل نشین « یا مَعْشَرَ الخَلایِق اَنَا بَقِیَّةَ الله » مردم را فرا می خواند . عاشقان کویش دیوانه وار به گرد جمع وجودش پر خواهند کشید . شمیم عطر ولایت در سراسر گیتی می پیچد . فضا آکنده از بوی نرگسی ها ، گرداگرد گل نرگس طواف کنان نوید آمدنش را با سیل قطرات اشک تبرّک می گویند ، نسیم روح نوازش طراوت اندیشه را همچون غنچه گل در بهار شکوفا می کند .

۱- عرب این کلمه را به جای زنگ خطر به کار می برند .

امام صادق علیه السلام فرمود :[۱]

قائم ما در حالی ظهور می کند که پشت به دیوار کعبه تکیه داده و می فرماید : « ای مردم هر کس می خواهد آدم و شیث را ببیند بداند که من آدم شیث هستم . و هر کس که می خواهد نوح و فرزندش سام را ببیند بداند که من همان نوح و سام هستم و هر کس می خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند بداند که من همان ابراهیم و اسماعیل هستم و هر کس که می خواهد موسی و یوشع را ببیند من همان موسی و یوشع هستم و هر کس که می خواهد عیسی و شمعون را ببیند من همان عیسی و شمعون هستم و هر کس که می خواهد محمّد صلی الله علیه وآل وسلم و علی علیه السلام را ببیند بداند که من همان محمّد و علی هستم و هر کس که می خواهد حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را ببیند بداند که من همان حسن و حسین هستم و هر کس که می خواهد امامان از ذریه ی حسین (ع) را ببیند بداند که من همان ائمه اطهار هستم .

دعوتم را بپذیرید و به نزد من جمع شوید که هر چه گفته اند و هر چه نگفته اند را به شما خبر می دهم[۲] .

او نه فقط پیشوا و رهبر شیعیان بلکه پناه بی پناهان و مظلومان عالم است . لذا امام عصر (ارواحنا الفداء) هنگام ظهور حقیقت جویان و آزاد اندیشان تمام ادیان را به سوی خود فرا می خواند . آنگاه عیسی بن مریم از

۱ – بحارالانوار ج ۵۳ ص ۹

۲ – بحارالانوار ج ۵۳ ص ۹

آسمان فرود می آید و به اقامه نماز به پشت سر ایشان می ایستد و حضرت را در پیشبرد انقلاب جهانی یاری می فرماید .

قالَ رَسول الله (ص) : « وَ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنیا اَلّا یَوْمٌ واحدٌ لَطَوَّلَ الله ذلِکَ الیَوْمَ حتّی یَخْرُجَ فیهِ وَلَدی الْمَهدی فَیَنْزِلُ روح الله عیسی بنُ مریَمَ فَیُصَلّی خَلْفَه » . [1]

رسول اکرم (ص) فرمود : اگر نماند از دنیا مگر یک روز طولانی می کند خدا آن روز را تا ظهور کند در آن روز فرزندم مهدی (عج) فرود آید و روح الله ، عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند . .

او احیاگر اهداف بلند انبیا و اولیای خدا و محقق کننده وعده های انبیای الهی است ؛ که در کتب آسمانی شان نوید آمدنش را در آخر الزّمان داده اند . او بشر را از کویر تف دیده ی وارفتگی و درماندگی به چشمه سار زلال و گوارارهنمون می کند و همّت به تشکیل حکومتی می گمارد که در پرتو انوار الهی تمام آرمانهای رفیع انبیا و پیشوایان الهی را علی رغم مرارتها و مشقت هایی که به سبب سلطه ی ظالمان و حاکمان جور دیدند و موفق به عرضه و اظهار تمام زوایای آن به مردم نشدند زنده خواهد کرد . آری ! باید دست به دعا برداشت و از او طلب درک لحظه دیدار منجی را تمنّا نمود. « **اَللّهُمَ وَ اَقِمْ بهِ الَحقَّ وَ اَدحِضْ بِهِ اْلباطِلَ** » [2] ـ بار خدایا بوسیله او حق را برپا کن و باطل را ریشه کن فرما . .

طلیعه

۱- کمال الدین ج۱ ص۲۸

۲- مفاتیح الجنان – دعای ندبه

سرا پا شوق آمدنش ، اشک چشم دسته گلی است برای گل افشانی قدومش . باید آماژ تیغ طعنه های دشمن را با حنجره های بریده پاسخ گفت و مانع شد تا گوهر وجودش که سالها غم بیابان گردی و تنهایی را تحمل نموده ، همچون جدّ بزرگوارش هجمه ی بی مهری ها و ناسپاسی نا مردمان قرار گیرد .



تو می آیی ! در آدینه روز جمعه ای لوای رحمت را بر کره خاکی بگسترانی .

تو می آیی ! تا انسان را از گرمای طاقت فرسای کویر واماندگی نجات دهی .

تو می آیی ! تا به کام تلخ روزگار شهد کامیابی بچشانی .

تو می آیی ! تا فروغ حقیقت همچو تلألو خورشید فروزان .

تومی آیی ! تا ختمی باشی برای خطای کائنات .

تو می آیی ! تا بتهای زمان فرو ریزی .

تو می آیی ! تا انسان را از سراب سرگردانی و تحیر به چشمه سار حقیقت سوق دهی .

تو می آیی ! تا آخرین پیک آسمانی را به انسان نوید دهی .

فرصتها فریاد سر می دهند که ما به عدم پیوستیم . احوال خویش را به سودای تباهی سپری کردیم ، برای رسیدن به شهد لقاء در کوی عشق بیتوته کن و برای زیارت معشوق معتکف سرای دل شو تا حدیث غربت را بشنوی .

زنهار ! ندایی به گوش می رسد . تنها کافی است دمی آرام گیریم و به ژرفای وجود گام نهیم تا نوای حزین و خسته ای را بشنویم که غم سالها تنهایی را به سینه دارد .

مولای من ! تو نشان از بی نشانها داری . چه غریبانه بر مزار مادرت اشک می ریزی . شبنم اشکت یاد گل یاس را زمزمه می کند و فریاد « **آه سینه ام** » در لای در سر می دهد . آنچه ما شنیده ایم تو می بینی . آن زمان که آتش به خانه وحی کشیدند و به پشت در خانه خروارها چوب فراهم آمد تا به آتش خشم زبانه کشید . نه فقط چوب و مسمار بود که در شعله آتش می سوخت بلکه شرری بود به دل شیعه دمیدند که جز به قیام تو آسوده نخواهد شد .

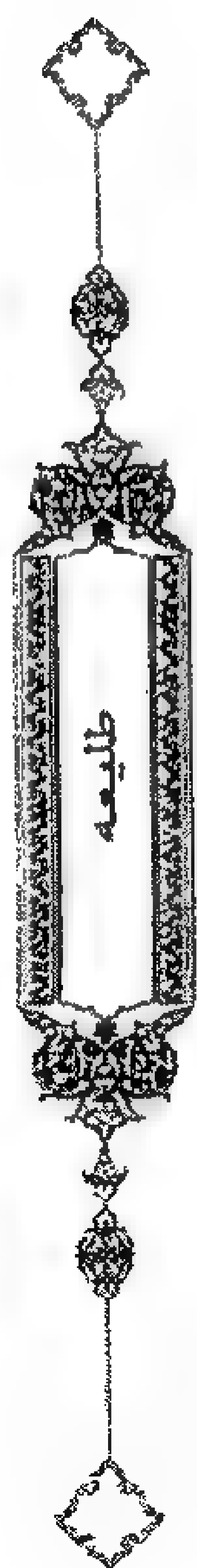
روا است از فرط مصائبی که بر مادرت زهرا (س) گذشته بمیریم و خاکستر شویم . اما تو می بینی شعله های دم گرفته ی فتنه را که آوار بر خانه شده و می شنوی نعره های خصمانه را که لرزه بر دل عمّه ات زینب انداخته . غمهایت آنگاه به اوج می رسد که می بینی ناله های زهرا (س) همرا با مظلومیت علی (ع) در میان کوچه ها به ریسمان کشیده شده و فریادهای دادخواهی مادرت در میان خیل حاضران بی پاسخ می ماند .

عزیز زهرا ! اگر ذرّه ای از درد و رنج هایت برای چند لحظه بر ما عیان شود ما را چه خواهد شد ؟ اما این همه داغ برای تو بس نبود ؟!

هر روز در گذر ایّام حضورت را به زعم گمانه زنی و در هاله ای از تردید معنا کردیم . حتماً هر وقت دلت می گیرد درد و دل و شکوه هایت را به مادرت می گویی . اما نه ! تو می دانی او داغ بسیار دیده است . برایش از

دردها و رنج ها حکایت نمی کنی ، برایش از آنچه بر تو در طول این هزار و صد و اندی سال که به ناحق روا داشته نمی گویی . از تخریب قبر پدر- عمّه و نرگس و حکیمه خاتون نمی گویی . از مصائبی که در مرگ دوستانت دیده ای نمی گویی .

مولای من ! می دانم غمهای فرو خورده بسیار داری که طی سالها غیبت به سینه نگاشته ای . اما تو تفسیر صبری ، تجلّی صبر خدا بر زمینی . آن زمان که ملائک به خلقت آدم بر خدا شوریدند و خدا ملائک را بشارت به صبر داد ،گویی صبر را با تو معنا بخشید و ملائک از شمیم عطر تو مستانه به آدم سجده کردند . سالها چشم به راه ماندی و مردمان اعصار یکی در پی دیگری ، حضورت را در حجاب غفلت و گناه کشاندند و حال نوبت به ما رسیده که به فراخوان دعوتت لبّیک گوییم و چشم و دل به دیار تو بگشاییم . اما در قبض خواسته های پست دنیا مشغول به بازی هستیم . آنگاه که موسی از طور سینا برگشت : دید قومش گوساله پرست شده اند ، رو به قوم داشت و گفت : « **يا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْداً حَسَناً** »[1]



ای قوم من ! آیا پروردگار تان به شما وعده ی نیکو نداد ؟ آه ! مگذاریم تاریخ تلخ عصیان و روی برگردان از حجّت خدا دگر بار در عصر ما تکرار شود و این ننگ بسی بزرگتر است . موسی در میان قوم نبود و در غیاب او رو به پرستش گوساله آوردند . ولی ! امام ما حی و حاضر در میان ....

۱- سوره طه - ۸۶

ماست و ناظر اعمال ما و برای برگشت ما به دامان پاک و امن الهی دعا می کند . او مهربان است . اشک می ریزد . برای من و تو ، آری ! او تنهاست.

او منتظر است تا ما باسیل اشک خود پلیدی وجود را بشوییم و فراق را به وصال مبدّل سازیم . خوش آن دلی که پذیرای تو باشد و اشک دیده را همنوا با ناله « **ادرکنی ادرکنی ادرکنی** » فرجت را در آسمان صبر و شکیبایی صدا زند « **وَ بشّرِ الصابِرین** » (۱)

قال النّبی (ص) « **طُوبی لِلصّابِرینَ فی غَیْبَتِه ، طوبی لِلْمقیمینَ عَلی مَحَجّتِهِمْ** » (۲)

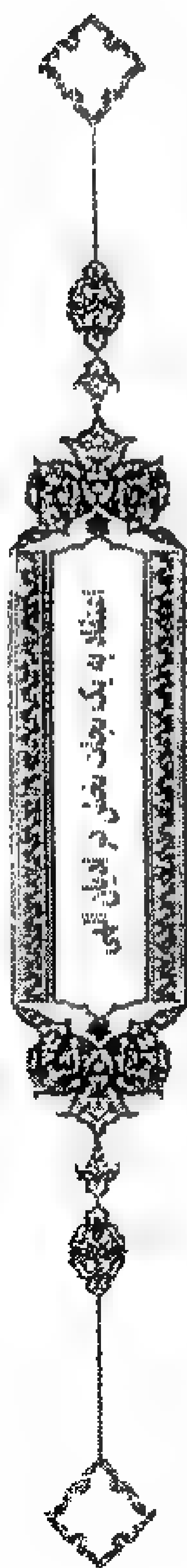
« خوشا به حال شکیبایان در غیبت مهدی (عج) خوشا به حال آنانکه بر راه اهل بیت ثابت قدم می مانند » منتظریم تا مهدی (عج) ما باز آید و خون خواهی تمام صالحان قیام می کند « اَلا اِنَّهُ مُدْرِکُ کُلَّ ثارٍ لِا وْلیاء اللهِ عَزّوجَلَّ » (۳) . آگاهباشید که خونخواه خون همه ی بندگان صالح خداست . « **اَینَ اَلطّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتولِ بکَربَلاء** » (۴) کجاست منتقم خون شهید کربلا ؟! اوست که هنگامی منادی غیبی از آسمان بانگ برآرد که حق با آل محمّد (ص) است نام مهدی (عج) بر سر زبانها می افتد و جهان مالامال از نام او می شود . دیگر یاری از غیر او نمی آید . (۵)

۱- بقره – ۱۵۵ ، ۲- بحارالانوار ج۵۲ص۱۴۳ ، ۳- بحارالانوار ج۳۷ص۲۱۳ - ۴- دعای ندبه – مفاتیح الجنان ، ۵- امیرالمؤمنین – بشارت اسلام ص۷۶

طلیعه

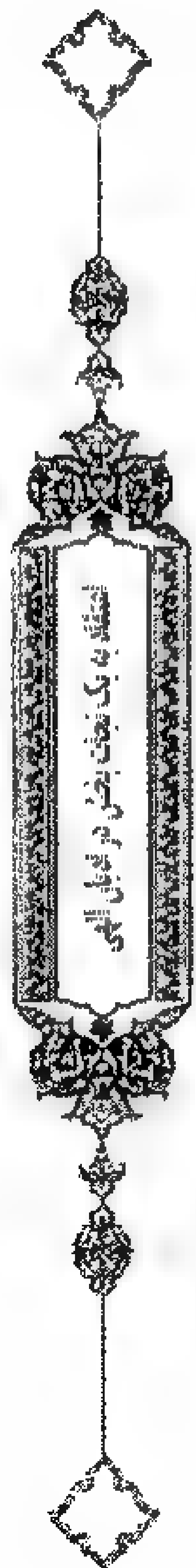
فـصـل اوّل :

اعتقاد به یک نجات بخش در ادیان الهی :



ظهور یک نجات بخش بزرگ ، داشتن رهبری پـاک ، حاکمیـت قـانون ، تشکیل حکومت جهانی واحد ، برقراری عدالت ، مرهم گـذاری بـر زخمهـای جانکاه بشریّت ، نابودی ظلم ، اصلاح جامعه بشری ، همـه و همـه ـ اندیـشه هایی است که از دوران کهن تا کنون آرزوی فلاسفه ، مصلحان ، انقلابیـون ، و همه اقوام و ملل دینی و غیر دینی بوده است .

این اعتقاد و آرزو حتی منحصر به مذاهب شرقی و اسلامی نیـست ؛ بلکـه اسناد ومدارک نشان می دهد که این یک اعتقاد عمومی و قـدیمی در میـان همه اقوام و مذاهب است . اگر چه در دیـن اسـلام تاکیـد بیـشتری روی آن شده است ؛ همه اقوام ـ هر کدام ـ او را به نـام خاصـی مـی شناسـند ، ولـی همگی در اوصاف کلی و اصول اعتقادی برنامـه هـای انقلابـی او اتفـاق نظـر دارند. این منجی (موعود) در بین مسلمین « **مهدی قائم آل محمّد (ص)** ، بقیّه الله ، در کتاب النّجم الثاقب بیش از یکصدو و هشتاد اسم و لقب بـرای آن حضرت ذکر شده است . (اقوال الائمه ج۱ص۳۲۹) .



×× اسامی مقدس امام الزّمان (علیه السلام) ××
×× در کتب مذهبی ملل مختلف جهان ××

نام کتاب مقدس	اسماء مقدس حضرت قائم	نام کتاب مقدس	اسمـاء مقـدس حضرت مهدی
۱- صحف ابراهیم	صاحب	۱۶- برزین آذرفارسیان	پرویز
۲- زبورداوود	قائم	۱۷- قبروس رومیان	فردوس الاکبر
۳- تورات به لغت توکوم	قیدمو	۱۸- صحیفه آسمانی	کلمه الحق
۴- تورات عبری	ماشع	۱۹-صحیفه آسمانی	لسان الصدق
۵- انجیل	مهمید آخر	۲۰- کندرال	صمصام الاکبر
۶- زمزم زردتشت	سروش یزد	۲۱- دوهر	بقیه الله
۷- السیاق زند و پازند	بهرام	۲۲-قنطره	قاطع
۸- در زند و پازند	بنده یزدان	۲۳- دیدبراهم	منصور
۹- هزارنامه هندیان	لندبطاوا	۲۴- انجیل یوحنا	تسلی دهنده
۱۰- ارماطیس	شماخیل	۲۵- تورات	شیلو
۱۱- جاویدان	خوراند	۲۶- انجیل متی و لوقـار و مرقس	پسر انسان
۱۲- کندرال فرنگیان	خجسته	۲۷- کتاب دانیال (ع)	قائم
۱۳- کتاب شعیای نبی	فیروز	۲۸-اوستا ـ جاماسب نامه	سوشیانس
۱۴- کتاب محسوس	خسرو	۲۹- شاکمونی	قائم
۱۵- کتاراتزی پیغمبر	میزان الحق	۳۰- پاتیکل هندوها	راهنما
۳۱- دادنگ بودائی ها : دست راستین و اقیدوخداشناس و مسیح الزمان که در کتب دیگـر ذکـر شده اند .			

× **اسامی و القاب مبارک امام الزّمان(عج) در کلام معصومین :**

بشارت به آمدن یک مصلح عدالت گستر آمده است . که از آن عبارات و مضامین ، اصالت اعتقاد به مهدویّت تایید می شود و مؤید این مطالب آیه ۱۵۰ سوره مبارکه انبیاء است . که خداوند متعال می فرماید : « **وَلَقَدْ کَتَبْنا فی الزَّبورِ مِنْ بَعْدِ الذِکْرِ اَنَّ الْاَرضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ** » یعنی : (تحقیقاً ما در زبور بعد از ذکر ـ نوشتیم که البته بندگان صالح من وارث زمین می گردند) . مراد از زبور ، کتاب حضرت داوود است و ذکر کتاب تورات است و یا مطلق کتابهای آسمانی پیش از زبور را شامل می شود



۱- مهدی ۲- محسن ۳- حامد ۴- احمد ۵- منعم ۶- خاتم الائمه ۷- ابوالقاسم ۸- ابا صالح ۹- خاتم الاوصیاء ۱۰- احسان ۱۱- قطب ۱۲- خلف ۱۳- مضطر ۱۴- قائم الزمان ۱۵- خلیفه الله ۱۶- قیم الزمان ۱۷- خلف الاتقیاء ۱۸- ناطق ۱۹- قاطع ۲۰- فتح ۲۱- بقیه الله ۲۲- کاشف الغطاء ۲۳- داعی ۲۴- ثائر ۲۵- کمال ۲۶- رب الارض ۲۷- نور الاصفیاء ۲۸- کلمه الحق ۲۹- سدره المنتهی ۳۰- نورالاتقیاء ۳۱- لسان الصدق ۳۲- صاحب الغیبه ۳۳- ولی الله ۳۴- میزان الحق ۳۵- صاحب الزمان ۳۶- وارث ۳۷- منصور ۳۸- صاحب الرجعه ۳۹- هادی ۴۰- حجت ۴۱- صاحب العصر ۴۲- منتقم ۴۳- حق ۴۴- صالح ۴۵- منتظر ۴۶- حجاب ۴۷- صاحب الامر ۴۸- موعود ۴۹- برهان الله ۵۰- طاب التراث ۵۱- عالم ۵۲- صاحب ۵۳- عدل ۵۴- قائم ۵۵- غوث ۵۶- جوارالکنس ۵۷- ضیاء ۵۸- غایب ۵۹- غایه القصوی ۶۰- خلیل ۶۱- فجر ۶۲- باسط ۶۳- منان ۶۴- مدبر

۶۵- مأمول ۶۶- مؤمـل ۶۷- نـور آل محمّـد (ع) ۶۸- نجـم ۶۹- بلـدالامین ۷۰- بقیه الانبیـاء ۷۱- تـالی ۷۲- حاشـر ۷۳- لـواء اعظـم ۷۴- خـازن ۷۵- صمصام الاکبر ۷۶- عین ۷۷- یعسوب الدین ۷۸- جابر

برخی از نامها و القاب حضرت علیه السلام که بـه خـاطر شـرایط سـخت دوران ظلم جهت ناشناخته ماندن توسط دوستان آن حضرت خطاب می شد: ۱- فقیه۲- جعفر۳- ناحیه مقدسه ۴- رجـل ۵- سـید ۶- صـاحب الـدار ۷- غریم ۸- صاحب الناحیه



× امام الزّمان در ادیان الهی :

۱- در کتابهای زرتشتیان [1]

الف) در کتاب معروف زند ـ کتاب مذهبی زرتشتیان پس ذکر مبـارزه همیشگی یزدان و اهریمنان مـی خـوانیم ؛ « ... آنگـاه پیـروزی بـزرگ از آن ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند . پس از پیـروزی ایـزدان و براندازی تبار اهریمنان ، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده ، بنـی آدم بر تخت نیک بختی خواهد نشست . [2]

- زرتشت یا زردشت یا زردهشت ، پیغمبر ایرانی که در قرن هفتم قبـل از مـیلاد ظهـور کـرد و کتاب او اوستا است ۲- راک : بشارت عهدین ص ۲۳۸و۲۳۷ ، ۳

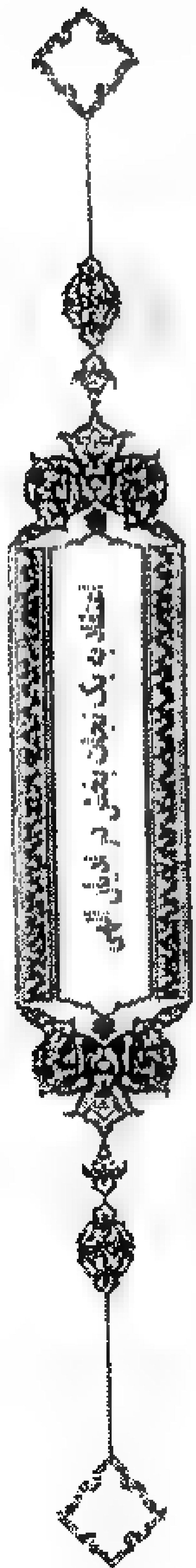
ب) جاماسب [۱] : در کتاب جاماسب نامه از زرتشت نقل می کند که می گوید : « مردی بیرون می آید از بین تازیان ، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگسال ، به آیین جد خویش و با سپاه بزرگ روی به ایران می نهد و آبادانی می کند و زمین را پر از داد کند . » [۲]

۲- در کتاب هندویان و برهمائیان :

الف) : **در کتاب شن جوک** از کتب هندوها آمده است : « سرانجام نیکو ، به کسی برگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او فرخنده و خجسته باشد . .

ب) : در کتاب دید که در نزد هندویان از کتب آسمانی است ، آمده است : « پس از خرابی دنیا ، پادشاهی در آخر زمان پیدا شود که پیشوای خلایق باشد و نام او منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به آیین خود آورد . » [۳]

ج) : در کتاب باسک از کتاب هندوها آمده است : « دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر الزّمان ، که پیشوای فرشتگان و پرنیان و آدمیان باشد و براستی حق با او باشد و آنچه در دریاها و زمین و کوه ها پنهان باشد همه را به دست آورد و آنچه از آسمان و زمین باشد ، خبر می دهد و از او بزرگ تر کسی به دنیا نیاید . » [۴]



۱- جاماسب : فردی دانا و خردمند که داماد زرتشت و وزیر گشتاسب بود . فرهنگ عمید ص ۱۱۱۵ ، ۲- بشارت عهدین ص ۱۴۴-۱۴۳ ، ۳- ر.ک : بشارت عهدین ص ۲۴۶-۲۴۵
۴- همان کتاب ص ۲۴۶

در میان چینیان و مصریان :

در کتاب علائم ظهور امده است : « در همه قرون و اعصار آرزوی (پیدایش) یک مصلح بزرگ جهانی ، در دلهای خدا پرستان وجود داشته و این آرزو نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ ، مانند زرتشتی ، یهودی ، مسیحی و مسلمانان سابقه دارد بلکه آثار آن را در کتابهای قدیم چینیان و در عقائد هندیان و در بین اهالی اسکاندیناوی و حتی میان مصریان قدیم و بومیان و حتی مکزیک و نظایر آنها نیز می توان یافت . [۱]

در میان اقوام مغول ، سرخ پوستان ، بابلیان و ...



« گلدزیهر » خاور شناس نامی (۱۹۲۱-۱۸۵۰) که وی را بنیانگذار علم اسلام شناسی در اروپا می دانند در پاییز سال ۱۹۰۸ توسط یک کمیته امریکایی برای سخنرانی هایی در رابطه ی با تاریخ ادیان دعوت می شود تا درباره اسلام در آمرکا سخنرانی کند . متن آن سخنرانی در سال ۱۹۱۰ منتشر شده است . گلدزیهر ـ در سخنرانی های اسلامی خود مساله ی مهدویت را مورد بررسی قرار داده ، در مورد جنبه عمومی و جهانی انتظار اقوام مختلف برای ظهور یک منجی بزرگ به هنگام فشار و مصیبت می گوید : « اعتقاد به بازگشت و ظهور منجی موعود ، اختصاص به اسلام ندارد ... پندارهای مشابهی را می توان در میان اقوام دیگر نیز به فراوانی یافت ؛ بنا بر اعتقاد هندویسم ، ویشنو در حالی که بر اسبی سفید سوار است و شمشیری از شعله آتش به دست دارد در پایان دوره کنونی جهان.......

۱- علائم ظهور ص ۴۷ ـ قائمیان

بعنوان کال کی ظاهر خواهد شد و سرزمین آریا را از دست ستمگران رهایی خواهد بخشد ...

در میان اقوام مغول ، تا امروز (۱۹۱۰) این عقیده شایع است که چنگیز خان پس از مرگ خود وعده کرده است که در هشت تا نه قرن دیگر از نو باز در زمین ظاهر خواهد شد و مغولان را از زیر یوغ چینیان نجات خواهد داد .

در شرایط مشابه ، در اقوام شرقی و غربی ـ حتی در میان سرخ پوستان آمریکا ، پندارهای مشابهی درباره بازگشت یا ظهور منجی موعود پدید آمده است ... همچنین کوشش شده است که منابع قدیمی تری برای اعتقاد به بازگشت و قیام منجی بزرگ بیابند . چنان که پینچز ، بر اساس متن های میخی بابلی نتیجه گرفته است که بابلیان باستان نیز در انتظار مجدد شهریار خویش ـ **سارگون دوّم** ـ بوده اند . تا شکوه گذشته را تجدید کنند و عظمت از دست رفته را از نو باز مستقر سازند . [1]



در میان یهودیان : در تورات و ملحقات آن :

الف) : در تورات ـ در پاراش لخلخا ، فصل ۱۷ از آیه ۲۰ از سفر تکوین از قول خداوند به ابراهیم خلیل الله آمده است « وَلْ یَشْماعیل شَمَعْیتخا بَیرختی أوتُو هُفْویتی أوتُو بِمأد مِأدْ سِینم ماشارْ نسیئم یُولیْد وَ ان تیتُو لغوی سَحادَلْ » [2] یعنی « در خصوص اسماعیل به تو شنواندم و اجابت ....

۱- دیباچه ای بر رهبری ص ۱۰۸-۱۰۶

۲- ر.ک انیس الاعلام ج۷ص۳۸۵-۳۸۳

کردم و او را برکت دادم و نسلش را ـ مثل خاک ـ زیاد کردم بوسیله محمّد(ص) و دوازده امام و امتّی عظیم از وی به وجود آورد »

×**مؤلف انیس الاعلام ـ** علاوه بر این متن عبری ، متن این کلمات را از سریانی عتیق وسریانی جدید و ترجمه ی عربی آن را از ترجمه منتشر شده سال (۱۸۹۵) در لندن آورده است و سخن را ادامه می دهد تا می گوید : چون معنی الفاظ را دانستی ، اکنون می گوییم که خداوند جلیل ، پس از این که هفده بشارت به حضرت خلیل « علیه السلام » داد . چنان که در پاداش مذکور ، مسطور آمده است . حضرت ابراهیم ، بعد از استماع بشارت مذکور به سجده درافتاد و تمنا کرد : کاش اسماعیل در حضور تو زیست کند پس خداوند عالم فرمود : دعای تو را در حق اسماعیل به اجابت رساندم ؛ او را برکت داده . فرزندان او را زیاد خواهم کرد ؛ قبیله ی بزرگ ـ که عبارت از قبیله ی عرب است ـ از نسل او خواهد بود . و او را بزرگ خواهم گرداند ؛ به سبب این که محمّد (ص) و دوازده امام ، که اوصیای محمد (ص) هستند را از نسل او پدید خواهم آورد .



در زبور حضرت داود (علیه السلام) :

در ترجمه فارسی زبور ۳۷ ، از مزامیرداود ـ که چهل آیه است و در آخر تورات آمده چنین مطالبی به چشم می خورد :

× زیرا که شریران منقطع می شوند ، اما متوکّلان به خداوند وارث زمین خواهند شد .

× و حال ، اندک است که شریر نیست می شود که هر چند مکانش را استفسار نمایی ناپیدا خواهد بود .

× اما متواضعان ، وارث زمین شده ، از کثرت سلامتی لذّت می برند .

× برهان صدیق به حکمت ، متکلم خواهد بود و زبانش به حکم درياست .

× شریعت خدا در قلبش بود ، و قدم هایش نخواهد لغزید .



ج) : د رکتاب حیوق نبی ،

فصل ۷ آمده است : « و اگر چه تأخیر نماید ، برایش منتظر باش ! زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود ؛ بلکه جمیع امّت ها را نزد خویش جمع می کند .

د) : در کتاب اشعیای نبی ، فصل ۱۱ آمده است :

« و نهالی از تنه یسی [۱] (پدر داود) برآمده [۲] ؛ با شاخه ای از شاخه هایش قد خواهد کشید ... برای ذلیلان به عدالت حکم می کند و برای مسکینان زمین براستی مایه ی بیداری خواهد بود ... کمربند کمرش عدالت است و وفا نطاق میانش ؛ دنیا به صورتی در می آید که گرگ و برّه در کنار هم سکونت کنند و ... و در تمامی کوه مقدس من ، هیچ ضرر و فساد نخواهد بود ، زیرا که زمین از دانش خداوند ، مثل آب هایی که دریا را فرا می گیرد پُر خواهد بود .

۱- یسی : به معنای قوی ، نام پدر حضرت داود (ع)   ۲- منجی موعود از نسل انبیا است



در میان مسیحیان :

الف) در انجیل متّا ، باب ۲۴ ، آیه ۲۷ : « چون برق که از مشرق بیرون آید تا مغرب ظاهر می گردد ، آمدن فرزند انسان [1] نیز چنین خواهد بود » .

آیه ۳۱ : « و فرشته های خود (یاران) را خواهد فرستاد ـ با صور بلند آواز ـ و آنها برگزیدگانشان را جمع خواهند نمود از اطراف اربعه ؛ از اقصای فلک تا به طرف دیگر .

باب ۱۹ ، بند ۲۸ و ۲۹ : « عیسی ایشان را گفت هر آینه به شما می گویم که مرا متابعت نموده اید وقتی پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند شما نیز به دوازده کرسی نشسته بر دوازده سبط داوری خواهید نمود و هر که به خاطر اسم من خانه ها یا برادران یا خواهران ؛ پدر یا مادر یا زن یا فرزندان را ترک کرد صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت » .

ب) انجیل یوحنا :

باب ۱۵ ص ۲۷ : « لیکن چون تسلی دهنده که از جانب پدر نزد ....

۱- مراد از فرزند انسان حضرت مهدی (عج) می باشد .

شما خواهد آید یعنی « روح و راستی » که از پدر ما برمی گردد او بـرمن شهات خواهد داد و شما نیز شهادت خواهید داد .



ج) : انجیل مرقس باب ۱۳ شماره ۱۹ و ۳۲ :

« آنگاه پسر انسان را می بینید که باقوّت و جلال عظیم بر ابرها می آید در آنوقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا اقصای فلک فراهم خواهد آورد .

انجیل لوقا باب ۱۲ ص ۴۰ :

× پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید .

در کتاب حضرت دانیال (ع) از کتاب عهد عتیق باب ۱۲ آیه ۱۲ آمده است [۱] : « خوشا به حال آنکه انتظار کشد . جهان در انتظار ظهور حضرتش بسر می برد که او آخرین پناهگاه و آخرین دولت منتظران است . »در اینجا به حضرت دانیال (ع) بشارت داده که وی نیز در آن عصر درخشان رجعت خواهد کرد و بر منصب خود خواهد ایستاد ، که منظور این است که در رکاب حضرت مهدی (عج) ایشان نیز حضور خواهند داشت و جزء اصحابند .

۱- فصل ۱۲ آیه ۱۳ ـ عهد عتیق ـ کتاب دانیال نبی (ع)

نظریه ی علمای شافعی :

محمّد بن یوسف گنجی (متوفی ۶۵۸ هـ . ق) در باب ۲۵ کتاب البیان فی اخبار صاحب الزّمان می گوید : « مهدی (عج) ممکن است تا زمان ظهورش زنده بماند ؛ و هیچ مانعی در این امر نیست ، همچنانکه عیسی (ع) و خضر (ع) زنده می باشند » .[۱]

احمد بن حجر هیثمی شافعی : (متوفی ۹۷۴ هـ . ق) در کتاب خود به نام الصواق المحرقه از ابوالحسن امری چنین نقل می کند : « اخبار متواتر و فراوان از پیامبر (ص) نقل شده که سرانجام ، مهدی ظهور می کند و او از اهل بیت پیامبر است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد .[۲]

نظریه یکی از علمای مالکی :

ابن صباغ مالکی (متوفی ۸۵۵ هـ . ق) در کتاب خود به نام الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه (ع) می گوید : « ابوالقاسم ، محمّد ، الحجه بن الحسن الخالص ، شب نیمه شعبان ۲۵۵ ه ق در شهر سامرا به دنیا آمد ، کنیه اش ابوالقاسم و القاب او حجّت ، مهدی ، خلف صالح ، قائم ، منتظر و مشهورترین لقبش مهدی(عج) است .[۳]

۱- منتخب الاثر ص ۳۲۴ ۲- الصواق المحرقه ص ۹۹

۳- الفصول المهمه ص ۲۹۲



نظریه ی یکی از علمای حنفی :

سلیمان قندوزی در کتاب خود به نام ینابیع الموده که ده ها حدیث در تطبیق آیات قرآن با حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده است ؛ و ما تنها به نقل یک مورد اکتفا می کنیم . به سند خود از علی بن موسی الرّضا(ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود : « چهارمین فرزند من ... که خداوند بوسیله او زمین را از هر ظلم وستمی پاک می کند ؛ او همان کسی است که منادی برای او از آسمان به طوری که تمامی اهل زمین بشنوند ندا می کند : آگاه باشید که حجّت خدا نزد خانه خدا ظهور کرده ؛ از او پیروی کنید زیرا حق در او و با اوست » . (۱)

نظریه ی علمای حنبلی :

نظریه ابن تیمیه که فقیه حنبلی . از اعلام آنها بود . گذشت ؛ ابن قیم جوزی حنبلی (متوفی ۷۵۱ هـ ق) در کتاب خود به نام المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف ، می گوید : « **دیدگاه سوّم** : این که مهدی مردی از خاندن پیامبر و از فرزندان حسین بن علی است و در آخر الزّمان ـ وقتی که زمین آکنده از ظلم و جور شده باشد ـ ظهور کرده و آن را سرشار از عدل و داد می نماید که بیشتر روایات ، بر این قول دلالت دارد » . (۲)

۱- ینابیع الموده ص ۴۴۸
۲- الامام المهدی عنه اهل السنه ج ۱ ص ۲۸۹



نظریه ی یکی از علمای معتزلی :

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه در شرح کلام امام علی [ع] که می فرمایند : « بنا یختم لا بکم » می گوید : : « این گفته اشاره به مهدی (عج) است که در آخر الزّمان ظهور می کند و بیشتر محدثان برآنند که وی از فرزندان فاطمه [س] می باشد و پیروان معتزله این نظر را انکار را نمی کنند بلکه در کتابهای خود به بیان آن تصریح کرده و اساتید و بزرگانشان به این امر ، اعتراف نموده اند . [۱]

در کتاب اصول کافی ج۲ ص ۵۷۷ آمده :

ام هانی از سعد نقل می کند که گفت : از حضرت باقر (ع) معنی آیات ۱۵ و ۱۶ سوره تکویر « قسم به ستارگان که به گردش آیند و در مکان خود رخ پنهان کنند . » پرسیدم . فرمود : مراد امامی است که ،در زمان خود در سال دویست و شصت پنهان می شود . پس چون شهاب تابان در شب تار پیدا شود .

در کتاب غیب طوسی حدیث ۱۴۳ آمده :

محمّد بن الحسین از پدرش از جدش نقل می کند که : حضرت علی (ع) در تفسیر سوره قصص آیه ۵ ؛ می خواهیم بر آنان که در زمین ناتوان شمرده شده اند منت نهیم و آنها را امامان و وارثان زمین قرار دهیم . »

۱- ر.ک الامام المهدی عند السنه ج۱ص ۱۶۴

فرمود : آنها آل محمّدند که خداوند مهدی (عج) آنـان را پـس از مـشقت برانگیزد وایشان را عزت بخشد ، و دشمنانشان را ذلیل فرماید .

در کتاب اصول کافی ج۳/۲۷۷ حدیث ۹۱ :

آمده : محمّد بن فضیل نقل می کند که حضرت امام موسی کاظم (ع) در تفسیر آیه ۳۴ سوره توبه : « تا آنان را به همه ادیـان غالـب کنـد » فرمـود : هنگام قیام قائم علیه السلام این دین (اسلام) را بر سایر ادیان غلبه دهد .

در کتـاب تفـسیر فـرات آمـده : (پیـشگوییهای پیـشوایان : ۷۲۳حدیث ۱۹۴۴ :

فضل بن عبّاس نقل می کند کـه حـضرت صـادق (ع) در تأویـل آیـات او سوره شمس « قسم به خورشید و روشناییش و قسم به ماه چون از پـس آن درآیـد و قـسم بـه روز چـون زمـین را روشـن کنـد » فرمـود : خورشـید امیرالمؤمنین و نورش ، قیام قائم (ع) است و ماه که در پی آن درآید حسن و حسین اند ، و روز که زمین را روشن کند نیز قیام قائم علیه السلام است .

× انتظار چیست ؟ (جایگاه و مفهوم انتظار در تفکر شیعی) :

اگر بخواهیم به چند ویژگی مهم تفکر شیعی اشاره کنیم . بی شک یکـی از مهمترین این ویژگی ها اعتقاد به مهدی موعود علیه الـسلام بعنـوان امـام غایب و مصلح آخر الزّمان است و از همین رو در این تفکر فرهنـگ انتظـار از جایگاه خاصی برخوردار بوده و بخش عظیمـی از معـارف شـیعی را بـه خـود اختصاص داده است .

انتظار به معنای درنگ در امور ، نگهبانی ، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن است ؛ انتظا یک حالت روانی به همراه درنگ و تأمل است . زمانی می توانیم حقیقت انتظار را درک کنیم که بدانیم امام الزّمان را برای چه می خواهیم ؛ در واقع تا تشنه نشویم ، به آن حقیقت دسترسی نخواهیم داشت ؛ مادامی که عطش انتظار و این احساس نیاز و و حالت اظطرار و افتقار به حجّت و امام عصر ، در وجود ما شکل نگیرد ، به دنبال حضرت نخواهیم رفت .

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست

شاخصه ی اعتقاد به امام مهدی (عج) ، انتظار و آمادگی مداوم برای ظهور امامی است که درصددنابودی ظلم وستم ، فساد ، تباهی ، بی دینی و انحراف در جهان است . به گفته **شهید سیّد محمّد باقر صدر** : « مهدویّت یک تبلور الهام فطری است ، تفکر فقهی هر نوع ظلم و ستم ، اینک تجسم یافته از شخصیتی که به همه نه می گوید و تعهدی نسبت به هیچ ستمگری ندارد. » [1]

انتظار ، روح حیات سیاسی شیعیان و اساس باورهای آنان و الهام بخش حرکت های دینی و اصلاح طلبانه به شمار می رود .

شیعه ، بالندگی خود را مدیون انتظار می داند و با آن نفس می کشد شیعه ای که شیفته کورکورانه از تجدید و مدرنیته است ، شیعه ای که نه تنها منتقد نظام ظلمانه حاکم بر دنیای امروز نیست بلکه مجذوب آن است ،

۱- بحث حول المهدی

شیعه ای تسلیم فرهنگ غرب است ، از افق های متعالی ظهور امام الزّمان غافل است . انتظار و امیدواری به وعده ی الهی ، نمی گذارد که چشمه معنوّیت و غیب اندیشی در ما بخشکد ؛ کسانی که در کثرت تو در توی زمین گرفتارند زندگی شان سردرگم می شود .

نی صفا می ماندش نی کرّ و فرّ   نی به سوی آسمان راه سفر

انتظار بقیّه الله انسان را از صفحه تنگ عالم کثرت ، به گستره ی بی نهایت عالم وحدت و مقام حضور می کشاند . در فرهنگ مدرنیسم ، از بقای با حق ، به تزلزل با زمین گرفتار آمدیم در نتیجه از آسمان و غیب و قرار و انس و ایمان وامانده ایم .

× انتظار ، جهت قلب را از زمین به آسمان می کَند و از گرفتاری هبوط در زمین می رهاند .



آثار انتظار :

نفی وضع موجود (فساد ، ظلم ، بی عدالتی وتبادل) .
عدم پذیرش حکومت های ظلم و فاسد .
اصلاح طلبی و امید به زندگی بهتر .
تلاش و کوشش برای پیشرفت .
تشکیل حکومتهای مشروع .
عقیده ساز و انقلاب آفرین .
زمینه ساز حکومت عدل و ایمان .



× انتظار جنبش آفرین و تحرّک بخش و سرچشمه ی شور و مقاومت و ایثار و قیام است . به گفته دکتر علی وردی (استاد دانشگاه بغداد) : تشیع آتشفشان خاموش کوهسار اسلام است که گاه و بی گاه دود ، بخار ، لرزه و تکان اندکی پدید می آورد و همین تاثیر اندک ، ریشه تمام انقلابات دنیای اسلام است . (۱)

شیعه یعنی شوق یعنی انتظار　　صاحب آیینه تا صبح بهار
شیعه یعنی صاحب پا در رکاب　　تا که خورشید افکند از رخ نقاب

ـ نظریه ی روشنفکران غربی :

× هانری کرتن ـ (اسلام شناس فرانسوی) می گوید : « مفهوم غیبت ، هرگز در چهارچوب درخواست های دنیای امروز ، در معرض تفکّر قرار نگرفت ؛ این امر به عقیده اینجانب چشمه ای بی نهایت و ابدی از معنا و حقایق است ؛ مفهوم امام غایب را با روح غربی خودم به گونه ای نو احساس می کنم و چنین به دلم الهام می شود که رابطه ی حقیقی آن را با حیات معنوی بشر وابسته می دانم . » (۲) وی می گوید : سرزمین ایران از دید اخروی سرزمین انتظار است . قلمرویی که در آن امام غایب دست اندر کار فرا رساندن ساعت موعود در زمان غیبت است .

×**جان دی استمپل :** « از نظر تاریخی شیعه معتقد است که هر دولت غیر مذهبی ذاتاً فاسد است و سرانجام هنگام ظهور مهدی (عج) ـ امام دوازدهم شیعیان (آن دولت) باید سرنگون شود و به جای آن حکومت عدل الهی در جهان مستقر گردد . (۳)

۱- فصل نامه انتظار، ش۲　　۲- همان　　۳- همان.



×**ماربین محقق آلمانی** : از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهمی که موجب امیدواری و رستگاری شیعه می باشد ، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است . [۱]

× **برناردلوییس** ـ در مقاله خود به نام شیعه در تاریخ اسلام ـ می نویسد : سرکوبی بسیاری از قیام ها و ناپدید شدن رهبران آنها ، باعث ویژگی دیگری در دکترین شیعه شد ... و این منجی گری تبدیل به یکی از جنبه های اساسی اسلام و تشیع شده است . [۲]

× **ویلیام وات** ـ محقق دانشگاه ادین برگ ـ در کتاب اصول گرایی اسلام و مدرنیسم می گوید : « اعتقاد به امامت و انتظار از جمله ویژگی های تشیع اند که در اندیشه های سیاسی شیعه نقش مهمی ایفا می کنند . [۳]

× **مارتین کرام** : « طرفداران پرشور امام خمینی [ره] ، او را نایب امام ، یعنی نماینده ی امام غایب می دانند چنین عنوانی به این معنی است که پیروان امام خمینی(ره) ، قدرت او را الهی و مشروع می دانند . جاذبه امام خمینی [ره] و علما بازتابی از ستایش ائمه است . [۴]

انتظار فرج در احادیث معصومین:

۱ - حدیث معروفی که از پیامبر گرامی (ص) در ۳۸ منبع شیعی و سنی نقل شده که فرموده اند : « أَفْضَلَ العِبَادَه اِنْتِظَار اَلفَرَجْ » یعنی با فضیلت ترین عبادات انتظار فرج است . [۵]

۱- فصل نامه انتظار ،ش۲ ۲- همان ۳- همان ۴- همان

۵- معجم احادیث . الامام المهدی ج۱ ص ۲۶۸

البتّه از پیامبر گرامی (ص)، ۲۲ حدیث دیگر در ارزش انتظار فرج در کتاب منتخب الاثر نقل شده است .

۲- امام زین العابدین (ع) می فرماید : « منتظران ظهور حضرت مهدی (عج) از اهل هر زمان فاضل ترند . [۱]

۳- امام صادق (ع) فرمودند : « کسانی که در انتظار دولت قائم از دنیا بروند ، چون آنانند که در خدمت قائم باشند . » امام (ع) پس از این سخن مکثی کرد و سپس فرمودند : « بلکه چون آنانند که در رکاب مهدی ، شمشیر زده باشند . » سپس فرمودند : « نه به خدا سوگند اینان چون آن کسانند که در خدمت پیامبر ، به شهادت رسیده باشند . [۲]

×شهید مطهری (ره) که به مقایسه دو دیدگاه درباره انتظار پرداخته چنین می گوید : « انتظار فرج دو گونه است : **الف** ـ انتظاری که سازنده است ، تحرک بخش است و تعهد آور . **ب** ـ انتظاری که ویرانگر است ، بازدارنده است ، فلج کننده است و نوعی اباحی گری محسوب می شود . [۳]



انتظار از دیدگاه امام خمینی :

امام خمینی (ره) معنای دقیق انتظار فرج را این گونه بیان فرموده اند : « سیره ی انبیاء براین بوده است ، سیره ی بزرگان بر این بوده است که معارضه می کردند با طاغوت و لو اینکه زمین بخورند و لو اینکه کشته شوند

۱- منتخب الاثر، ف۱ب۲۴ج۱- ۲- بحارالانوار ج۵۲ ص۱۲۶

۳- قیام و انقلاب مهدی ص ۶۸-۶۱

و یا کشته بدهند ؛ ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند و نگذارد که این قدر ظلم زیاد شود ؛ این ارزش دارد . ما تکلیف داریم آقا ! این طور نیست که حالا که منتظر ظهور امام الزّمان (عج) هستیم پس دیگر بنشینیم در خانه هایمان ، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم : عجل علی فرجه . عجل با کار شما باید تعجیل بشود . شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید ، همه با هم بشوید ؛ ان شاءالله که ظهور می کند ایشان.[1]

« همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را ، لکن با انتظار تنها نمی شود ، بلکه با وضعی که بسیاری دارند ، انتظار نیست . »[2]

روزی شود که آیی ای خوب روی هستی
با جرعه ای ز جامت ما را بری به مستی
ما خستگان راهیم در این خزان پر درد
ای منجی بهاران ، بر کَن بساط پَستی
میان موج و وحشت کشتی شکستگانیم
جان از بدن در آمد از ما بگیر دستی[3]

۱- صحیفه نور ج۱۸ص۱۹۵
۲- همان ـ ج۱۹ص۱۵۴
۳- جلیلیان – شوش دانیال (ع) – ایستاده در باران

« سحاب رحمت »



همه هست آرزویم که ببینم از تو رویی
چه زیان تو را که من هم برسم به آرزویی
به کسی جمال خود را ننموده ای و بینم
همه جا به هر زبانی ز تو هست گفت و گویی
همه موسم تفرج به چمن روند و صحرا
تو قدم به چشم من نِه بنشین کنار جویی
چه شود که از ترحم دمی ای سحاب رحمت
من خشک لب هم آخر ز تو ترکنم گلویی
به ره توبس که نالم ز غم تو بس که مویم
شده ام ز ناله نایی شده ام ز مویه مویی
همه شب بر آستانت شده کار من گدایی
به خدا که این گدایی ندهم به پادشاهی

فصــــل دوم :

چه تفاوتی در انتظار ظهور مصلح ، بین شیعه و سایر ادیان وجــود دارد ؟



انتظار اگر واقعی باشد ، انسان را می سازد ، یک عقیده ی قلبی است که آثارش در اندیشه و اعمال مشهود ، زیرا امید واری به آینده زمانی خوب است که او را به کار و تلاش وا دارد و اگر امید نباشد انسان از حرکت می ایستد ؛ پس امید واقعی کجاست ؟ در سایر ادیان می گویند : نجـات بخـش خواهـد آمد ؛ مثلاً یهود می گوید : مشیا می آید : ولی چه خواهد کرد ؟می گویند : نمی دانیم و حتّی آنها می گویند : طبق نوشته انجیل ، وقتـی عیسـی بیایـد قیامت بر پا می شود ؛ بنابر این مسیحیان ، نسبت به آینده حیرت زده انـد . پس انتظار واقعی نیست . اکثر اهل سنّت هم می گویند : مهدی خواهد آمد : اما این که هویت او چیست ؟ چه کسی او را انتخاب می کند ؟ پاسخ درستی نمی دهند ، ولی شیعه او را مشخص می کند ؛می گوید : او بـه دنیـا آمـده ، پدر و مادرش معلوم است ، اکنون در غیبت کبری است ، خداوند او را حفـظ کرد ، و کسانی او را دیده اند ، بنابر این ، انتظار شیعه یـک انتظـار واقعـی و سازنده است .

از تولّد تا غیبت :

دوازدهمین پیشوای شیعیان ، بنابر این مشهور ترین اقوال ، در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵(ق) در شهر سامرا دیده به جهان گشود . [۱]

(۱) ر.ک : الکینی ، الکافی ج ۱ ص ۵۱۴

بنابه گفته ی شیخ مفید (م ۴۱۳ق .) پدرش امام حسن عسکری (ع) ، جز او فرزندی نه پنهان و نه آشکار به جا نگذاشت و او را نیز در پنهان و خفا نگهداری فرمود [۱] مادر بزگوار آن حضرت بانویی شایسته به نام « نرجس » [۲] بود که به نامهای دیگری چون « سوسن »[۳]« صیقل » [۴]،« ملکیه »[۵] نیز نامیده شده است . او دختر « یوشعا » پسر قیصر روم و از نوادگان « شمعون » یکی از حواریان مسیح ،(ع) بود که به طریقی معجزه آسا از سوی خداوند برای همسری امام یازدهم برگزیده شد . [۶]

خلاصه ماجرا از این قرار است :

هنگامی که « نرجس » در روم بود خوابهای شگفت انگیز دید ، یک بار در خواب پیامبر عزیز اسلام (ص) وعیسای مسیح (ع) را دید او. را به عقد ازدواج امام حسن عسکری (ع) در آوردند و در خواب دیگری ، شگفتیهای دیگری دید و به دعوت حضرت فاطمه زهرا (س) ، مسلمان شد ، امّا اسلام خود را از خانواده و اطرافیان خویش پنهان می داشت . تا آنگاه که میان مسلمانان و رومیان جنگ در گرفت و قیصر خود به همراه لشکر روانه

(۱) المفید الارشادفی معرفه ، حجج الله علی العباد ج۲ص۳۳۹ - (۲) نرجس – نام کلی است که سر دسته گیاهان تیره نرگس است (فرهنگ معین ج۴ص ۴۷۰۲)- (۳) سوسن – نام گلی فصلی و درشت به رنگخا مختلف است (همان ص ۱۹۵۴) – (۴) صیقل- هر شی نورانی – پس از آنکه حضرت ترجس خاتون به ولی عصر (عج) حامله شد او را صیقل نام نهادند . ر.ک الصدوق ص ۴۳۲ – (۵) ملکیه – به معنای ملکه و شهبانوست . (۶) در کتاب تاریخ العرب و الروم – نازیلیف ترجمه محمد عبدالهادی شعیره ص۲۲۵ (به نقل از هیت تحریه موسسه در راه حق است)

جبهه ها ی جنگ شد « نرجس » در خواب فرمان یافت که به طور ناشناس همراه کنیزان و خدمتکاران به دنبال سپاهی که به مرز می روند برود و اوچنین کرد و درمرز برخی از جلوداران سپاه مسلمانان آنان را اسیر ساختند و بی آنکه بدانند او را خانواده قیصر است او را همراه سایر اسیران به بغداد بردند این واقعه در اواخر دوران امامت امام دهم حضرت هادی (ع) روی داد. [1] کارگزار امام هادی (ع) ، نامه ای که به زبان رومی نوشته بود به فرمان آن گرامی در بغداد به نرجس رساند و او را از برده فروشی خریداری کرد و به سامرا نزد امام هادی (ع) برد ، امام آنچه را از نرجس در خوابهای خود دیده بود به او یاد آوری کرد و بشارت داد که او همسر امام یازدهم و مادر فرزندی خواهد شد که بر سراسر جهان مستولی می شود و زمین را ازعدل و داد پر می سازد . آنگاه امام هادی (ع) نرجس را به خواهر خود « حکیمه » که از بانوان برزگوار خاندان امامت بود سپرد تا آداب اسلامی و احکام را به او بیاموزد و مدّتی بعد نرجس به همسری امام حسن عسکری (ع)در آمد . [2]

نام ، کُنیّه و القاب حضرت :

نام و کُنیّه امام عصر ، (ع) ، همان نام و کنیه پیامبر اکرم ، (ص) است .

---

(۱)همان ص ۲۷-۲۶

(۲)هئیت تحریه موسسه در راه حق همان ص ۲۷- ۲۶

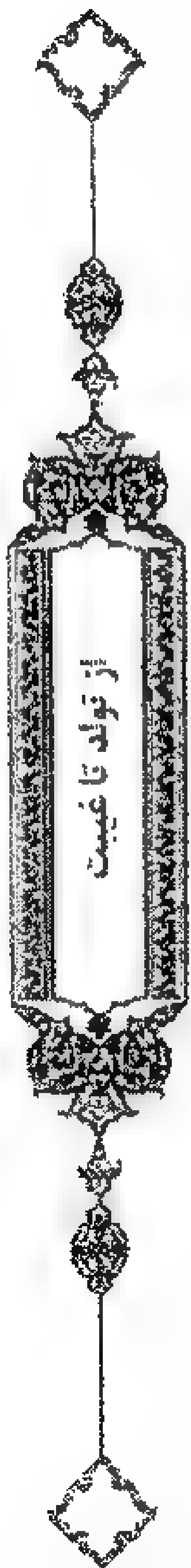
چگونگی میلاد حضرت :

دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) ، و حاکمان ستم پیشه اموی و عبّاسی ، بر اساس روایتهایی که از پیامبر اکرم ، (ص) به آنها رسیده بود ، از دیر باز می دانستند که شخصی بنام «مهدی » از خاندان پیامبر(ص) دودمان امامان معصوم بر می خیزد و کاخهای ظلم و ستم را نابود می سازد ، از همین او پیوسته در کمین بودند که چه موقع آخرین مولود از نسل امامان شیعه به دنیا خواهد آمد تا او را از بین ببرند . از زمان امام محمّد تقی (ع) رفته رفته فشارها و سختگیریها بر خاندان پیامبرفزونی گرفت تا در زمان امام حسن عسکری (ع) به اوج خود رسید و آن حضرت در تمام دوران حیات خویش در شهر « **سامرا** » زیر نظر بودند ، و کوچکترین رفت و آمد به خانه آن امام از نظر دستگاه خلافت مخفی نبود . در چنین شرایطی طبیعی است که میلاد آخرین حجت حق نمی تواند آشکار باشدو به همین خاطر تا ساعاتی قبل از میلاد آن حضرت نزدیکترین خویشان امام حسن عسکری (ع) نیز از اینکه قرار است مولودی در خانه امام به دنیا بیاید خبر نداشتند و هیچ اثری از حاملگی در مادر آن بزرگوار مشاهده نمی شد . روایتی که در این زمینه از « **حکیمه**» دختر بزرگوار امام جواد علیه السلام و عمّه امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده شنیدنی است : شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق .) در کتاب در کمال الدین روایت کرده کرده است که : ابو محمد حسن بن علی(ع) به دنبال من فرستاد و فرمود : ای عمّه ! امشب روزه ات را با ما افطار کن زیرا امشب شب نیمه شعبان است و خداوند در این شب آن حجّتی را که حجّت او در زمین است آشکار می سازد . پرسیدم مادر او کیست ؟ فرمود : نرجس



عرض کردم خدا مرا فدای شما گرداند ، حکیمه خاتون ادامه می دهـد : مـن (به خانه امام عسکری) در آمدم ، پس از آنکه سلام کردم و نشستم نرجس پیش من آمد و در حالی که کفشهای مرا از پایم بیرون مـی آورد گفـت : ای بانوی من چگونه شب کردی ؟ گفتم : بلکه تو بانوی من و بانوی خاندان منی . سخن مرا انکار کرد و گفت : چه شده است عمّه ؟ به او گفتم : دختر جـان خداوند تبارک و تعالی در همین شب به تو فرزند پسری عطـا مـی کنـد کـه سرور و دنیا و آخرت خواهد بود . نرجس از حیا در جای خود نشسـت وقتـی از نماز عشاء فارغ شدم و افطار کردم ، به بستر رفتم و خوابیدم در نیمه های شب برای نماز برخواستم ، نماز را تمام کردم ، در حـالی کـه هنـوز نـرجس خوابیده بود و اثری از زایمان در او نبود ، تعقیـب نمـاز را بـه جـای آوردم و خوابیدم ، اما لحظاتی بعد وحشت زده از خواب بیدارشدم . که در این موقـع نرجس هم برخاست و به نماز ایستاد . حکیمه مـی گویـد : در همـین حـال شک و تردید به سراغ من آمد ، اما ناگهان ابو محمّد (امام حسن عـسکری) علیه السلام ، از همان جا که نشسته بودند بر آورد . ای عمه ! شتاب مکن که آن امر نزدیک شده است . حکیمه ادامه می دهد: در حال خوانـدن سـوره هـای « سجده » و « یس» بودم که نرجس با اضطراب از خواب بیدار شد، مـن بـا شتاب پیش او رفتم و گفتم نام خدابر تو باد ، آیا چیـزی احـساس کـردی ؟ گفت : بله عمّه جان . به او گفتم : بر خودت مسلّط باش و آرامشت را حفـظ کن ، که این همان است که به تو گفتم . حکیمه ادامـه مـی دهـد : دقـایقی کوتاه خواب به سراغ من آمد و در همین مقطع بـود کـه حالـت زایمـان بـه نرجس دست داد و من به سبب حرکت نوزاد بیدار شدم . جامـه را از روی او

از تولد تا غیبت



کنار زدم و دیدم که او اعضای سجده را به زمین گذاشته و در حال سجده است او را در آغوش گرفتم و با تعجّب دیدم که او کاملاً پاکیزه است وآثار ولادت چیزی بر او نمانده است در این هنگام ابو محمّد (امام حسن عسکری) علیه السلام ندا برآورد که : ای عمّه: پسرم را نزد من بیاور . نوزاد را سوی او بردم آن حضرت را به سینه خود چسباند و بعد گفت پسرم ! سخن بگو و آن نوزاد زبان گشود و گفت شهادت می دهم که خدای جز خدای یکتا نیست و هیچ شریکی برای او وجود ندارد و شهادت می دهم که محمّد (ص) فرستاده خداست . آنگاه بر امیرمؤ«منان (ع) و سایر امامان درود فرستاد تا به نام پدرش رسید ... [1] دوران تربیت تا سال ۲۶۰هـ . ق یعنی تا سن ۵ سالگی ، تحت سر پرستی پدربزرگوارش بود و در دامان پر مهر امام حسن عسکری (ع) تربیت می شد ؛ در این مدت ، از دیده دیگران مخفی بود و تنها دوستان خواص می توانستند او را مشاهده کنند . ابتدای امامت از سال ۲۶۰ هـ . ق که پدر بزرگوارش به واسطه زهر معتمد عبّاسی به شهادت رسید ، امامت به ایشان منتقل گردید .

× **شاهدان تولّد حضرت و نماز بر پدر بزرگوارش :**

اما روایتی که مرحوم شیخ صدوق از « احمد بن اسحاق » نقل کرده و در آن نحوه آگاه شدن ایشان از تولد آخرین حجّت حق بیان شده به قرار زیر است :

ولدلنا مولد فلیکن عندک مستوراً ، وعن جمیع الناس مکتوباً ، فاءنا

---

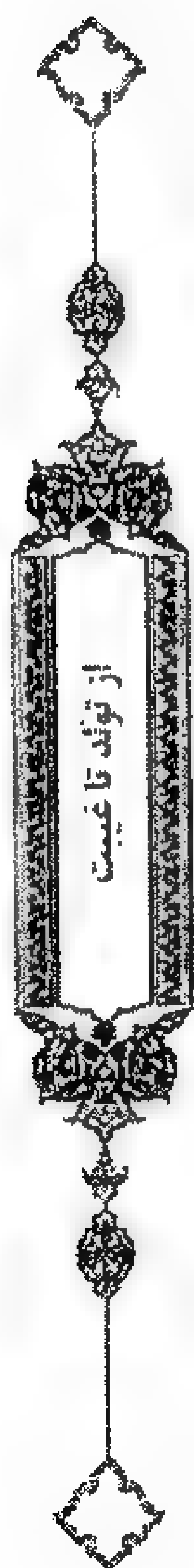
(۱) الصدوق ج ۲ کمال الدین ص ۴۲۴

لم تظهر علیه الا قرب القرابته والولی لولایته ، اجینا واعلامک لیسرک الله به مثل ما سرنابه والسلام .[1]

برای ما فرزندی متولّد شد لازم است خبر تولّد او را پنهان بداری و به هیچ کس از مردم باز گو نکنی ما کسی را بر این تولّد آگاه نمی کنیم جز خویشاوند نزدیک را به جهت خویشاوندی و دوست را به جهت ولایتش . دوست داشتیم خبر این تولّد را به تو اعلام کنیم تا خداوند به جهت آن تو را مسرور سازد ، همچنانکه مرا مسرور ساخت ؛ والسلام .

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه از احمد بن اسحاق که پیش از این ذکر او گذشت چنین نقل می کند : خدمت ابا محمّد حسن بن علی علیه السلام رسیدم و می خواستم از ایشان در مورد جانشینی پس از او پرسش کنم . آن حضرت پیش از آنکه من سؤالی کنم ، فرمود : ای احمد بن اسحاق ! همانا خداوند تبارک و تعالی ، از آن هنگام که آدم (ع) را آفرید زمین را از حجّت خدا بر آفریدگانش خالی نگذاشته ، و تا زمانی هم که قیامت بر پا شود خالی نخواهد گذاشت ، گفتم : ای پسر رسول خدا ! پیشوا و جانشین پس از شما کیست ؟ آن حضرت با شتاب درون خانه رفت و در حالی که پسر بچّه ی سه ساله ای را که رویی همانند ماه تمام داشت بر دوش خود حمل می کرد برگشته وگفت : ای احمد بن اسحاق ! اگر در نزد خداوند عزّوجلّ و حجّت های او گرامی نبود این پسرم را به تو نشان نمی دادم . همانا او همنام رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم کنیّه اوست .

۱- الصدوق . همان ج ۲ ص ۴۳۴-۴۳۳ ح ۱۶



او کسی است که زمین را از عدل و داد پر می سازد همچنان که از ظلم و جور پر شده بود . جعفربن محمّد مالک الفراری با گروهی از شیعیان که از آن جمله اند : علی بن بلال ، محمّد بن معاویه بن حکیم ، حسن بن ایوب ، نقل می کند که : ما به خدمت ابا محمّد حسن بن علی علیه السلام رسیدیم تا از آن حضرت در مورد ایشان پرسش کنیم . جمعیتی بالغ بر چهل نفر در خانه حضرت اجتماع کرده بودند ؛ در میان عثمان بن سعید عمروالعمری به سوی آن حضرت رفت و گفت ای پسر رسول خدا می خواهیم از چیزی سؤال کنیم که شما از من بدان آگاه ترید حضرت فرمودند : بنشین ای عثمان ! او دلگیر شد و خواست از مجلس خارج شود که حضرت فرمود : کسی از اینجا خارج نشود . کسی از ما خارج نشد پس از ساعتی حضرت علیه السلام عثمان را صدا زد و عثمان از جا برخاست . حضرت فرمود : آیا به شما بگویم برای چه به اینجا آمده اید ؟ همه گفتند آری ، ای پسر رسول خدا پس فرمود : آمده اید که از من در مورد حجّت بعد از من سؤال کنید گفتند : آری . در این هنگام پسر بچّه ای همچون پاره ی ماه که از همه مردم به ابا محمّد علیه السلام شبیه تر بود به مجلس در آمد حضرت فرمود : پس از من این امام شما و جانشین من بر شما است ، از او پیروی کنید . آگاه باشید که از امروز به بعد هیچ یک از شما او را نخواهید دید تا عمری از او بگذرد . سپس آنچه عثمان به شما می گوید بپذیرید ، به دستورات او سر نهید ، و سخن او را بپذیرید ، امام شماست و سر رشته امور به او سپرده شده است . (۱)

الطوسی همان ص ۲۱۷

« ابوالادیان بصری » که در مراسم تشیع و خاکسپاری امام یازدهم حضور داشته شاهد نماز خواندن امام مهدی (عج) بر پیکر پدر بزرگوار خویش بوده است. روایتی که در این زمینه از او نقل شده به قرار زیر است : من درخدمت حسن بن علی بن محمّد (امام یازدهم) علیه السلام ، کار می کردم و نوشته های او را به شهرها می بردم در مرض موتش شرفیاب حضور او شدم و نامه هایی نوشت و فرمود : اینها را به مدائن برسان . چهارده روز سفرت طول می کشد و روز پانزدهم وارد « ستر من رای » (سامرا)می شوی و وایلا از خانه من می شنوی و مرا روی تخته غسل می بینی . ابوالادیان می گوید : عرض کردم : ای آقا من ! چون این پیشامد واقع شود به جای شما کیست ؟ فرمود : هر کس جواب نامه مرا از تو خواست او بعد من قائم (به امر امامت) است . عرض کردم : نشانه ای بیفزایید . فرمود : هر کس بر من نماز خواند او است قائم بعد از من عرض کردم بیفزایید ، فرمود : هر کس به آنچه در همیان چیست. من نامه ها را به مدائن رسانیدم و جواب آنها را گرفتم و چنانکه فرموده بود روز پانزدهم به « ستر من رای » برگشتم و در خانه اش واویلا بود و خودش روی تخته غسل بود . بناگاه دیدم« جعفر کّذاب » پسر علی ، برادرش بر در خانه است و شیعه گرد او جمعند و تسلیّت می دهند و به امامت تهنیّت می گویند . با خود گفتم : اگر امام این است که امامت باطل است ؛ زیرا می دانستم جعفر شراب می نوشد و « جوسق » قمار می کند و تنبور هم می زند . من نزدیک او رفتم و تسلیّت گفتم و تهنیّت دادم و چیزی از من نپرسید . سپس« عقید » (خادم حضرت عسکری) بیرون آمد و گفت : ای آقا من ! برادرت کفن شده است بر خیز و بر او نماز

از تولد تا غیبت

بگذار . جعفر بن علی با شیعیان او که اطرافش بودند وارد حیاط شد و پیشاپیش شیعیان« ستمان » (عثمان بن سعید عمری) بود و « حسن بن علی » معروف به « سلمه » وقتی وارد صحن خانه شدیم جنازه حسین بن علی بر روی تابوت کفن کرده بود . جعفر جلو ایستاده که بر برادرش نماز بخواند . چون خواست « الله اکبر» بگوید ؛ کودکی با صورتی گندمگون ، موهایی مجعد و دندانهایی که در بین آنها فاصله ای بود ، از اتاق بیرون آمد ردای جعفر را عقب کشید و گفت : ای عمو ! من سزاوارم که بر جنازه پدرم نماز گزارم عقب بایست ، جعفر با روی درهم و رنگ زرد عقب ایستاد و آن کودک جلو ایستاد و بر او نماز خواند و (آنگاه حضرت عسکری [ع]) در کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد . سپس آن کودک گفت : ای بصری ! جواب نامه ها را باتوست بیاور . آنها را به وی دادم و با خود گفتم : این دو نشانه ؛ باقی میماند سپس نزد جعفر بن علی رفتم که داشت ناله و فریاد می کرد و از دست آن کودک می نالید « حاجزوحاشا» به او گفت : ای آقای من آن کودک کیست تا ما بر او اقامه دلیل کنیم . گفت : به خدا من تاکنون نه او را دیده ام و نه می شناسم . ما هنوز نشسته بودیم که چند نفر از قم آمدند و از حسن بن علی [علیه السلام] پرسش کردند و دانستند که فوت شده است . گفتند : به چه کسی باید تسلیّت بگوییم ؟ عدّه ای به جعفر بن علی اشاره کردند آنها بر او سلام کردند او را تسلیّت دادند و به امامت تهنیّت گفتند و آنها داشتند که نامه ها و اموالی که با ماست بگو نامه ها از کیست و اموال چقدر است ؟ جعفر از جا پرید و جامه های خود را تکان داد و گفت : از ما علم غیب می خواهید ؟ خادمی از میان خانه بیرون شد و به آنها گفت : نامه هایی که

با شماست از فلان وفلان است و در همیان هزار اشرفی است که ده تایی آنها قلب است آنها نامه ها و اموال را به دست او سپردند و گفتند : آن که تو را به خاطر اینها فرستاده است او امام است [۱] شایان ذکر است که برخی از منابعی تاریخی از « **ابو عیسی متوکّل** » به عنوان کسی که بر پیکر امام حسن عسکری علیه السلام نمازگزار یاد شده است : اما ابتدا در خانه حضرت و با تعداد محدودی از خواص اصحاب بر پیکرشان نماز خوانده شد . و بعد از آن حضرت را برای تشیع جنازه به بیرون از خانه انتقال داده اند و در آنجا فرد دیگری به طور رسمی بر پیکر آن جناب نماز گزارده است [۲]

صفات وخصائل حضرت :

مرحوم شیخ عباسی قمی در کتاب منتهی الامال در توصیف جمال دلارای امام عصر علیه السلام چنین گوید: همانا روایت شده که آن حضرت شبیه ترین مردم است به حضرت رسول اکرم (ص) در خَلق و خُلق و شمایل او شمایل آن حضرت است . و آنچه جمع شده از روایت شمایل آن حضرت است که آن جناب در لطف و رنگ چون گل بابونه و ارغوانی که شبنم بر آن نشسته و شدّت سرخی اش را هوا شکسته و ابیض است که سرخی به او آمیخته و گندمگون است که عارض شود آن را زردی از بیداری شب و پیشانی نازنینش فراخ و سفید وتابان است و ابروانش کمانی و به هم پیوسته ، با بینی باریک و کشیده که در وسطش فی الجمله انحدابی دارد و ....

(۱) الصدق همان ج ۲ ص ۴۷۶-۴۷۵ __ (۲) ر.ک الصدییه محمد — همان ص ۲۹۸

چشمانش نافذ و سیاه مژگان بـر آمـده و محاسـنش سیاه رنـگ و پرپشت و نسبتاً کوتاه و چهـره مبـارکش مثـل مـاه در دل شـب مـی تابـد ، گذشت روی نازنینش کم است و بر روی گونه راستش خالی است که پنداری ستاره ای است درخشان « و علی رأسه فرق بین وفریتن کانه الف بین واوین » میان دندانهایش گشاده است، چشمانش سیاه و سر گردن بدن و میـان دو کتفش عریض است و در شکم وساق مانند جدّش امیرالمؤمنین (ع) اسـت و وارد شده : « اَلمَهْدی طَاُووسْ اَهَلَ اَلجَنّه وَ جِهَهُ کَالقَمَرالَدرّی عَلیـهِ جَلَابِیـت اَلنّور » یعنی حضرت مهدی (ع) طاووس اهل بهشت است چهراش مانند مـاه درخشنده است . بربدن مبارکش جامه هایی است از نور « علیه جبوب النـور تتوقد شعاع ضیاء القدس » بر آن جناب جامه های قدسیّه و خلقهای نورانیـه ربانیه است که متلألأ است به شعاع انوار فیض و فضل احدیّت .

« لیس بالطویل الشامخ ولا بالقیصر اللازق » نه دراز بی اندازه و نـه کوتـاه بر زمین چسبیده . « بل مربوع القاته مدور الهامه » قامتش معتـدل و سـریر مبارکش مدور است « علی خده الایمین خال کانه فتاه مسک علی رضواضـه عنبر » بر روی گونه راستش خالی است که پنداری ریزه مشکی است که بـر زمین عنبر ین ریخته است . « له سمت مارات العیـون اقـصد منـه » هیـأت نیک وخوشی داردکه هیچ چشمی هیاتی بـه آنـان اعتـدال و تناسـب ندیـده است (ص) آبائه الطاهرین .[1]

قمی – شیخ عباسی – منتهی الامال ج۲ ص ۷۶۲

از تولد تا غیبت

مفـــهوم غـــیبت :

نهان زیستی امام الزّمان (عج) هرگـز بـه معنـای وانهـادگی کامـل انـسانها ، تعطیل گشتن احکام و تکالیف و بی رهبر و پیشوا ماندن مسلمانان و شیعیان نیست . امام در غیبت هم ، آثار و جودی فراوان در نظـام تکـوین و تـشریع دارد . امام غایب چونان خورشیدی که در پس پرده ابر مانـده باشـده طبیـق وجود او سبب استقرار در زمین و استمرار در زمین و استمرار حیات زمینیان است . « و اما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالا نتفاع با الشمس از اغیبها عن الا بصار السحاب » [1] چگونه بهره وری از مـن در دوران غیبـت ماننـد بهـره وری از آفتاب است . هنگامی که ابر آن را از چشمها پنهـان سـازد ... اینکـه امام مهدی علیه السلام در طول مدت غیبت خویش از نظر جسمی از انظار مردم به دور بوده و اگر چه آن حضرت در این مدّت مردم را می بیند و از حال آنها باخبر می شود نعمانی در کتاب الغیبه نقل می کنـد بـه ایـن روایـت از امـام جعفر صادق (ع) : یفقه النّاس امامهم ، یشهدا لمراسم فیرا هم ولایروانـه . [2] در زمان غیبت مردم امام خویش را نمی یابند ، بـا اینکـه او در مراسـم حـج حاضر می شود و مردم را می بیند ، اما کسی او را نمی بیند . گـاه در لبـاس تجارو شمایلی که مخصوص تجارت پیشگان است ،وگاه در صورت یک عـرب معمولی که بیابانهـا راه را بـر گمـشدگان مـی نمایانـد و صـورتهای مختلـف دیگری که از مجموع اقوال افراد سعادتمندی که به زیـارت مختلـف دیگـری

---

(۱) الصدق همان ج ۲ ص ۴۷۶-۴۷۵ ـــ (۲) ر.ک الصدیبه محمد — همان ص ۲۹۸

که به زیارت آن حضرت نائل شده اند برمی آید ، و همه حکایتها از این دارد که خودش از نظر ظاهری با انتخاب پوششهای مختلف هویّت واقعی خود را بر دیدار کنندگان مخفی داشته و آنان در نگاه اوّل غالباً موفّق به شناخت آن حضرت نشده اند و تنها پس از مفارقت آن جناب از ایشان بوده که پی به هویّت واقعی شخصی که با او دیدار کرده اند برده اند. [۱]

علـــل غیبـــت :

پس از شناخت مفهوم غیبت به یک بحث مهّم در زمینه غیبت می رسیم و آن بررسی علل و عواملی استکه باعث غیبت آن حضرت گردیده است علل و عوامل مختلف برای غیبت امام عصر بر شمرده و ائمه معصومین در روایات نیز به بعضی از آنها اشاره کرده اند :

الف : یخاف علی نفسه الذبح . [۲] بدین خاطر که او از قربانی شدن خویش هراس دارد. دوّمین موضوعی که به عنوان علل غیبت در روایات بدان اشاره شده است این است که آن حضرت از این رو در غیبت به سر می برند که می خواهند در هنگام ظهور خود برخلاف اجداد خویش بیعت حکام جور را برگردن نداشته باشد، از این رو قائم آل محمّد (عج) در غیبت بسرمی برند که در هنگام ظهور و قیام به شمشیر بیعت و عهد و پیمان کسی را برگردن خویش نداشته باشد . [۳]

---

۱)الطوسی ص ۲۵۸ – ۱۶۴- ۱۵۶ – (۲) الصدق ص ۴۸۲- ۴۸۱- (۳) الصدوق همان ص ۴۸۰

ب : لم یکن احد من آبائی الما وقعت فی عنقه بیعه لطاغیـه زمانـه و انـی اخرج حین اخرج ولابیعه لاحد من الطوغیت فی عنق [1] هـر کـدام از اجـداد من بیعت یکی از سرکشان عصر را برگردن داشتند اما من از زمانی کـه قیـام خویش را آغاز می کنم بیعت هیچ کدام از سلاطین سرکش را بر عهده ندارم.

ج : آزمایش الهی جهت ایمان مردم .

د: بنابر این می توان گفت یکی از علت های اصلی غیبت امام عصر علیـه السلام آمده نبودند اجتماع بشری برای پذیرش وجود پر برکت ایشان و عـدم لیاقت مردم برای بهره گیری از نعمت حضور امام معصوم در میـان خودشـان است و تا این مانع بر طرف نگردد و به تعـداد لازم یـاران و انـصار مخلـص و فداکار برای آن حضرت وجود نداشته باشد ، زمان غیبت به سر نیامده و امام همچنان از دیده ها پنهان خواهد ماند .



امام عصر علیه السلام **، در بیان علّت تأخیرظهور می فرمایید :**

لوان اشیاعنا ، وفقهم الله لطاعته ، علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد غلیهم لما تاخر عنهم الیمن بلقائنا ولتعجلت لهم السعاده بمشاهدتنا علی حق المعرفه و صدقها منهم بنا . [2] اگر چنانکه شیعیان ما ، کـه خداونـد توفیـق طاعتشان دهد ، در راه ایفای پیمانی که بردوش دارنـد همـدل مـی شـدند ، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتد ، و سـعادت دیـدار مـا زودتـر نصیب آنان می گشت . دیداری بر مبنـای شـناختی راسـتین ، و صـداقتی از آنان نسبت به ما .

(۱) الیزدی الحائری ،علی الـزام النالـب ج ۲ص ۴۲۸ – (۲) المجلـسی – بحـار الانـوار ج۵۳ ص ۱۷۷

غیبت صغری :

امام حسن عسکری (ع) در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق . یعنی در زمانی که حضرت مهدی (عج) پنج سال بیشتر نداشتند به دست « معتمد » خلیفه عبّاسی به شهادت رسید و امام عصر (عج) بر پیکر پدر بزرگوار خویش نماز گزار . با شهادت امام حسن عسکری (ع) دوران امامت امام عصر (عج) آغاز شد و بنا به گفته بسیاری از صاحبنظران دوران غیبت کوتاه مدّت آن امام که از آن به تعبیر « **غیبت صغری** » می شود نیز از همین زمان یعنی سال ۲۶۰ ق . آغاز گردید . اما برخی از اهل تحقیق بر آنند که آغاز غیبت صغری را از همان زمان تولّد حضرت یعنی سال ۲۵۵ ق . بوده است . دوران غیبت صغری تا سال ۳۲۹ ق. ادامه داشت که بدین تربیت بنابر دیدگاه اوّل طول دوران ۶۹ سال و بنابر دیدگاه ، طول این دوران ۷۴ سال خواهد بود .

نوّاب خاص امام عصر (عج) :

در طول دوران ۶۹ ساله یا ۷۴ ساله غیبت صغری چهارتن از بزرگان شیعه عهده دار مقام نیابت و با سفارت خاص امام عصر (عج) بودند که اسامی آنها بدین قرار است :

ابو عمر وعثمان بن سعید عَمری.

ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عَمری.

ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی .

ابوالحسن علی بن محمّد سَمَری ؛ با توجه به اهمیّتی که شناخت نواب اربعه در درک وضعیت دوران غیبت صغری دارد . در کتاب سیره معصومان

نوشته عالم گرانقدر شیعه مرحوم سیّد محسن امین به شرح حال نوّاب خاص پرداخته است .

غیبـــت کبـــــری:



از سال ۳۲۹ ق. به بعد دوران دیگری از حیات امام عصر (عج) آغاز می شود . که از آن تعبیر به « غیبت کبری » می کنیم ، ایـن دوران همچنـان ادامـه دارد تا روزی که به خواست خدا ابرهـای غیبـت بـه کنـاری رود و جهـان از خورشید فروزان ولایت بهرمند شود . امّا در مورد وجه تقسیم بنـدی ایـن دو دوران باید گفت که در دوران غیبت صغری حضرت ولی عـصر (عج) از طریـق کسانی که به آنها « نوّاب خاص » اطلاق می شود با مردم در ارتباط بودنـد و از طریق نامه هایی که به « **توقیع** » مشهور است پرسشهای شیعیانرا پاسـخ می گفتند . اما در دوران غیبت کبری این ارتبـاط قطـع شـد و مـردم بـرای پرسشهای دینی خود تنها میتوانند به « نوّاب عام » امام عصر (عج) که همـان فقهای وابسته (مراجع) و جامع شرایط هستند، مراجعه کنند .

کنعانیان اگر گل روی تو بو کنند — کمتر هوای گلشن قدس آرزو کنند
پامال پشت پای تو شد روی آفتاب — آنـان کـه منکرنـد بگـو روبـرو کننـد
چاک درون سینه ی ما به نمی شود — صد بار اگر به رشته مریم رفو کنند
طاعت منکران صحبت قبول نی — صد بار اگر به چشمه زمزم وضو کنند

حکایت زنده شدن دختر سه ساله :

فـردی از اهـل عربـستان سـعودی اسـت در مـسجد مقـدّس جمکـران می گوید : ما اهل تـسنّن بـودیم . اهـل تـسنّن اسـم حـضرت فاطمـه (س) و

زینب (س) را برای بچّه های خوب نمی دانند و عقیده دارند ، هر بچّه ای که به این نام باشد ، بزودی می میرد . اما من همسری داشتم که فاطمه نام داشت و در اوّلین زایمان نیز دختری به دنیا آورد . فامیل من اسم «حفصه» را برای دخترم انتخاب کردند ولی من زیر بار نرفتم و اسم فرزندم را نیز فاطمه گذاشتم ، بعد از سه سال فاطمه مریض شد . دخترم را خدمت قبر پیامبر اکرم (ص) بردم و از ایشان شفا خواستم الحمد الله شفا دادند بعد از بر گشتن از نزد قبر حضرت رسول (ص) دختر خوابید ، خوابش طولانی شد ، هر چه صدایش کردیم بیدار نشد او را دکتر بردیم . دکتر گفت : بچّه مرده است به دکتر دیگری مراجعه کردیم او همان را گفت دختر را با اشک و آه همراه همسرم و سایر فامیل به غسالخانه جهت شستشو بردیم . بعد از چند دقیقه دیدم دختر حرکت کرد و از من آب خواست برایش آب آوردم آب را نوشید و سپس او را بغل کردم دختر گفت : بابا ،خواب بودم در عالم خواب مشاهده کردم مردی پیش من ایستاده و دو رکعت نماز خواند بعد از نماز دست مبارکش را بر سر من مالید و گفت : بلند شو شما زنده می مانید و فعلاً نمی میرید ، من یک نکته می گویم به بابایت بگو شیعه شوید و مذهب سنّی را ترک کنید این مسئله باعث شیعه شدن من شد . سپس برای شکر و قدردانی از آقا امام الزّمان (عج) عازم ایران شدم و به زیارت مسجد مقدس جمکران آمدم [1]

پاورقی : ۱- کرامات امام زمان ص۲۲

حکایت شفا یافتگان :

آیت الله کاشانی فرمود : شخصی بنام نوروزی برای من نقل کرد که پسرم مریض شد وقتی دکتر بردم گفتند سرطان است ، چندین دکتر مراجعه کردم ، همه گفتند در ایشان درمان ندارد ، ناچار پسرم را به انگلستان بردم ، در آنجا هم بعد از چند روز آزمایش و عکسبرداری همین تشخیص را دادند و گفتند : اگر عمل هم بکنید فایده ندارد . بارها به خدا عرض کردم که : خدایا ! این همه ثروت را که عنایت فرموده ای از من بگیر ، فقط این یک پسرم را برای من نگهدار عاقبت پسرم را از بیمارستان انگلستان مرخص کردم ، سوار هواپیما شدیم به طرف تهران ، در حالی که به دستش سرم وصل بود و از شدت درد ضعیف و رنجور شده بود ، یک نفر از هواپیما به من گفت که : این مریض را چرا اینجا آوردی ؟ گفتم : کجا ببرم گفت : مسجد جمکران ، این جور مریضها را باید صاحب الزّمان (عج) شفا دهد من در همان هواپیما نذر کردم با امام الزّمان (عج) راز و نیاز کردم ، عرض کردم : ای پسر فاطمه ! به حقّ فاطمه زهرا (س) به این پسر شفا عنایت فرما . در همین حال بودم که یک مرتبه پسرم از خواب بیدار شد و گفت : بابا به من انار بده ، گفتم : چشم تهران که رسیدیم برای شما انار می گیرم . بار دوّم از خواب بیدار شد و گفت به من بیسکویت بده . معلوم شد که خواب دیده . سید بزرگواری برای ایشان انار آورده و فرموده شما خوب شدید دیگر سرم را بیرون بیاورید . وقتی به تهران رسیدیم سرم را از دست ایشان بیرون آوردم دیدم حالش خیلی خوب است . چند روز در تهران ماندیم به دکترها مراجعه کردم آزمایش و عکسبرداری کرده و گفتند : پسر شما سالم است ، چون قبلاً دیده بودند

گفتند : این فقط یک معجزه بود که خداوند به وسیله صاحب الزّمان (عج) و مسجد مقدّس جمکران ایشان را شفا داده . توضیح اینکه آقای نوروزی هر هفته شب چهارشنبه به مسجد جمکران می آید [۱]

« شفای من مهدی »

بینوایم ، نوای من ، مهدی است
دردمندم ، دوای من ، مهدی است
من غریبم در این زمان ، ولی
مونس و آشنای من ، مهدی است
گرچه از داغ هجر می سوزم
راضیم ، چون شفای من، مهدی است
گه به یادش زخواب برخیزم
نیمه شب دعای من ، مهدی است
من نخواهم بهشت بی مهدی
جنّت با صفای من ، مهدی است
در دم مرگ با ولایت او
آخرین حرف نای من، مهدی است
آن که در روز حشر می بخشد
از عنایت خطای من، مهدی است

---

(۱) تجلیگاه صاحب الزمان (عج) ص ۹۹

سکّه تو زن تا امرا کم زنند　　خطبه تو خوان تا خطبا دم زنند

او که اکنون سنین بالای عمر را می‌گذراند، سکّه ای نازنین دارد که آن را به تمامی دنیا نمی‌دهد، او سکّه ای دارد که با آن بهشت را می‌توان خرید، اما برای آن که شناخته نشود و پس از نقل این تشرف عده ای از خوانندگان محترم همچون شفا یافتگان پنجره پولاد علی بن موسی الرّضا علیه‌السلام برسر او وسکّه ای که به تمام عالم می‌ارزد نریزند، دست ما را هم در معرفی خویش بسته است و لذا این تشرف معتبر و دست اوبل را که جناب حجّت الاسلام و المسلمین آقای "مهدوی نیا"، نماینده پیشین مقام معظم رهبری در سوریه، به زحمت فراوان تهیه و برایمان نقل فرموده اند، به همین شکل در اختیار شما خوانندگان محترم قرار می‌دهیم .

جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای مهدوی نیا تشرف جناب آقای شیرزاد را که این سکّه را از دست مبارک حضرت ولی عصر ارواحنا فداه دریافت کرده‌اند، از زبان خود او چنین نقل می‌فرمایند:

این جانب در سال ۱۳۳۱ هجری شمسی ازدواج کردم، چند سال از ازدواجم گذشته بود اما بچه دار نمی‌شدم، تصمیم گرفتم از پرورشگاه یک بچه بگیرم و بزرگ کنم!

به این ترتیب بود که یک فرزند وارد زندگی ما شد، همه خوشحال بودیم و احساس کمبود فرزند را فراموش کرده بودیم، اما متأسفانه این بچه چهار ساله که شد توی حوض افتاد و خفه شد؛ این حادثه مسیر زندگی مان را عوض کرد، بعد از درگذشت آن طفل معصوم، من حوصله ی هیچ کاری را نداشتم، مرتب گریه می‌کردم، دلم آرام نمی‌گرفت، حالم منقلب بود، تا اینکه



به دلم افتاد نذری کنم شاید جواب بگیرم!

اوائلی بود که مینی بوس فوردی خریده بودم و برادرم رانندگی آن را قبول کرده بود. نذر کردم یک سال **شبهای چهارشنبه، به طور صلواتی**، مردم را به زیارت مسجد مقدس جمکران ببرم و برگردانم و از آقا امام الزّمان خواستم در ازای این کار، به من فرزند عنایت کنند.

دو هفته مانده بود که یک سال تمام شود، وقتی دم پل آهنچی ماشین پر شد و راه افتادیم دیدم سید خوش سیمایی از لابلای درخت ها بیرون آمد و دست تکان داد، وقتی به ما رسید فرمود: جمکران می‌روید؟ گفتم: بله! در را باز کردم و ایشان سوار شدند؛ برادرم پشت فرمان نشسته بود، اینجانب هم کنار حجت الاسلام و المسلمین حاج میر سیّد ابوالقاسم روحانی نشسته بودم ایشان کنار آن آقای روحانی نشستند و فرمودند: همین جا بنشین، جا هست! و با وجود این که آن بزرگوار بین ما نشسته بودند جایمان تنگ نشد، بعد با حاج میر سیّد ابوالقاسم روحانی عربی صحبت کردند که من نفهمیدم چه می‌گفتند؛ در بین راه رو به من کردند و فرمودند: نذر شما قبول است، خدای متعال به شما فرزندان پسر عنایت می‌کند که اسم اجداد بزرگوارم و اسم جدّ غریبم را روی آن ها می‌گذاری و یک دختر هم می‌دهد که اسم مادر بزرگوارم را برایش بگذار.

من فقط گوش می‌کردم، اختیار هیچ کاری را نداشتم، آن وقت ها جاده از کنار کوه خضر می‌گذشت، ما از آن مسیر رفتیم تا به مسجد مقدس جمکران رسیدیم، آقا پیاده شدند و یک سکه به من دادند، من گفتم: آقا نذر کرده ام از کسی پول نگیرم!! **آقا سکّه** را توی جیب کت من گذاشتند و فرمودند: برو

وضو بگیر، تا با هم نماز بخوانیم؛ و عجیب آن که فرمودند: این لباست هم احتیاط دارد با این لباس نماز نخوان که من هم به دستور آقا عمل کردم و با آن لباس نماز نخواندم، وضو گرفتم؛ نماز مغرب و عشاء را با ایشان خواندیم، اعمال مسجد را هم بجا آوردیم تا به صد صلوات رسیدیم، در سجده صدای آقا را می‌شنیدم که صلوات می‌فرستادند، بلند که شدم دیدم ایشان نیستند، اطراف را نگاه کردم، همه جا را جستجو کردیم اما هیچ خبری از ایشان نبود! همراهانم گفتند: برویم، آقا رفته! حاج میر سیّد ابوالقاسم روحانی به من فرمود:« سیّد نورانی، که در بین راه سوار کردی چه کسی بودند شاید ایشان آقا امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه الشریف بودند» ایشان اسراری را در بین راه به من فرمودند که هیچ کس غیر از امام زمان خبر نداشت، همان جا گریه ام گرفت، حالم متغیر شد، همه ی آن چند نفر مرا می‌بوسیدند و می‌گفتند: خوش بحالت! آقای روحانی گفت: «من این سکّه را چهل تومان می‌خرم! ، گفتم: اگر **چهل میلیون تومان** هم بخری، نمی‌دهم! آن روز آمدیم منزل و مشغول زندگی خودمان شدیم، از آن روز به بعد مرتب گریه می‌کردم و می‌گفتم: »چرا من لیاقت نداشتم با آقا حرف بزنم . مدتی از این ماجرا گذشت که یک روز دیدم خانواده شروع به گریه کرد گفتم چرا گریه می‌کنی! همسرم گفت: مثل این که من صاحب فرزندی شده ام، گفتم: می‌دانم، اسمش هم محمّد رضاست و فرزندان پسر بنام های "علی رضا"، "حمید رضا"، ویک دختر هم به نام "فاطمه"، از دولتی سر امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه الشریف به دنیا آمدند که خیلی از آن ها راضی هستم.



جناب مستطاب آقای شیرزاد در حال بیان تشرف خود برای حضرت حجه الاسلام والمسلمین مهدوی نیا دام عزّه

ما به هر کس بخواهیم سکّه می‌دهیم حضرت حجت الاسلام والمسلمین "مهدوی نیا" پس از نقل این تشرف، تشرف دیگری را در تأیید قضیه فوق برایمان نقل فرمودند که از اهمیّت بسزایی بر خوردار است، ایشان فرمودند:

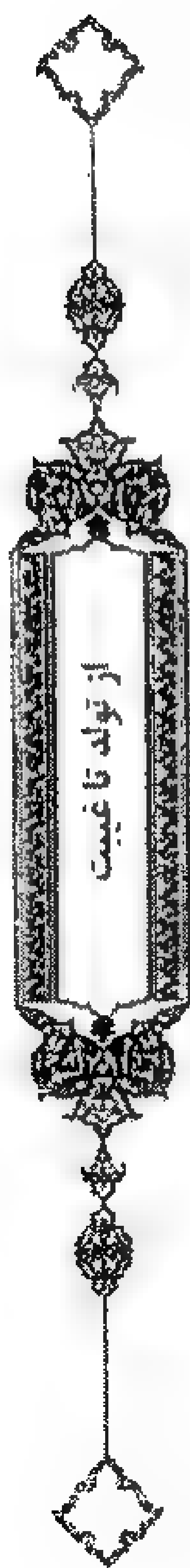
اینجانب بیش از بیست سال بود که از قضیه این سکّه که ملاحظه فرمودید با خبر بودم، برادر عزیزم با اصراری که به ایشان داشتم این تشرف را برایمان نقل کردند، اما در تأیید این قضیه، ماجرای دیگری هست که این تشرف را تأیید می‌کند و آن ماجرا این است:

سال ۱۳۶۳ هجری شمسی، ایام اربعین سید الشهداء علیه‌السلام ، در حسینیه ای واقع در انتهای خیابان باجک قم، مجلس روضه ای داشتیم که یکی از اولیاء خدا در آن جا حضور داشت. شب اربعین بود که این سکّه را خدمت آن ولی خدا دادم و عرض کردم: ظاهراً این سکه را حضرت ولی عصر به یک نفر در مسجد مقدس جمکران داده اند، ایشان وقتی سکّه را دید خیلی گریه کرد و حالش منقلب شد؛ خود ایشان تشرفات زیادی داشته اند که این جانب

یکی از تشرفاتشان را در سفر حج در شماره یازدهم همین مجله نقل کرده ام و خود ایشان کسی است که در یک تشرف، در مقام حضرت ابـراهیم (ع) ، در مکه معظمه از دست مبارک حضرت ولی عصر پول گرفته انـد؛ بـه هـر حـال ایشان سکه را بردند، شب بعد که به حسینیه آمدند خیلی گریه مـی کردنـد، من ایشان را می‌شناختم، حالتی داشتند که وقتی خدمت حضرت ولی عـصر مشرف می‌شدند به شدت گریه می‌کردند، وقتـی ایـن حالـت شان را دیـدم فهمیدم که برای ایشان قضیه ای پیش آمده، مجلس که تمام شد مـن و آقـا زاده شان و یکی از روحانیون دیگر را صدا زدند و به اتاق دیگری رفتـیم، بـه من فرمودند: جناب آقای مهدوی نیـا مـن شـک نـدارم کـه **ایـن سـکّه را حضرت ولی عصر عجل اللّه تعالی فرجه الشریف بـه ایـشان (آقـای شیرزاد) عنایت کرده اند .**

گفتم: چطور؟فرمودند: من دیشب این سکه را که گرفتم، خیلی منقلب بـودم به مسجد مقدس جمکران مشرف شدم و تا صبح آن جا ماندم، صـبح آن روز اربعین بود و من برای عزاداری حضرت سیّد الشهداء علیه‌السلام بـه خیابـان هـا آمدم،چند سؤال پیچیده در ذهنم بود، یکی ماجرای همین سکه بود که آیا از دست حضرت ولی عصر (عجل اللّـه تعـالی فرجـه الـشریف) گرفتـه انـد، یـا خیر؟آیا حضرت به عزاداران جدّشان توجه می‌کننـد؟دیگر ایـن کـه آیـا ایـن مردمی که عزاداری می‌کنند و بـه حـرم حـضرت معـصومه سـلام الله علیهـا می‌روند، با آن گناهانی که انجام داده اند، مورد توجه حضرت ولی عصر قـرار می‌گیرند یا خیر؟رسیدم نزدیک شیخان قم، روبروی خیابـان چهـارمردان، در آن همهمه و شلوغی عزاداران، سیّد بزرگواری مرا به اسم صدا زدند؛ برگـشتم





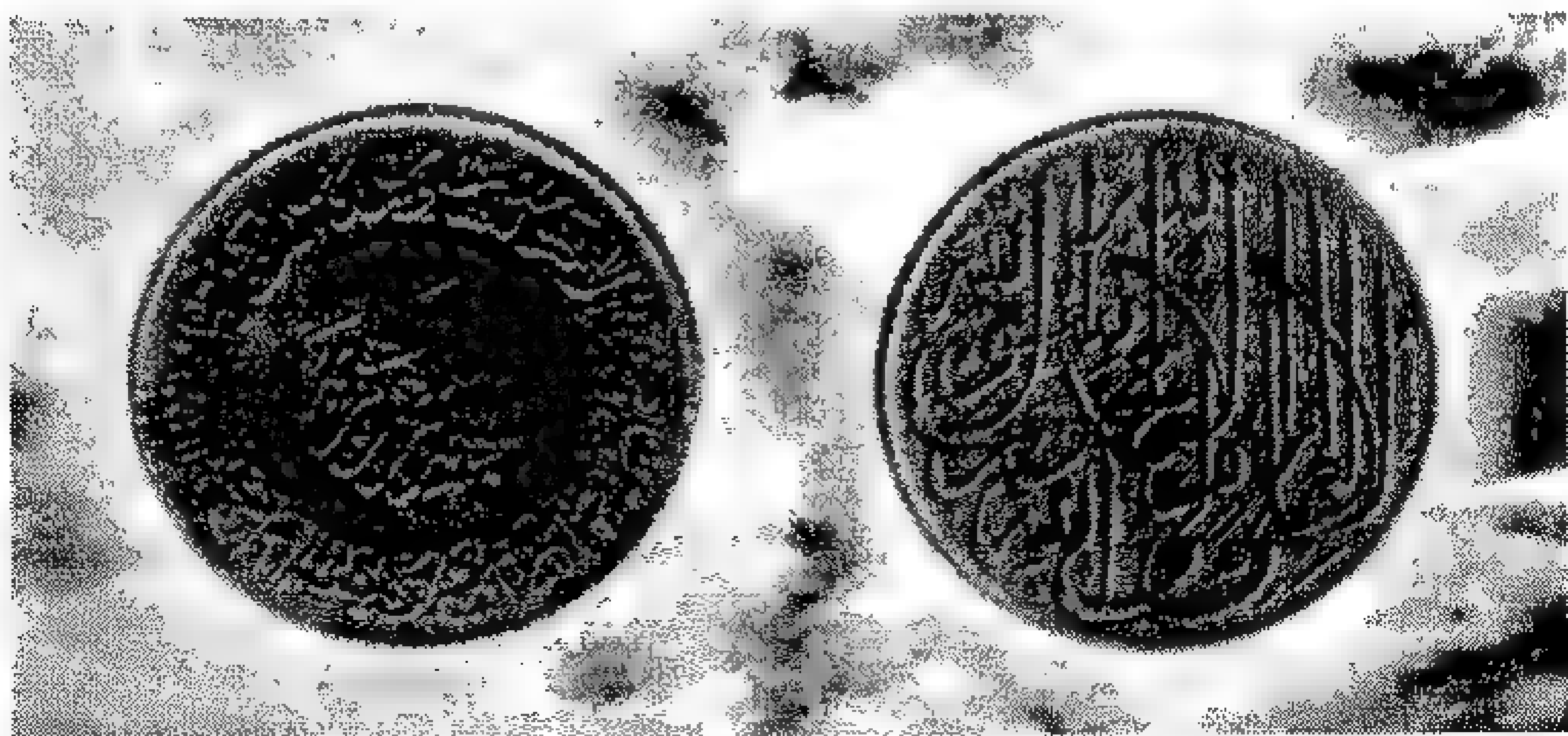
وسلام کردم! جواب سلام عنایت نموده و فرمودند: فلانی! این مردمی که بیرون آمده اند و لباس مشکی پوشیده اند، برای چه این طور عزاداری می‌کنند؟! چرا به حرم عمّه ام حضرت معصومه سلام الله علیها مشرف می‌شوند؟! آن چنان رعشه بر اندامم افتاد که نتوانستم حرف بزنم، بعد خودشان فرمودند: مگر نه این است که امروز اربعین جد غریبم، آقا ابا عبد الله الحسین علیه‌السلام است؟! این مردم به خاطر اربعین جد غریب من بیرون آمده و لباس مشکی پوشیده اند و این طور به سر و سینه می‌زنند، شما خیال می‌کنید ما به این ها توجه نداریم؟! به این ها عنایت نمی‌کنیم؟! بدنم به شدت می‌لرزید، مات و مبهوت مانده بودم، توان هیچ واکنشی را نداشتم، تمام قوای خود را جمع کردم و عرض کردم: آقا! من نگفتم شما عنایت ندارید آقا فرمودند: یقین داشته باش ما به همه ی این ها توجه داریم! بعد فرمودند: همراه خود پول داری؟ من دست کردم توی جیبم و چند تا یک تومانی، دو تومانی جمهوری اسلامی پیشم بود در آوردم، بعد عرض کردم: آقا اسکناس هم دارم. فرمودند: نه، همین ها خوب است! قدری پول ها را دستشان گرفتند و به من برگرداندند، عرض کردم: آقا! این پول ها خدمت خودتان باشد فرمودند: نه! این سکّه ها را بگیر، تا یقین کنی که ما هر کجا و **به هر کس بخواهیم می‌توانیم سکّه بدهیم** و این مطلبی بودکه از ذهنم گذشته بود و با خود می‌گفتم آیا این سکه از دست مبارک آن حضرت گرفته شده یا خیر؟! و پاسخم را با این جمله گرفتم.

بعد فرمودند: **این سکّه ها را که می‌بینی به واسطه ی من تغییر کرده** من در آن لحظه متوجه شدم که منظور حضرت از این جمله این است که

تغییر نظام سابق به نظام جمهوری اسلامی ایران با عنایت ایشان صورت پذیرفته است و چند مطلب حساسی که داشتم یکی پس از دیگری بدون این که من اصلاً حرفی بزنم پاسخ فرمودند و ناگاه متوجه شدم که دیگر آقا را نمی‌بینم و خیلی گریه کردم.حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای مهدوی نیا ادامه داد: آن ولی خدا پس از نقل این قضیه فرمود: من از این موضوع چند چیز را متوجه شدم: یکی این که نظام این کشور به دست با کفایت آقا امام زمان علیه‌السلام تغییر پیدا کرده.دیگر این که هر چند ما گناهکاریم امّا شرکت در عزاداری ابا عبد الله الحسین باعث عنایت و لطف حضرت ولی عصر خواهد شد.و سوّم این که آن سکّه از دست خود حضرت ولی عصر دریافت شده است.من امیدوارم که خوانندگان عزیز این نکته را توجه داشته باشند که یک طرف سکه "**لا اله الا الله**"، "**محمّد رسول الله**" و "**علی ولی الله علیه‌السلام** " حک شده که این سکه برای همه عزیزانی که پیرو مکتب اهل بیت عصمت و طهارت هستند بشارت عظیمی است که یقین داشته باشند تنها مذهب حق الهی، همین مذهب تشیع است و امیدوارم پیروان مکاتب مختلف بعنوان یک بازنگری در افکار خود این قضایایی که اتفاق افتاده و مرتب اتفاق می‌افتد را با دید وسیعتری بنگرند و این قضایا بتواند این عزیزان را به خویشتن خویش رهنمون کند و این سکه در ایّام ولادت با سعادت منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه راهگشای هدایت آنان گردد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.و این هم عنایتی دیگر پس از نقل تشرف فوق از زبان حضرت حجت الاسلام و المسلمین مهدوی نیا -دامت برکاته- که بنا به فرموده ایشان معدود افرادی



از این قضیه با خبر شده اند، ایشان قضیه ای دیگر در تأیید جریان سکه نقل فرمودند که به جهت آن که این قضیه عنایتی خصوصی به ایشان بود آن را در مصاحبه بیان نفرمودند امّا با درخواستی که ما از ایشان کردیم ایشان به طور اجمال فرمودند:**سال ها بود که ما هم از داشتن فرزند محروم بودیم،** یک روز به نظرم رسید که از این سکّه که به دست مبارک حضرت ولی عصر تبرک شده استفاده کنم و حاجت خود را از خداوند متعال مسألت نمایم؛ لذا سکه را که با اصرار فراوان و به سختی و برای مدت بسیار کوتاهی از صاحب قضیه امانت گرفته بودم در آب انداخته و کمی هم تربت متبرک حضرت سید الشهداء علیه‌السلام به آن اضافه کرده و آن آب متبرک را خودم و خانواده استفاده کردیم و عجیب آن که خداوند متعال به برکت این سکه به ما فرزندی به نام سیّد محمّد حسن عنایت نمود که هم اکنون افتخار نوکری امام عصر علیه‌السلام را دارد و بحمد الله این جانب از ایشان راضی هستم.



شرایط دیدار حضرت مهدی (عج) از نظر بزرگان :

شرط تشرف ، تقوی و طهارت روح است ، همان طور که قرآن مبین را « **لا لَمَسُّهُ اِلّما الُمطَهَّرون** » ، « جز پاکان نمی توانند به آن دست زنند (دست یابند) »[۱] امام مبین را هم جز پاکان نمی توانند با او تماس برقرار کنند .

جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی ـ غبار دل بنشان تا نظر توانی کرد

بسیاری از بزرگان ، نظیر حضرت آیت الله امام خمینی (ره) ، شیخ محمّد کوفی ، آیت اله ،کوهستانی آیت اله بهجت ، کشمیری ، میر جهانی و ... سؤال شده : راه دیدار ، حضرت مهدی (عج) چیست ؟ فرموده اند : متقی باشید : نماز اوّل وقت بخوانید ! گناه نکنید ! در مجلس گناه شرکت نکنید ! کاری نکنید که امام زمان را افراد ناراحت سازند ! پاکیزگی نفس داشته باشید ! محبت به امام و اهل بیت عصمت و طهارت را در دلتان بیشتر کنید ! از شیخ محمّد تقی بهلول – اعجوبه قرن – پرسیده شد : چه موقع می شود خدمت حضرت رسید ؟ در جواب فرمود : « هر وقت با تقوی باشید ؛ و در جلسه دیگری فرمود دیدار امام زمان (عج) آن قدر مهم نیست که توجه به ما مهم است ؛ مهم این است که حضرت ما را ببینند ، خیلی ها علی (ع) ، را دیدند ، ولی حضرت آنها را ندید و نتیجه اش معلوم شد » [۲]

۱- سوره واقعه آیه ۷۹
۲- پادشه خوبان ص ۱۲۳

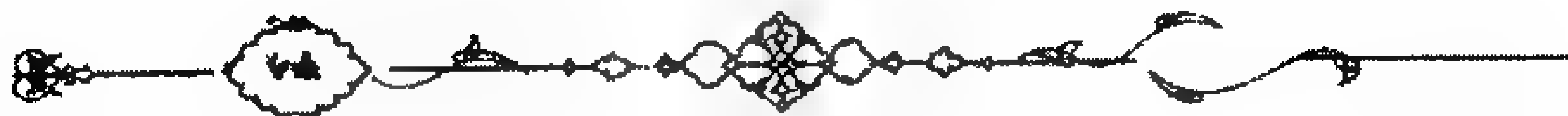
حضرت مهدی (عج) در چه مکانهایی بیشتر حضور دارند ؟

آنچه از روایات بدست می آید این است که امام در شهر و یا در مکان خاصی سکونت ندارند ، بلکه به اماکن مختلف مسافرت می کنند ؛ در هر دوره ای در محلی زندگی می کنند به نحوی که شناخته نشوند . در نامه ی حضرت مهدی (عج) به محمّدبن ابراهیم بن مهزیار آمده : « ای فرزند مهزیار ! پدرم ـ ابامحمّد ـ با من پیمان بسته که با مردمی که مورد غضب خدا قرار گرفته اند همسایه نشوم و به من دستور داد جز در دامنه های پرنشیب کوه ها و خرابه های شهرها در جایی سکونت نگزینم ، پس من در حال تقیّه ام تا روزی که به من فرمان خروج داده شود ؛ آنگاه قیام می کنم . »[1] اما در عین حال حضرت در بعضی از اماکن بیشتر حضور دارند که عبارت است از :

۱- **حضور همه ساله در مراسم حج** ، امام رضا (ع) فرمودند : « انه لیحضر الموسم فیقضی جمیع المناسک » یعنی : حضرت مهدی (عج) در موسم حج حاضر می شود و همه اعمال را انجام می دهد و در عرفه نیز وقوف می کند و دعای مؤمنان را آمین می گوید .[2]

۲- **حضور در کربلا** : بخشی از ملاقات هایی که با حضرت صورت گرفته در کربلا تحقق یافته است از جمله قضیه ای درباره ابن سوره ـ معروف به محمّد بن حسن بن عبدالله تمیمی ـ نقل شده است که امام مهدی (عج) در سفر کربلا به کوفه ، با وی رفیق می شود و حواله ای به او می دهد ....

۱- غیبت ص ۱۸۳ ۲- بحارالانوار ج۵۳ص۱۵۲



که مقدار مالی را که پیش علی بن یحیی رازی موجود است را بگیرد و بصورت رمزی نشانه های خود را به وی می دهد . [۱] همچنین حکایت شیخ مرتضی انصاری و آیت الله شیخ اسماعیل نمازی و دهها نفر دیگر که از حرم امام حسین (ع) تشرف یافته اند مؤید این مطلب است . [۲]

۳- حضور در نجف ، مسجد کوفه و سهله : در کنار تربت امیرالمؤمنین و مسجد سهله و کوفه نیز ملاقات هایی به وقوع پیوسته است . در کتاب هایی که به شرح تشرفات و دیدارها پرداخته از مسجد سهله و کوفه زیاد نام برده شده ؛ ملاقات مقدس اردبیلی ، علامه بحرالعلوم ، آیت الله نجفی و شیخ محمد تقی آملی و بسیاری دیگر در مسجد کوفه و سهله صورت گرفته که معمولا پس از چهل شب چهار شنبه یا پیش از آن موفق به دیدار جانان و قبله مقصود خود شده اند .

۴- مدینه النبی علیه السلام : مدینه طیبه یکی دیگر از جاهایی است حضرت مهدی (ع) تعدادی از دیدارهایش در آنجا صورت گرفته است . همچنین جمله ای که در دعای ندبه آمده به این مطلب اشاره دارد ؛ آن جا که می فرماید : « لیت شعری این استقرّت بک النوی بل ایّ أرض تقلّک او ثری أبرضوی او غیرها أم ذی طوی » . بدین معنی که : (ای کاش می دانستم در کجا دل ها به دیدار تو آرامش می یابد و در کدام سرزمین اقامت داری ؛ در سرزمین رضوی یا غیر آن یا در ذی طوی .) [۳]



- غیبت ص ۱۸۱ ت ۱۶۳ ۲- توجهات ولی عصر به علما ومراجع ص ۱۵۵_۱۴۶

۳- مفاتیح الجنان ـ دعای ندبه

ذی طوی نام کوهی است در یک فرسنگی مکه که عبادتگاه پیامبر اکرم (ص) بوده است ولی اکنون جز شهر مکه قرار گرفته است و رضوی نام کوهی در اطراف مدینه منوره است .



۵- مسجد مقدس جمکران ـ قم : یکی از مکانهایی که به دستور حضرت مهدی (عج) بنا شد و حدود هزار سال است که مورد توجه عشاق قرار گرفته ، مسجد صاحب الزّمان است که کنار روستای جمکران در قم واقع شده است و از نظر اهمیّت پس از مسجد سهله قرار دارد . در مورد بنای این مسجد حضرت فرمودند : که مردم نسبت به آن اشتیاق نشان دهند . و این توصیه چنان قداستی به مسجد بخشیده که آن را به میعادگاه عاشقان و شیفتگان مهدی عج الله تعای فرجه در هر شب چهارشنبه و جمعه نموده است ، انجام دو رکعت نماز تهیت و دو رکعت نماز امام زمان موجب صفای روح و دست یابی به حوائج است . این مسجد مقدس همواره مورد توجه بزرگان حوزه علمیه بوده و هست ؛ بزرگانی چون آیات عظام سیّد محمّدتقی خوانساری ، آیت الله برجرودی ، حجت ، گلپایگانی و ...

۶- مشهد مقدّس : حضرت برای زیارت جدّ بزرگوارش ـ علی بن موسی الرضا ثامن الائمه به مشهد می روند و در آن جا حضور می یابند . بعضی از تشرفات هم آنجا صورت گرفته است .

۷- سرداب غیبت در سامرّاء : آن جا منزل مسکونی جدّ بزرگوار و پدر گرامی حضرت بوده و غیبت هم از آنجا آغاز شده ؛ حضرت برای زیارت پدر و مادر معظم خود به آن جا تشریف می برند و برخی از دستگیری ها نیز در آن جا صورت پذیرفته است .



فصل سوّم : علائم ظهور

پیشگویی های شاه نعمت الله ولی :[۱]

قدرت کردگار می بینم
حالت روزگار می بینم

از نجوم، این سخن نمیگویم
بلکه از کردگار می بینم

روز شنبه ز شهر ذوالقعده
تن او بر مزار می بینم [۲]

شه چو بیرون رود ز جایگهش
شه دیگر بکار می بینم [۳]

چو فریدون به تخت بنشیند
پسرانش قطار می بینم

۱- شهید مطهری می فرماید : شاه نعمت الله ولی از معاریف و مشاهیر عرفا است و این مرد نسب به حضرت علی (ع) می برد . که قبرش در ماهان کرمان است و گویند که ۹۵ سال عمر کرد و در سال ۸۲۰ یا ۸۲۷ یا ۸۳۴ در گذشت . اکثر عمرش در قرن هشتم گذشته و با حافظ شیرازی ملاقات داشته است . اشعار زیادی از عرفان از او باقی مانده است . مجموعه آثار شهید مطهری ص ۵۷۷ ـ از جمله مرحوم دشتی (ره) شارح نهج البلاغه می فرماید : سید نورالدین شاه نعمت الله ولی ماهانی کرمانی از بزرگان علمای شیعه است که در روز پنجشنبه ۲۲ رجب سال ۷۳۰هـ.ق در قصبه کوه بنان کرمان تولد یافته و در سال ۸۲۷ در سن ۹۷ سالگی وفات نموده و مزارش در قصبه ماهان کرمان است .

۲- احمد شاه

۳- رضا شاه که با فشار انگلیس به قدرت رسید .



علمای زمان او دائم / همه را تار و مار می بینم
هشت فصل حجاب در عهدش / فصل را بی تبار می بینم [۱]
چون دو ده سال پادشاهی کرد [۲] / شهیش را کنار می بینم
پسرش چون به تخت بنشیند [۳] / بوالعجب روزگار می بینم
غارت و قتل مردم ایران / دست خارج به کار می بینم
اعتصاب و حساب در عهدش / سخت بی اختیار می بینم
ظلمت و ظلم ظالمان دیار / بی حد و بی شمار می بینم
جنگ و آشوب و فتنه بسیار / در کمین بی شمار می بینم
بر سر هر کوی و برزن / نام او زشت و خوار می بینم [۴]
کم ز چل چونکه پادشاهی کرد [۵] / سلطه اش تارومار می بینم
سیّدی از نسل آل رسول [۶] / نام او برقرار می بینم [۷]
نائب مهدی (عج) آشکار شد / قامتش استوار می بینم

۱- اشاره به برداشتن عمامه ها و قتل عام تمام علما به بهانه کشف حجاب و روز ۱۷ دی روز کشف حجاب . ۲- رضا شاه حدود ۲۰ سال حکومت کرد . ۳- حکومت محمد رضا شاه که با تلاش انگلیس سامان گرفت ۴- همه جای ایران فریاد می زدند مرگ بر شاه ۵- چل یعنی چهل سال ، حدود سی سال حکومت ظالمانه کرد . ۶- اشاره به حدیث « رجل فی القم » مردی از قم قیام می کند . امام خمینی (ره) ۷ – او برقرار به علم ابجد ۷۱۰ و خمینی به علم ابجد ۷۱۰ می گردد.



پیشوای تمام دانایی رهبری باوقار می بینم
رهنما و امام [1] هفت اقلیم حالت روزگار می بینم
عدل وداد که می شود پیدا دولتش پایدار می بینم
هرکجا رو نهد به فضل اله دشمنش خکسار می بینم
بعد زا این شاهی از میان برود عالمی چون نگار می بینم
غم مخور زآنکه من در تشویش خرّمی وصل یار می بینم [2]
بعد از او خود امام خواهد آمد که جهان را مدار می بینم
دولت مهدی (عج) آشکار شود بلکه من آشکار می بینم

معنی کلمه ی آخر الزّمان :

معنی کلمه ی آخرالزّمان از امور نسبی به شمار می رود ، به این معنا : زمان فعلی را که مدت یکهزار و چهارصد و اندی سال از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می گذرد نیست ، به آن زمانی که آن حضرت مبعوث به رسالت و پیغمبری شده می توان گفت ؛ آخرالزّمان است و مدت پانصد یا هزار سال آینده را نسبت به زمان فعلی ما می توان گفت آخرالزّمان است و... پس بنابراین آخرالزّمان یک زمان محدود و معلوم نیست تا بتوان گفت فلان زمان آخرالزّمان است . همانطور که نمی توان زمان و موقع ظهور حضرت مهدی (عج) را تعیین نمود همانطور هم نمی توان آخرالزمان را محدود و معلوم کرد . آری از یک طریق تا اندازه ای می توان معنی کلمه ی آخرالزّمان

- شگفت این است ۷۰۰ سال قبل تذکر داده که او امام و رهبر خوانده شود . ۲- گرگ با میش و شیر با آهو را در چرا کنار می بینم .

را دریافت و آن این است : وقتی که کلیّـه ی آن موضـوعاتی کـه پیـامبر اسلام و آل اطهر آن حضرت خبر داده اند عملی شـوند . چنانکـه قـسمتی از آنها عملی شده آن زمان را می توان آخـر الزّمـان گفـت و در انتظـار مهـدی موعود (عج) بود .

(۸۱ نشانه ی از علائم ظهور) :

علائم ظهور ، روایات وارده گوناگون و متنوع است و بـا زبانهـای مختلـف سخن گفته شده ، زیرا بعضی از این روایات جو اجتماعی و بویژه وضع جوامع اسلامی را پیش از ظهور تشریح می کند و برخی دیگر حوادثی را که نزدیک به ظهور واقع می شوند را شرح می دهد . بعضی هم از بروز حـوادث پـس از ظهور اشاره دارند اینک به برخی از آن روایات اشاره می کنیم.

×علائم ظهور از پیامبر اعظم محمّد مصطفی (ص) :

حذیفه می گوید دیدم رسول خدا (ص) پرده کعبه را گرفته و گریه می کند . عرض کردم یا رسول الله ! چه چیزی شما را به گریه آورده است ؟ خداونـد چشمان تورا نگریاند . فرمودند : ای حذیفه ! دنیا از بین رفته و یا اینکه تو در این دنیا نبودی ،عرض کردم پدر و مادرم به قربانت باد ! آیا علائمی هست که دال بر وقوع چنین وضعی دردنیا باشد ؟ فرمودند : آری ای حذیفه ! مطـالبی که می گویم به قلبت بسپار با چشمت ببین و با انگشتانت شماره کن . [1]

۱- نواب الدهور — ج۱ص۲۹۰ح۲۰۶

علائم ظهور

آنگاه حضرت علائم آخر الزّمان را بیان می کند که برخی از آنها بـه شـرح زیر است :



۱- اِذا ضَیَّعَتْ اُمَتّی الَصّلوهَ « وقتی که امت من نماز را ضایع کنند .»

۲- وَ اتَّبَعَـتِ الـشَّهواتِ « و از شـهوت پیـروی کننـد (از هواهـا و خواهشهای نفسانی و شهوات تبعیت و پیروی کنند) »

۳- وَ کَثُرَ الْخیاناتُ .« و خیانت در میان مردم زیـاد شـود (خیانـت بـه انواع و اقسام مختلف در میان همه طبقات زیاد می شود) »

۴- وَ قَلَّتِ الامانات .« و امانت و امانت داری کم میـشود (و بـه آن بـی اعتنا باشند و افراد امین کم شوند) »

۵- وَتَشْرَبُوا الْقَهَواتِ . و مشروبات الکلی بنوشند (شرب خمر کنند) .

۶- وَخیفتِ الطُّرُقُ . « و امنیت از راههای هوایی و زمین برداشته شود .

۷- وَ تَشاتَم النّاس .« و مردم همدیگر را سب و لعن کنند . »

۸- وَ فَسَدُوا .

خانواده ها در دامن فساد سقوط کنند . (مانند بی حجابی ، آوازه خوانی ، رقاصی ، قمار و ...)

۹- وَ فَجَرَتِ الْباعَه وَ رُفِـصَتِ الْقَنَاعَـه . « مـردم در زنـدگی گرفتـار تجملات و مُد پرستی شوند و سرانجام قناعت و میانه روی متروک گردد. »

۱۰- وَ ساءَتِ الظُّنُونُ .« افراد جامعه نسبت به یکدیگر بـدبین شـوند (و سوءظن و عدم اعتماد بر جامعه سایه افکند .) »

۱۱- وَ کَثُـرَتِ الاشْـجارُ وَ قَلِّـت الثِّمـارُ .« درختکـاری زیـاد شـود و محصولات اندک گردد. »

۱۲- وَ غَلَتِ الاسْعارُ . قیمتها بالا رود . (نرخ اجنـاس مـورد لـزوم بطـور سرسام آور بالا برود تا جایی که زندگی را تبدیل به جهنم سوزان کند) .

۱۳- وَ ظَهَرَ اللِّواطُ . « عمل شنیع علنی شود. »

۱۴- وَ استَحْسَنُوا الخُلْفَ . « عمل خلاف ، پسندیده شود . »

۱۵- وَ تَفاکَهُوا بَیْنَهُمْ بِشَتیمه الاباءِ وَ الامَّهاتِ . « ناسزا و فحش دادن به پدران و مادران سرگرمی و مزاح قرار دهند . »

۱۶- وَ اَکَلُوا الرِّبا .« آشکارا ربا بخورنـد و کـوچکترین ترسـی از خداونـد نداشته باشند . »

۱۷- وَ فَشَا الزِّنا .« زنا و بی عصمتی در میان مردم رواج پیدا کند . »

۱۸- وَ استَعْمَلوا السُّفَهاءَ . « افراد نادان و سفیه زمام امور را به دست گیرند . »



۱۹- وَ ذَکّی کُلُّ امْرِءٍ نَفْسَهُ وَ عَمَلَهُ . « افراد از اخلاق و کار خویش تعریف کنند . »

۲۰- وَ زُخْرِفَتْ جُدْرانُ الدّورِ وَ رُفِعَ بَناءُ القُصُورِ . مردم خانه های خود را بیارایند و دیوارهای آن را زینت دهند و قصرها و خانه های بلند ساخته شود . (مانند ساختمانهای چند طبقه ای که آسایش و امنیت را از همسایه ها سلب می کند بعضاً)

۲۱- وَ صارَ الْباطِلُ حَقّاً . باطل را به لباس حق جلوه دهند .

۲۲- وَ الْکِذْبُ صِدْقاً . زشتی و دروغ از بین برود بحدی که لباس راستی بر آن بپوشانند .

۲۳- وَ الصَّمْتُ بَلاهَه . خاموشی و سکوت را بی خردی بدانند .

۲۴- وَ غَلَبَ الْمُنْکَرُ المَعْروفَ . کارهای ناپسند بر اعمال خوب غلبه پیدا کند . (مردم طرفدار کارهای بد شوند .)

۲۵- وَ ذَهَبَ التَّواصُلُ . محبت و صله ی رحم از دل های مردم برداشته شود .

۲۶- وَ استَحْسَنوا الباطلاتِ . و مردم کارهای باطل و ناچیز را نیکو می شمارند .

۲۷- وَ لَبِسُوا الْحُبُورَ . جامه های نرم و زیبا و نازک بپوشند و بدن آنها از روی لباس پیدا باشد .



۲۸- وَ آثَروا الدُّ نیا علی الاخِرَه . رغبت به دنیا پیـدا کننـد و آن را بـر آخرت مقدّم بدارند .

۲۹- وَ ذَهَبَتِ الرَّحْمَه مِنَ القُلوبِ . رحم از دلهای همه ی مردم برود.

۳۰- وَ عَمَّ الْفَسادُ . فساد جنبه ی عمومی پیدا کند .

۳۱- واتَّخَذُوا کِتابَ اللهِ لَعِباً . قرآن را بـه بـازی بگیرنـد و بازیچـه قـرار دهند .

۳۲- وَ مالَ اللهِ دُوَلاً . اموال بیت المال (وجوه شرعیه) را مال شخـصی بدانند . (یا حقوق شرعیه مال خود را ندهند)

۳۳- واسْتُحِلَ الخَمْر بِالنَّبیذِ . مسکرات را با تغییر نام حلال بدانند .

۳۴- وَ الرِّبا بِالبَیْع . ربا را به نام خرید و فروش بگیرند .

۳۵- وَ صارَتِ الْمُباهاتُ فی الْمَعْصِیه . به نافرمانی از خداونـد مباهـات کنند .

۳۶- وَ الْکِبْرُ فِی الْقُلوبِ . دل های مردم پر از تکبر و نخوت شود .

۳۷- فَعِنْدَ ذلِکَ لا یَسْلَمُ لِذی دینٍ دینُهُ اَلّا مَنْ فَرَّ بِدینِه مِنْ شاهِقٍ اِلی شاهِقٍ وَ مِنْ وادٍ اِلی وادٍ . در چنین وضعی دینـدار بایـد دیـن خـود را بردارد و از این طرف به آن طرف و از این قله کوه به آن قلّه ی و از ایـن درّه به درّه ی دیگر برود تا سلامت دین داشته باشد .

۳۸- وَ ذَهَبَ الاِسْلامُ حَتّی لا یَبْقی اِلّا اِسْمُهُ . از اسلام باقی نماند جـز اسمی [۱] .

۱- نواب الذهور ـ ج۳ص۷۸ـ ح۶۵

۳۹- وَ انْدَرَسَ الْقُرآنُ مِنَ الْقُلُوبِ حَتّی لا یَبْقی الّا رَسْمُهُ . و از قرآن باقی نماند جز رسمی . (قرآن در دلها کهنه شود .) (۲)

۴۰- فَعِنْدَ ذلِکَ تَکُونُ مَساجِدُهُم عامِرَه وَ قُلُوبُهمْ خالِیَه مِنْ الْایمانِ در این هنگام مساجدشان آباد باشد اما دلهایشان از تقوی و ایمان تهی و خالی . (مساجد به لحاظ ساختمان مزین و مجلل می سازند در صورتیکه از محتوای آن یعنی تقوی خبری نیست .

۴۱- قَدْ حَبَبَّ اِلَیْهِمُ الدّینارِ وَ الدِّرْهَم . تنها محبوب مردم دنیا دینار و درهم باشد . (ثروت دنیا از هر راهی که بیاید حلال یا حرام مانعی ندارد)

۴۲- قَطَعْتُم زَکاتَکُمْ وَ الزَّکاه مَغْرَماً . زکات دادن متروک شود و زکات دادن را زیان و ضرری تلقی کنند .

۴۳- وَ الْکِذْبَ حَدِیثَکُمْ . و سخن معمول و همگانی دروغ باشد .

۴۴- وَ الْغَیْبَه فاکِهَتَکُم . میوه و نُقل مجالسشان غیبت .

۴۵- وَ الْحَرامَ غَنیمَتَکُمْ . و آنچه بدست می آورند حرام باشد .

۴۶- وَ لا یَرْحَمُ کبیرُکُمْ صَغیرُکُمْ . در آن زمان بزرگان بر کوچکان رحم نمی کنند .

۴۷- وَ اطاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ . مرد از همسر خود اطاعت کند .

۴۸- وَ جَفا جارَهُ . درباره ی همسایه جفا کنند .

۴۹- وَ قَطَعَ رَحِمَهُ . با ارحام قطع ارتباط کنند .

۵۰- وَ قَلَّ حَیاءُ الْاصاغِرِ . حیای کوچکان کم گردد .

۵۱- وَ شَیَّدَ وَ الْبُنْیان . ساختمانها را محکم بنا کنند .



۵۲- **وَ شَهِدوا بِالْهَوی** . و شهادتشان از روی هوی و هوس باشند .

۵۳- **وَ یَسُبُّ الرَّجُلُ اَباهُ** . مرد پدرش را لعنت کند .

۵۴- **وَ یَحْسُدُ الرَّجُلُ اَخاهُ** . برادر نسبت به برادر حسد ورزد .

۵۵- **وَ یُعامِلُ الشُّرَکاءُ بِالْخِیانَه** . شرکا در معاملاتشان به یکدیگر خیانت کنند .

۵۶- **وَ قَلَّ الْوَفاءُ** . وفا کم شود .

۵۷- **وَ تَزَیَّنَ الرِّجالُ بِثیابِ النِّساءِ** . مردان خود را به لباس زنان بیارایند .

۵۸- **وَ سُلِبَ عَنْهُنَّ قِناعُ الْحَیاءِ** . پرده ی حیا از زنها برداشته شود .

۵۹- **وَ قَلَّ الْمَعْرُوف وَ ظَهرتِ الْجَرائِمُ** . کارهای خوب کم شود و جرائم و بدی ها ظاهر شود .

۶۰- **وَ شَغَلوا بِالدُّنیا عَنِ الاخِرَه** . از آخرت غفلت کنند و تمام توجّه خود را به دنیا معطوف دارند .

۶۱- **وَ قَلَّ الْوَرَعُ** . ورع و پرهیزگاری کم شود .

۶۲- **وَ کَثُرَ الطَّمَعُ** . و طمع زیاد شود .

۶۳- **وَ اَصْبَحَ المؤمِنُ ذَلیلاً وَ الْمُنافِقُ عَزیزاً** . بندگان خدا و مؤمنین در جامعه ذلیل و منافقان در میان مردم عزیز و محترم باشند .

۶۴- **وَ بَلَغَ الْمُؤمِنُ عَنْهُمْ کلّ هوانٍ** . انواع خواریها درباره ی مؤمن و اهل ایمان اعمال کنند .



۶۵- فَعِنْدَ ذلِکَ تَری وُجُوهَهُم وُجوهَ الآدمِیّینَ وَ قُلوبُهُم قُلوبَ الشَّیاطینِ . در این هنگام می بینی که صورت این مردم چهره ی آدمی است اما قلبهای آنان دلهای شیاطین است . (پر از مکر و حیله و تکبر و ...)

۶۶- کَلامُهُم اَحْلی مِنَ العَسَلِ وَ قُلُوبُهُم اَمَرٌّ مِنَ الْحَنْظَلِ فَهُم ذِئابٌ وَ عَلَیْهِم ثِیابٌ . سخنان آنان از عسل شیرین تر ، امّا دلهایشان از زهر کشنده تر . اینان گرگهای درنده ای هستند که به لباس آدمیان در آمده اند .

۶۷- یَأتی عَلی اُمَّتی زَمانٌ تَکْثُرُ فیهِ الآراءُ . زمانی بر امت من بیاید که مردم دارای آراء مختلف خواهند شد .

۶۸- وَ یَتَّخذ القرآنُ مَزامیرٌ وَ یوضَع عَلی الْحانِ الاغانیِّ یُقْرَا بِغَیْرِ خَشْیَه . و قرآن را با آواز و مزامیر و بصورت غنا می خوانند (با سازها و نوازها) بدون اینکه از خداوند ترسی داشته باشند .

۶۹- فَعِنْدَ ذلِکَ تَهِشُّ النُّفوسُ اِلی طیبِ الأحانِ . پس در چنین عصری ترانه ها و سازها و آوازها ، آدمیان را به طرب می آورد و آنچنان که نفسهایشان گویی در طرب می آید .

۷۰- وَ تَکْتَفِی الرِّجالِ بِالرِّجالِ وَ النِّساءِ بِالنِّساءِ . مردها به مردها اکتفا می کنند و زنان به زنان .

۷۱- وَ یَتَّخِذونَ ضَرَبَ الْقَصیبِ فیما بَینَهُم فَلا یُنْکِرهُ مُنکِرٌ بَل یَتَراضُون بِهِ وَ هُوَ مِن اَحدَی الْکَبائر الْخَفِیَّه فَوَیْلٌ لَهُمْ دَیّانِ یَوْمِ الدّین لا تَنالُهُم شَفاعَتی فَمَن رَضِیَ بِذلِکَ مِنْهُم وَ لَم یَنْهَهُم نَدِمَ بذلکَ یَوم القِیامَه وَ اَنا مِنهُ بَری ءٌ . سازها و آوازها در میان آنان رواج یابد و در مجامع



خودشان از آن استفاده می کنند و کسی آنها را نهی نمی کند بلکه تشویق می کنند با اینکه یکی از گناهان کبیره است که کبیره بودنش بر آنها پوشیده است پس وای بر آنها از جزا دهنده ی روز رستاخیز ، و شفاعت من به آنان نخواهد رسید و کسی که راضی به اعمال آنها باشد و آنان را از این عمل نهی نکند نیز در روز قیامت پشیمان شود و من از او بیزارم .

ـ امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش (حمران) در مورد عصر قبل از ظهور و اینکه فرج در چه زمانی واقع می شود فرمودند :

۷۲- ... وَ رَأَیتَ الخُمُور تُشْرَبُ عَلانِیَه وَ یَجْتَمِعُ عَلَیها مَن لا یَخافُ اللهَ عَزّوَجَلَّ . وقتی دیدی علناً شرب خمر می شود و افرادی که از خداوند نمی ترسند مجلس شراب را گرم می کنند .

۷۳- وَ رَأَیتَ الآمِرَ بِالمَعْرُوفِ ذَلیلاً . و دیدی کسی که امر به معروف می کند در بین مردم ذلیل می شود .

۷۴- ... وَ کانَ صاحِبُ المالِ اَعَزَّ مِنَ الْمُـؤمِنَ . صاحب مال در میان مردم از صاحب ایمان عزیزتر است .

۷۵- وَ رَأَیتَ الْحَرامَ یُحَلَّلُ وَ رَأَیت الْحَلالَ یُحَرَّمُ . و دیدی که مردم فعل حرام را حلال و حلال را حرام می شمارند . (تغییر احکام)

۷۶- ... وَ رَأَیتَ المُؤمنَ لا یَستَطِیعُ اَنْ یُنْکِرَ الّا بِقَلبِهِ . و دیدی که اهل ایمان در مقابل منکرات جز با قلبشان توان انکار ندارند .

۷۷- ... وَ رَآیتَ الغَیبَه تُستَمَلَحُ وَ یُبشّرُ بِها النّاسُ بَعضُهُم بَعضاً . و دیدی که غیبت کردن را سخنی خوشمزه و دلچسب می دانند و یکدیگر را به غیبت کردن بشارت می دهند .



۷۸- وَ رأیتَ طالِبَ الْحَلال یُذَمُّ وَ یُعَیَّر و طالِبَ الْحَرام یُمْدَحُ . و دیدی که طالب مال حلال را سرزنش و دوستدار حرام را تمجید و تکریم می کنند.

۷۹- ... وَ رأیتَ الاَذانَ بِالاَجْرِ وَ الصّلاه بِالاجْرِ . و دیدی که مؤذن برای اذان و نمازگزار برای نمازخواندن مطالبه پول می کنند .

۸۰- ... وَ رأیتَ القُضاه یَقْضُونَ بِخلافِ ما اَمَرَاللهُ . و دیدی که قضات بر خلاف آنچه خداوند فرموده است قضاوت می کنند .

۸۱- ... وَ رأیتَ المَنابِرَ یُؤمَرُ عَلَیها بِالتَّقْوی و لا یَعْمَلُ القائِلُ بِما یَأمُرُ و دیدی که بر سر منبرها امر به تقوی می کنند اما گوینده خود ، به آن عمل نمی کند .

× وقایع عمومی علائم ظهور :

۱- جو عمومی و حاکم : جو کفر و بی دینی است ؛ بطوری که حتی بعضی از مؤمنین را نیز متزلزل کرده و به کفر دعوت می کند .[۱]

۲- ملت های دیگر ـ از ادیان خود ـ گمراه می شوند .[۲]

۳- فتنه های متعددی حادث می شود که تا ظهور مهدی (عج) ادامه دارد .[۳]

۴- هرگاه فتنه ای به آرامش می گراید فتنه ای جدید از جانبی دیگر بر می خیزد .[۴]

۱- معجم احادیث الامام المهدی ج۱ص۸۷ ۲- همان ص ۲۵۸-۲۵۷
۳- همان ص۳۹ ۴- همان ص۸۸



۵- اثر آخرین فتنه در هر خانه ظاهر می شود .[۱]

۶- خون ها ریخته می شود و به اموال و ناموس مردم تجاوز می شود .[۲]

۷- سراسر زمین را ظلم و جور و دشمنی فرا می گیرد .[۳]

۸- اهمیّت مسأله اراضی فلسطین و بیت المقدس زیاد می شود .[۴]

۹- کفار بر نهرهای پنجگانه سیحون ، جیحون ، دجله ، فرات ، نیل ، مسلط می شوند .[۵]

۱۰- مشرکان ، مسلمانان را به استخدام خود در می آورند و بروی آنها معامله می کنند و مردم مأیوس از فرج و گشایش در کارها می شوند.[۶]

۱۱- غربی ها و روس ها متّحد می شوند .[۷]

۱۲- جاهلیّتی در امت اسلام ظاهر می شود بدتر از جاهلیّت صدر اسلام[۸]

۱۳- بواسیر و مرگهای ناگهانی (سکته مغزی و قلبی) و جزام فروان می شود.[۹]

۱۴- مسخ شدن برخی انسانها جلو روی خانواده و فرزندانشان .[۱۰]

وضع مسلمانان در آخر الزّمان از دیدگاه حضرت رسول (ص) :

حکّام ستمگر ، مردم مسلمان را به گمراهی می کشانند .[۱۱]

۱- همان ص۸۱ ۲- همان ص۸۸ ۳- همان ص۹۰ بهمراه ۱۷ حدیث دیگر

۴-معجم احادیث الامام مهدی ج۱ص۲۱۷-۲۱۶ ۵-همان ص۲۷۴ ۶- همان ص ۱۷۴

۷- همان ص ۳۲۹ ۸- همان ص ۴۴ ۹- بحارالانوار ج۵۲ص ۳۶۹

۱۰- الزان ناصب ص۱۸۵ ۱۱- همان ص۳۵



۲- امّت اسلام به ۷۳ فرقه تقسیم می شود که یکی از آنها نجات می یابد و بقیبه آنها اهل آتشند . [۱]

۳- اختلاف و دو دستگی در بین مسلمانان همواره حکم فرماست تا مهدی ظهور (عج) ظهور کند . [۲]

۴- جوّ عمومی ، اطاعت کورکورانه از پیشوایان است . [۳]

۵- هر کس پرچم گمراهی بلند کند ، هوادارانی خواهد یافت . [۴]

۶- انسان دین خود را می فروشد ، به گونه ای که ممکن است ،صبح مؤمن باشد و عصر کافر شود یا عصر مؤمن باشد و صبح کافر شود . [۵]

۷- مسلمانان با اینکه تعدادشان زیاد است ، ولی چون از مرگ هراس دارند و دنیا پرست شده اند ، دشمنان به آنها هجوم می آورند ، چرا که از آنها نمی ترسند و اُبهتی در دل دشمنان ندارند . [۶]

۸- مشرکان فرزندان امت اسلامی را به استخدام خود در می آورند . [۷]

۹- عدّه ای از مسلمانان به مشرکان ملحق می شوند . [۸]

۱۰- دین و دینداری در جامعه غریب می شود ؛ چنان که در صدر اسلام بود و خوشا به حال غریبه ها . [۹]

۱۱- جوّ عمومی ، جو کفر است . [۱۰]

۱- همان ص۳۹ ۲- همان ص۲۴۹-۲۴۸ ۳- همان ج۲ص۱۳۳
۴- همان ج۲ص۱۳۳ ۵- همان ج۱ص۴۱ ۶- همان ص۷۸
۷- همان ص۱۷۴ ۸- همان ص۳۷ ۹- همان ص۷۱
۱۰- همان ص ۸۷



۱۲- مردم از اسلام زیاد فاصله می گیرند . (۱)

۱۳- با عقائد اسلام حتی با ایمان به خدا بطور علنی برخورد می شود .(۲)

۱۴- مردم پول پرست می شوند . (۳)

۱۵- مؤمن ، ضعیف شمرده می شود ، و فاسق و گناهکار مورد احترام قرار می گیرد . (۴)

۱۶- اوباش و فستاق رهبری مردم را بعهده می گیرند . مردان مطیع همسرانشان می شوند و با پدر و مادر بد رفتاری میکنند . (۵)

وضع زمامداران مسلمان در آخرالزّمان از نظر پیامبر گرامی :

۱- پیشوایانی گمراه و بدتر از دشمن خارجی و دجّال ، بر امت اسلامی حاکم هستند . (۶)

۲- آنها سبب عقب ماندن جامعه هستند . (۷)

۳- افرادی بی خرد ، ظالم و دروغگو هستند . (۸)

۴- بزودی پیشوایانی بر شما حکومت می کنند که رزق و روزی مردم را در دست می گیرند و سخن می گویند امّا به دروغ و کار می کنند اما کار بد ، از مردم راضی نمی شوند مگر اینکه در مقابل بدی های آنها به به گویند و دروغ های آنها را تصدیق کنند . (۹)

- همان ص ۴۴ ۲- همان ص۴۰ ۳- همان ص۴۵ ۴- همان ص۴۶
۵- همان ص۳۹ ۶- همان ص۳۴-۳۳ ۷- همان ص ۳۶
۸- همان ص۲۳ ۹- همان ص ۱۹

۵- قیامت بر پا نمی شود مگر اینکه خداوند پیشوایانی دروغگو و وزیرانی بدکار و نمایندگانی خائن را بر شما مبعوث خواهد کرد .[۱]

۶- شرطه ها و محافظین زیاد می شوند .[۲]

۷- خون های مردم را می ریزند ، صورت هایشان انسان است ولی قلبشان مانند شیطان است ، در بین امت فساد می کنند ، جلوی آزادی مردم را می گیرند ، اموال مردم را به ناحق تصاحب می کنند .[۳]

۸- کسی که با آنها مخالفت کند کشته می شود ، قضاوت به باطل می کنند . تبعیض قائل می شوند . ظلم و ستمگری آنها آن قدر توسعه می یابد که انسان پناهگاهی از ظلم آنها نمی یابد .[۴]

وضع اسلام در آخرالزّمان از دیدگاه نبی اکرم (ص) :

۱- از اسلام جز اسمی باقی نمی ماند .[۵]

۲- اسلام و ایمان غریب می شود ، همانطور که در ابتدا غریب بود.[۶]

۳- با اصول و احکام اسلام یکی پس از دیگری مخالفت می شود ـ و احکام اسلامی یکی پس از دیگری ترک می شوند که آخرین آن نماز است .[۷]

۱- همان ص۲۶ ۲- همان ص ۳۹ ۳- همان ج۲ص ۵۳۱
۴- همان ص۳۳۲ ۵-ه همان ص۴۴ ۶- همان ص ۷۱ ۷- همان ص۲۲

وضع قرآن در آخرالزّمان :

۱- از قرآن جز خط و تلاوت چیزی باقی نمی ماند . (۱)

۲- بین قرآن و سلطان ، جدایی می افتد ولی شما از قرآن جدا نشوید . (۲)

۳- قرّاء قرآن ، افرادی سازش کار هستند . (۳)

۴- قرآن فرسوده می شود و بدعت هایی را از روی هوی و هوس در مفاهیم آن می آمیزند . (۴)

وضع مساجد در آخرالزّمان :

۱- از نظر ساختمان آباد ولی از نظر هدایت خراب است . (۵)

۲- منبرها بلند ساخته می شود و مساجد را زینت می دهند . (۶)

۳- مساجد پر از کسانی می شود که از خدا نمی ترسند . (۷)

۴- مردم نسبت به وقت نماز بی اعتنا می شوند . (۸)

۵- فرد وارد مسجد می شود ولی دو رکعت نماز در آن نمی خواند. (۹)

وضع علماء و دانشمندان در آخرالزّمان :

۱- بوسیله دین ، دنیا طلبی می کنند . (۱۰)

- همان ص ۴۴ ۲- همان ص ۳۱ ۳- همان ص ۳۹-۲۶

۴- بحارالانوار ج۵۲ص۲۶۰-۲۵۶ ۵- همان ص ۴۴ ۶- همان ص ۳۹

۷- بحارالانوار ج۵۲ ص ۲۶۰-۲۵۶ ۸- همان ۹- همان ۱۰- همان ص۱۰۰

۲- علما منافق و دورو می شوند .[۱]

۳- فقه و علم دین را برای غیر خدا می آموزند .[۲]

۴- ائمه جماعت کم میشوند .[۳]

۵- فقهای آن زمان ، بدترین فقهای روی زمینند چون اصل فتنه از آنها ناشی شده و به آنها بر می گردد ، چون آنها تایید کننده های حکّام ستمگرند .[۴]

۶- وقتی که فقها یکی پس از دیگری از دنیا بروند و امّت پیامبر نماز را ترک کنند .[۵]

وضع مؤمنان در آخرالزّمان :

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود : « خوشا به حال غربا ! پرسیده شد : غربا چه کسانی هستند ؟ فرمود : آنهایی که وقتی مردم فاسد شوند آنها صالح می مانند .[۶]

۲- مؤمنین آخرالزّمان از حیث یقین ، مراتب بالاتری نسبت به مسلمانان صدر اسلام دارند . چون آنها بواسطه اثر سیاهی مرکب که بر سفیدی کاغذ باقی مانده (قرآن) ایمان آورده اند .آنها بدون اینکه پیامبر و ائمه طاهرین (ع) را دیده باشند ، ایمان آورده اند و تنها بوسیله قرآن که خط های سیاهی بروی کاغذ سفید است مسلمان شده اند .[۷]

۱- همان ص۳۹ ۲- همان ص۳۹ ۳- همان ص ۴۱ ۴- همان ص ۴۴
۵- بحارالانوار ج۵۲ص۲۵۸ ۶- همان ص۷۱ ۷- همان ص ۵۰

۳- مؤمنانی که در برابر حکّام جور مقاومت می کنند و کشته می شوند شهیدند .[۱]



۴- کسانی که به دین خودشان ثابت و پایدار بمانند اجر پنجاه شهید از شهدای صدر اسلام را دارند .[۲]

۵- مؤمنین آخرالزّمان آمر به معروف و ناهی از منکرند و با فتنه گران می جنگند .[۳]

۶- سختی ها و مشکلات به حدّی است که اگر بر مسلمان صدر اسلام وارد می شد توان تحمل و صبر بر آن را نداشتند ولی مؤمنان آخرالزّمان مقاومت می کنند و اجر هر کدام از آنها برابر با پنجاه نفر از یاران پیامبر (ص) است .[۴]

۷- مؤمن را کوچک می شمارند و فاسق را گرامی می دارند .[۵]

۸- همانگونه که نمک در آب ذوب میشود ، قلب مؤمن نیز از غم و غصّه ذوب می شود .[۶]

۹- ستمگران به ترساندن و آواره کردن و کشتن مؤمنین می پردازند ، به گونه ای که مؤمن مجبور می شود که در زبان طرفدار آنها و در قلب متنفر از آنها باشد .[۷]

۱- همان ص ۵۰ ۲- همان ص ۴۸ ۳- همان ص۴۹ ۴- همان ص ۴۹
۵- همان ص ۴۶ ۶- همان ص۲۱۸ ۷- همان ص ۱۵



اوصاف زنان در آخرالزّمان :

۱- وَ شاوَر وَ النِّساءِ . (زنـان را در کارهـای اجتمـاعی و شخـصی طـرف مشورت قرار می دهند .

۲- ... وَ شارَک النّساء أزْواجَهّنَ فِی التّجارَه حَرَصاً عَلی الـدُّنیا . (زنـان بـا مردانشان به جهت حرص به دنیا در کار تجارت شرکت می کنند .

۳- وَ اتَّخَـذَت الْقیـانَ وَ المَعـازِفُ . (هنرپیـشه هـای آوازه خـوان تربیـت می شوند .)

۴- ... وَ رَکِبَ ذَواتُ الفُروج السُّروجَ . (زنها سوار بر زینها می شوند مانند : اسب سواری ـ رانندگی ـ و امثالهم ...)

۵- وَ تَسـشَبَهَ النِّساء بِالرّجـالُ وَ الرِّجـالُ بِالنِّـساءِ . (زنـان شـبیه مـردان مـی شـوند و نیـز مـردان از نظـر لبـاس و قیافـه شـباهت بـه زنهـا پیـدا می کنند .) [۱]

۶ - ... وَ رَأیْتَ الْمرأه تَقْهَرُ زَوْجَها وَ تَعْمَلُ مـا لا یَـشْتهی ، وَ تُنْفِـقُ عَلـی زَوْجِها . (و دیدی که زنان بر مردان غالب شوند و بـر خـلاف رضـای شـوهر عمل می کنند و مردشان را از نظر زندگی اداره می کنند .) [۲]

۷- رسول خدا (ص) فرمودند : بزودی بوده باشد در آخر امت مـن مردانـی که سوار شوند بر مرکب ها ، که زن های آنها شبیه مردانـند . زنهـای ایـشان گرچه پوشندگانند برهنه گانند و زمانی که دیدید زنـانی را کـه انداختـه انـد بالای سرهایشان مانند کوهانهای شتران خراسانی پس آنها را لعنت کنید .

۱- بحار ج۵۲ص۱۹۳باب۲۵ح۲۶

۲- نواب الدهور ج۳ص۱۶۱ح۶۴



که ایشان لغو شوندگانند ... و نمازشان پذیرفته نمی شود .[۱]

۸- پیامبر (ص) فرمودند : « ... از ثلث اول شب تجاوز کرده مـی خوابنـد . در خوابیدن صبح زیاده روی می کنند ... مقنعه ی حیا از سر زنان برداشته و کنده می شود ... زنان آن زمان قبله مردان باشند و طـلا و نقـره دینـشان ... ارزش پـول آنقـدر کـم شـود کـه چـون مـردی را صـد دینـار دهنـد خشمگین شود . »[۲]

۹- اصبغ بن نباته از علی (ع) نقل می کنـد کـه فرمـود : از پیـامبر (ص) شنیدم که در دوره ی آخرالزّمان که بدترین زمانهاست ، زنانی پیدا می شوند که بر این اوصاف خواهند بود .[۳]

۱- ۹ - بد حجاب و بی حجابند .

۲- ۹ - حدود الهی را نادیده می گیرند .

۳- ۹ - زینت خود را به نامحرمان نشان می دهند .

۴- ۹ - از دستورهای دین پیروی نمی کنند .

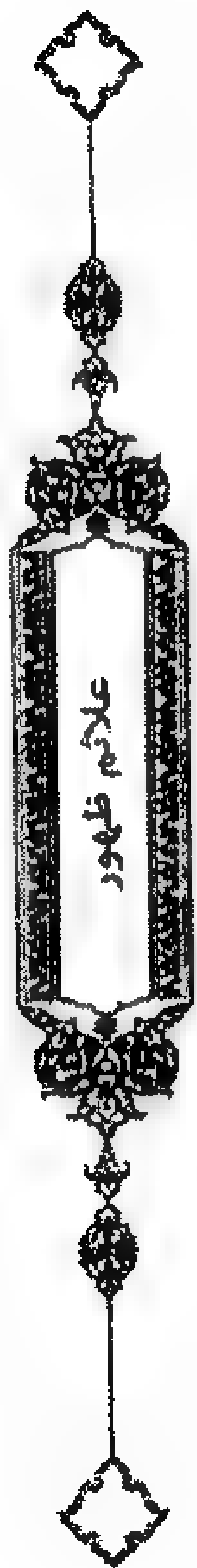
۵- ۹ - به دنبال فتنه و آشوب می گردند .

۶- ۹ - به دنبال خوشگذرانی و لذّت های نامشروعند .

۷- ۹ - محرمات را برای خود حلال می داننـد . چنـین افـرادی در دوزخ گرفتار عذاب خواهند شد .

۸- ۹- مرد بخاطر حجاب همسر و دختران و خـواهرانش مـورد سـرزنش قرار می گیرد .[۴]

۱- نواب الدهور ج۱ص۱۴۱ ح۵۱
۲- اولین دانشگاه ج۲۰ ص ۱۹۷
۳- وسائل شیعه ج۱۴ ص ۱۹
۴- الزام الناصب ص۱۹۴



۱۰- مرد از همسرش کار زشت و خلاف عفت می بیند ولی او را نهی نمی کند. [۱]

۱۱- تمام همّت یک انسان شکمش و زنش قبله اش و پول و درهم دینش خواهد بود. [۲]

۱۲- مردان خود را بصورت زنان و زنان خود را بصورت مردان در میاورند. [۳]

۱۳- در میان پنجاه زن فقط یک مرد وجود خواهد داشت. [۴]

۱۴- هنگامی که زنها با خشونت با مردان خویش رفتار کنند. [۵]

اوضاع اجتماعی آخر الزّمان:

۱- نسبت به همسایگان بدرفتاری و پیوند خویشاوندی بریده می شود [۶]

۲- بدها، خوب جلوه داده می شوند و عقاید ضعیف و روابط اجتماعی مختل می شود. [۷]

۳- با افراد فاسد رفت و آمد می کنند و آنها را از بدی ها باز نمیدارند[۸]

۴- قلب مردم بوسیله حرام خوری، وارونه می شود. [۹]

۵- علم و آگاهی برچیده می شود؛ نادانی زیاد و شراب خواری علنی میشود. تعداد مردان کم و تعداد زنان بیشتر می شود. [۱۰]

۱- یوم الاخلاص ج۲ص۷۴۳ ۲- نهج الفصاحه ج۲ص۴۷۴ ۳- المحجه البیضاء ج۳ص۳۴۲ ۴- صحیحی مسلم ج۸ص۵۸ ۵- بحارالانوار ج۵۲ص۲۵۷
۶- همان ص۱۰۰ ۷- همان ص ۳۲ ۸- همان ص ۳۲ ۹- همان ص۲۱۶
۱۰- همان ص ۲۱۶

۶- نمازها ضایع می گردد و مردم پیرو شهوت و هوای نفسانی می شوند ، سرمایه داران مورد احترام قرار گرفته و بزرگ شمرده می شوند و دین را به دنیا می فروشند . (۱) بحارالانوارج۵۲ص۱۵۰

۷- آشوب ها علنی و رحمت و عطوفت از جامعه رخت بر می بندد و هرج و مرج در جامعه حکمفرما می شود . (۲) همان ص ۲۱۸

۸- مردی از قم قیام می کند و مردم را بسوی حق دعوت نموده و گروهی که قلبهای آنها چون پاره های آهن محکم است . (۳) سفینه البحار ج۲ص۴۸۸

× اوضاع اجتماعی آخرالزّمان از دیدگاه امام جعفر صادق (ع) :

۱- ظلم همه شهرها را فرا می گیرد .

۲- افراد با ایمان سکوت اختیار می کنند .

۳- مداحی و چاپلوسی فراوان می شود .

۴- راه های خیر قطع و راههای شر و بدی مورد توجه قرار می گیرد .

۵- از افراد با ایمان چنان سلب آزادی می کنند که از اعمال ناشایسته نمی توانند ابراز تنفر کنند مگر در دل .

۶- همسایه ، همسایه خود را از ترس زبانش احترام می کند .

۷- مردم طرفدار کسی هستند که پیروز است ؛ خواه حق ، خواه باطل .

۸- اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کند به او توصیه می کنند که این کار وظیفه تو نیست .

۹- تمام همّت و تلاش مردم جهت دستیابی به خواهشهای نفسانی و شهوات است . (۴) ر.ک بحارالانوار ج۵۲ص۲۶۰-۲۵۶



۱۰- پرچم های حق پرستی فرسوده و کهنه می گردد.

۱۱- ویرانگری بوسیله جنگ ها بر عمران و آبادی پیشی می گیرد .

۱۲- هرسال ، فساد و بدعتی نو پیدا می شود .

۱۳- مردم و محافل همه پیرو ثروتمندان خودخواه می شوند .

۱۴- حکومت به دست زنان می افتد .

۱۵- نسیم ها به سود منافقان می وزد و هیچ جریانی به سود افراد مؤمن نیست .

۱۶- دادرسان برخلاف فرمان خدا قضاوت می کنند .[۱]

× اوضاع اقتصادی آخرالزّمان از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) :

۱- جامعه اسلامی به خاطر گناهان ، مبتلا به حکام جائر و قحطی میشود.[۲]

۲- ربا خواری در جامعه شایع می شود و به همه ی مردم گردی از ربا میرسد .[۳]

۳- دولت ، مالک رزق و روزی مردم می شود .

۴- رشوه خواری در میان کارمندان دولت رایج می شود .

۵- سرمایه های عظیم در راه خشم خداوند مصرف می شود .

۶- پست های حساس به مزایده گذاشته می شود .

۷- آنها که دنبال روزی حلال هستند ، نکوهش می شوند و آنها که به دنبال حرامند ستایش می شوند .

۱- ر.ک بحارالانوار ج ۵۲ص ۲۶۰- ۲۵۶   ۲- معجم احادیث ج۱ص۴۵   ۳- همان ص۴۵

۸- درآمد بعضی از مردم از طریق کم فروشی یا گران فروشی است .

۹- افرادی با سرمایه های فراوان هستند در حالی که در عمرشان ، حتی یک مرتبه هم خمس یا زکات نپرداخته اند .

۱۰- اموال زیادی را در غیر اطاعت خدا صرف می کنند ولی از انفاق مقدار کمی در راه خدا مضایقه می کنند .

۱۱- حتی کمک به نیازمندان با توصیه و پارتی بازی صورت می گیرد ، نه برای خدا . [1]

۱۲- در مواقعی که باید باران ببارد ، مردم از آن محروم هستند . [۳]

× اوضاع اخلاقی ـ اعتقادی مردم در آخرالزّمان از دیدگاه امام صادق (علیه السلام) **:**



۱- آیین خداپرستی مردم ، بی محتوا شده و همانند ظرفی که آن را واژگون سازند می شود .

۲- مردان به مردان ، زنان به زنان قناعت کنند .

۳- سرگرمی های ناسالم چنان رواج پیدا کند که هیچ کس جرأت جلوگیری از آن را نداشته باشد .

۴- شنیدن حقایق قرآن بر مردم گران آید ، اما شنیدن باطل آسان است .

۵- ثروتمندان برای سیاحت و متوسطین برای تجارت و فقرا برای ریا به حج می روند . [۲]

۶- سه چیز کمیاب می شود : مال حلال – دوست حقیقی – کار برای رضای خدا . [۳]

۱- بحارالانوار ج۵۲ص ۲۶۰-۲۵۶

۲- الزام الناصب ص۶۸

۳-کنز العمال ج۱۱ ص ۱۱۸



۷- آلات لهو و لعب حتی در مکّه و مدینه آشکار گردد .

۸- زنان خود را در اختیار دیگران می گذارند .

۹- مردم ، عصرها در حال نشئه و صبح ها مستند .

۱۰- مردم ، همه به یکدیگر نگاه می کنند و از فاسدان شرور تقلید می کنند .

۱۱- در حضور جمع ، همانند بهائم مرتکب اعمال جنسی می شوند .

۱۲- افرادی پیدا می شوند که اگر یک روز گناه کبیره ای انجام ندهند غمگین می شوند . [۱]

× وقایع خصوصی علائم ظهور :

۱- قطع حج و خرابی مسجد براثا :

سلیلی ـ مؤلف کتاب الملاحم و الفتن ـ گفته است : « من خودم مسجد براثا را دیدم که حنبلی ها خراب کردند ، تیرهای سقف مسجد را سوزاندند و ... سپس گفته : این حادثه در سال ۳۱۲ هـ . ق اتفاق افتاد و در همان سال سلیمان بن حسن قرمطی خروج کرده و راه را بر حاجیان بست و حج را تعطیل کرد . [۲]

۲- منع طعام و درهم در عراق :

از جابر بن عبدالله نقل شده که گفت : « نزدیک است اهل عراق از طعام

۱- الملاحم و الفتن باب ۴۸ ص ۱۳۰   ۲- بحارالانوار ج۵۲ص۲۱۳

و درهم منع شوند . گفتند : از چه ناحیه ای ؟ گفت : از ناحیه عجم . که ممکن است این حدیث اشاره به ضعف خلفای عباسی و پیروزی سلاطین فارسی باشد که دیگر به آنها باج ندادند و زکات و خراج که متعارف بود به محل خلافت می بردند قطع شد و احتمال دارد اشاره به جنگ خلیج فارس و محاصره اقتصادی عراق باشد . [۱]

۳- زندیق قزوین :

از پیامبر اکرم « صلی الله علیه وآله » نیز نقل شده که مردی از قزوین خارج می شود ؛اسم او اسم پیامبری است ؛ مردم مؤمن و مشرک سرعت می گیرند در اطاعت از او ، کوهها را پر از خوف می کند . [۲]

۴- ظهور آتشی در حجاز و آب در نجف اشرف :

امیرالمؤمنین علی « علیه السلام » فرمود : « هر گاه آتشی در حجاز ظاهر شد و نجف را آب گرفت، پس منتظر قائم باشید » . ابن کثیر در ذکر وقایع سال ۶۵۴ هـ . ق ظهور آتشی عظیم را در اطراف مدینه با شرح مبسوطی نوشته است . [۳]



۵- خراب شدن بصره .

۶- انقراض حکومت بنی عباس :

جابربن عبدالله از امام صادق نقل کرده که فرمود : « منتظر آخرین دولت

۱- عقدالدررص۱۶۲ ۲- بحارالانوار ج۵۲ص۲۱۳ ۳- معجم احادیث ج۳ص۲۶



بنی عباس باشید ! در پایان حکومت آنها علامت هایی است که از شعله آتش گدازنده تر است . » [۱] امیر المؤمنین (ع) ۲۴ خلیفه از بنی عباس را با مشخصات خلفا بطور معجزه آسا بیان می کند . [۲]

۷- قبّه ی غبراء :

امیرالمؤمنین علی [ع] فرمود : قبّه ی خاکی رنگی ، در بیابانی ، با ریگ سرخ بنا می شود و به دنبال آن قائم حق ، پرده از روی خود بر می دارد . [۳]

۸- فرود آمدن ترکان در جزیره :

مراد از جزیره در روایات عراق است و این اصطلاح قدیمی و معروف است . [۴]

۹- آزاد شدن عرب از حکمرانی عجم :

این مسئله در عصر ما با انقلاب هایی که در کشورهای عربی علیه استعمار خارجی پیش آمد و اعراب سرنوشت خود را بدست گرفتند قابل تطبیق است . مراد از عجم تنها فارس نیست ؛ بلکه غیر عرب را عجم گویند . بنابراین شامل همه زبانها و ملت های دیگر می شود . [۵]

۱۰- اختلاف دو صنف از عجم :

۱- بشارت الاسلام ص۱۱۴ ۲- معجم الاحادیث ج۳ص۲۴ ۳- همان ج۳ص۲۴
۴- معجم الاحادیث ج۱ص۲۳ ۵- بحارالانوار ج۵۱ص۳۰۱

۱۱- برپایی پلی مقابل کرخه در بغداد .

۱۲- فرود آمدن روم در رمله .

۱۳- ظهور مغربی در مصر و تصاحب شام .

۱۴ فتح قسطنطنیه .

۱۵- جنگ های صلیبی .

۱۶- قیام صاحب زنج .

۱۷- ادعای نبوّت و امامت .

۱۸- خرابی دیوار مسجد کوفه .

همانطور که قبلاً ذکر کردیم ، موارد فوق اموری است که تاکنون واقع شده و مصادیقی برای آنها در خارج وجود دارد هر چند که ممکن است بعداً نیز واقع شوند و مصادیق دیگری داشته باشند . به هر صورت تنها جنبه پیش گویی داشته و مربوط به وقایع قبل از ظهور است .

ما اکنون در عصر نزدیک به ظهور هستیم اما زمان دقیق را کسی جز خدا نمی داند و تعیین زمان برای ما ممکن نیست ، ولی آنچه که بر ما فرض است همانا انتظار واقعی ظهور می باشد ، پس ما باید آماده باشیم و برای تعجیل فرج دعا کنیم .



× **نشانه هــای نزدیک ظهــور :**

۱- وقتی که قم مرکز علم و دانش شود . علم از شهری به نام قــم آشـکار می گردد و آنجا معدن علم و دانش می گردد . به نحوی که در زمین کـسی در استضعاف فکری به سر نمی برد . (۱)

۲- وقتی که اهل مشرق قیام کنند . امام بـاقر علیه السلام گویـا مـی بیـنم : گروهی از مشرق زمین خروج می نمایند و طالب حقنـد وکـشته هـای آنـان شهید محسوب می شوند . (۲)

۳- وقتی که اهمّیت قدس و مسأله ی اراضی فلسطین زیاد می شود .

۴- آنگاه که فتنه ی فلسطین طولانی گردد . تا کنون بارهـا طـرح هـایی همچون کمپ دیوید ، فاس ، شرم الشیخ ، دولت خودگردان صلح خاورمیانه ، خلع سلاح ، و ... ولی فتنه ی فلسطین خاموش نشده .

۵- وقتی که بین ماه های جمادی و رجب ، ملت های مختلف علیه عـراق هجوم آورند . (جنگ امریکا و متحدانش با عراق به چشم خود دیدیم که در روز آخر ماه جمادی با حمله علیه دولت عراق شروع شد .) (۳)

۶- وقتی که همه ی مکتب های بشری (اسیم ها) ـ پس از حکومت بـر مردم به بنبست برسند . (آیا اکنون نمی بینم که سردمداران مکاتب سـاخته ی دست بشر همچون مارکسیـسم ،کمونیـسم ، ناسیونالیـسم ، لیبرالیـسم ، سکولاریـسم ، پلورالیـسم ، هرمنوتیـک و ... در مـورد عـدم توانـایی اداره ی جامعه بشری اعتراف صریح دارند و این نظریات نه تنها سعادت آفرین نبوده

۱- بحـــــــــــارالانوار ج ۶۰ص۲۱۳ ۲- بحـــــــــــارالانوار ج۵۲ص۲۴۳

۳- معجم احادیث ج۱ص۲۷۷- ۲۱۶

بلکه پایه های اعتقادی و اخلاقی جامعه را نیز متزلزل کرده و آرامش و آسایش انسان را به مخاطره انداخته است .

۷- وقتی که ظلم و فساد زیاد شود . [۱]

۸- وقتی که مرگ سرخ و سفید ، عدّه ی زیادی را از پای درآورد . امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود : قبل از قیام حضرت مهدی (عج) مرگ سرخ و سفید است ، مرگ سرخ بوسیله شمشیر و مرگ سفید به بوسیله طاعون . مهدی قیام نمی کند مگر این که یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم بمیرند و یک سوم بمانند . [۲]

۹- وقتی که سال های فریبنده پیش آید .

۱۰- ظهور یأس و نومیدی .

۱۱- کشف هیکل سلیمان (معبد سلیمان در فلسطین) که بوسیله اسرائیل در سال های اخیر صورت گرفته .

۱۲- هرج و مرج

۱۳- اختلال و تزلزل و اضطراب در مردم .

۱۴- سرعت زوال حکومت ها .

۱۵- هجوم ملخ سرخ در دو موقع

۱۶- زمین لرزه ای در شام اتفاق می افتد که حدوداً ۱۰۰ هزار نفر بر اثر آن هلاک خواهند شد . این زلزله رحمت برای مؤمنان و عذاب برای کافران است . [۳]

۱- معجم احادیث ج۳ص۸ ۲- همان ص ۲۱ ۳- غیبت ، شیخ طوسی ص ۲۷۷



۱۷- چون در خراسان زلزله شود و در همدان فاجعه رخ دهد و در آذربایجان انقلاب روی دهد .

۱۸- صاعقه ها و باد زرد و خشک شدن برخی از دریاچه ها و رودخانه نیل .

۱۹- درختان خرما بی حاصل می شوند و آب چشمه زَغَر که در طرف قبله شام قرار دارد کاهش پیدا می کند و سه سال قحطی می شود .

نشانه های دوران یک سال قبل از ظهور حضرت :

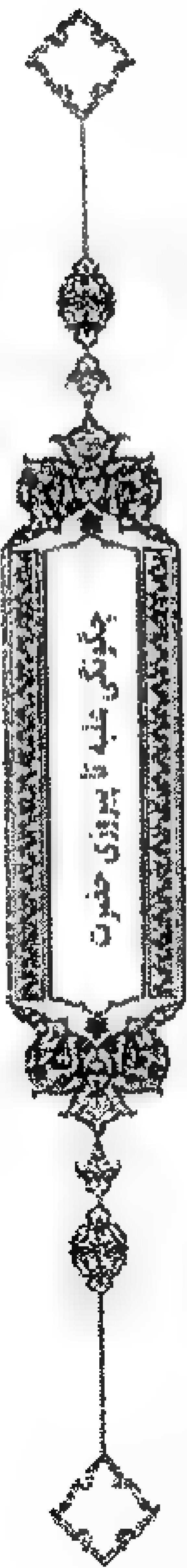
ـ **شروع جنگی از صَفر تا صَفر** : عبدالله بن بشّار نقل کرده : « هنگامی که خداوند اراده کند که قائم را ظاهر کند ، جنگی از ماه صَفر آن سال تا ماه صَفر سال آینده واقع خواهد شد و آن جنگ ، نشانگر زمان خروج مهدی (عج الله تعالی فرج) است . [1]

ـ **ظهور دست و صورتی درماه** : داودبن سرحان از امام صادق علیه السلام سؤال کرد : نشانه دیگر چیست ؟ حضرت فرمودند : در ماه رجب صورتی در ماه پدیدار می شود و دستی نیز آشکار می گردد . ! [2]

ـ **خورشید و ماه گرفتگی** : در ماههای رمضان و رجب آن سال گرفتن خورشید در سیزدهم و چهاردهم ماه رمضان و در زمانی که شب چهاردهم ماه رجب خسوف واقع شد ؛ آن زمان خروج قائم است .

ـ در آن سال بیست و چهار بار باران می بارد . [3]

۱- معجم احادیث ج۳ص۲۲ ۲- همان ص۴۸۵ ۳- غیبت ، شیخ طوسی ص۲۶۹



ـ چگونگی هنگامه ی ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه شریف :

روایات دلالت دارند که انقلاب مقدّس حضرت مهدی (عج) در مدت چهارده ماه کامل می شود ، در شش ماهه اوّل ، امام در اضطراب و نگرانی به سر می برد و حوادث را بطور نهانی توسط یاران خود رهبری می کنند . در هشت ماه بعدی در مکه ظهور خواهد کرد و رهسپار مدینه ، ایران ، عراق و قدس می گردد و با دشمنان خود وارد نبرد می شود . پیش از ظهور امام دو حادثه مهم رخ می دهد که بمنزله ی نشانه های الهی است که آن حضرت ، آمادگی لازم را جهت ظهور مقدس خویش فراهم می سازد .

حادثه اوّل : وقوع کودتایی در سرزمین شام ؛ به رهبری عثمان سفیانی .

حادثه دوم : بلند شدن ندایی آسمانی به سوی مردم جهان که اهل هر زبان به زبان خود آن را می شنود .

محمّدبن مسلم گفت : امام صادق علیه السلام فرمودند : منادی در آسمان نام قائم را ندا می کند که کشتار برای چیست ؟ فرمانروایی از آن فلانی فرزند فلانی است به گونه ای که هر کس در شرق و غرب جهان باشد ، آن را می شنود . در اثر آن صدا خفته بیدار می شود و ایستاده می نشیند و نشسته به پا می خیزد و آن صدای جبرئیل امین است . (۱) پس از دو نشانه ی فوق ،یعنی خروج سفیانی در ماه رجب و ندای آسمانی در ماه رمضان تا زمان ظهور حضرت در ماه محرم ، نزدیک به شش ماه باقی است . منابع روایی اهل سنّت شماری از اقدامات امام را در این برهه ....

۱- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۹۶- ۲۹۰

بیان می کنند که می توان آن را پیوستن حضرت به یاران خود در مدینه و سپس در مکه و دیدار وی با کسانی که از اطراف جهان با شوق و اضطراب جهت بیعت با او در پی آن حضرت می شتابند ، خلاصه نمود . و در منابع شیعی این شش ماه را در مرحله ظهور غیر علنی بعد از غیبت کبری قلمداد می کنند . (همانطور که غیبت دو مرحله صغری و کبری دارد ، ظهور نیز دارای دو مرحله صغری و کبری خواهد بود .)

اما پس از خروج سفیانی ، ظاهر می شود ، سپس تا هنگام ظهور موعود خود ـ ماه محرم ، پنهان می گردد . در روایت حذلم بن بشیر از امام سجّاد (ع) آمده : « وقتی سفیانی خروج می کند ، حضرت مهدی (عج) نهان می گردد و پس از آن دوباره ظاهر می گردد . » [۱]



محتوای صیحه ی آسمانی چیست ؟

در روایات ، تعبیرهایی از قبیل صیحه ، فزعه و ندا به کار رفته است . این احتمال وجود دارد که آنها سه رویداد جدا از هم باشند بدینگونه که ابتدا صدایی عظیم و وحشتناک به گوش جهانیان می رسد و همه را متوجّه خود می کند که صیحه نامیده می شود . به دنبال آن صدایی مهیب و هولناک شنیده می شود که دل های مردم را به وحشت می اندازد که فَزعه نام دارد . آنگاه صدایی از آسمان شنیده می شود که مردم را به سوی مهدی (عج) فرا می خواند . که ندا نامیده می شود . محتوای این پیام آسمانی دعوت به حق و حمایت و بیعت با مهدی علیه السلام است . با تعبیرهایی در اِنَّ الْحَقّ یعَلیٍّ وَ شیعه وَ اِنَّ الْحَقّ فی آلِ محمّدٍ .

۱- بحارالانوار ج۵۲ص ۲۱۳

در ماه رمضان صیحه ای شنیده می شود . در ماه شوال قبیله ها قصد درگیری پیدا می کنند و در ماه ذی القعده جنگ و خونریزی به پا می شود و در ماه ذی حجه ، حجاج قتل عام و غارت می شوند و در ماه محرم خون ها جاری می شود . محرم و چه محرمی !؟ هرگز قابل ادراک برای شما نیست . سپس منادی از آسمان ندا می کنند که آگاه باشید که مهدی قائم آل محمّد (عج) است سپس به سخنان او گوش فرا دهید و او را اطاعت کنید ؛ این صدا ، صدای جبرئیل است که مردم را برای بیعت با او فرا می خواند . این صدا در صبح روز نجات بلند می شود .[1]

زمان و مکان ظهور حضرت مهدی عجه الله تعال فرجه :

روایات در مورد چگونگی آغاز نهضت ظهور و زمان آن اندکی با هم تفاوت دارند . ولی آنچه بهتر به نظر می رسد این است که امام نخست در میان ۳۱۳ نفر از یاران خود ظهور می کند . آنگاه غروب نهم محرم یک یک داخل مسجدالحرام می شوند و حضرت ، نهضت خود را بعد از نماز عشاء با ارسال پیام برای اهل مکه آغاز می کند . سپس یاران او در آن شب بر حرم و شهر مکه مسلط می شوند و در روز دهم محرّم پیام خود را متوجه جهانیان به زبان و لغت آنان می نماید .[2]

مهدی (عج) هنگام نماز عشاء ظهور میکند ؛ در حالی که پرچم رسول الله و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد ... وقتی نماز عشاء را بجای آورد ، با صدای رسا و بلند خود می فرماید : ای مردم ...

۱- بحارالانوار ج ۵۱ ص۸۱ ۲- نسخه ی خطی ابن حماد ص۹۵

امام باقر علیه السلام فرمود : حضرت مهدی از گردنه ی کوه طوی با ۳۱۳ تن به عدد رزمندگان جنگ بدر فرود می آید تا که وارد مسجدالحرام می شود و در مقام ابراهیم دو رکعت نماز می خواند ؛ و به حجرالاسود تکیه می زند و پس از حمد و ثنای خدا و نام پیامبر و درود بر او ، لب به سخن می گشاید به گونه ای که هیچ یک از مردم ، چنان سخن نگفته باشند و یاران دور او حلقه می زنند و اولین سخنی که می گوید این آیه است : « آنا بَقیّه الله خَیْرٌ لَکَم اِنْ کُنْتُمْ مُؤمنینَ . » سپس می گوید : من بقیّه الله در روی زمین هستم ، من حجّت خدا بر شما هستم و نخستین کسانی که با او دست بیعت می دهند جبرئیل و میکائیل می باشند . (۱)



امام باقر علیه السلام فرمود : قائم روز شنبه که روز عاشورا است - روزی که امام حسین در آن روز به شهادت رسیده ظهور می کند . (۲) بعضی از روایات ظهور حضرت علیه السلام را در جمعه ، بعد از نماز عشاء بیان کرده است . چگونگی جمع بین این دو روایات ، این گونه است که ظهور امام در دو مرحله انجام می شود ، تسلط بر حرم و مکه ، شب دهم محرم است که مقدمه اعلان ظهور آن بزرگوار ، برای جهانیان ، در روز شنبه که روز عاشوراست خواهد بود .

بدست گرفتن زمام امور مکه همراه با پشتیبانی مردم و تأثیر ۳۱۳ تن از یاران خاص حضرت که نقش فرماندهی دیگر یاران را دارند بدون خونریزی و به سبب امداد غیبی به جهت پاسداری از حرمت حرم و قداست مکه آنجا را فتح می کند .

۱- کمال الدین صدوق ج۱ص ۳۳۱ ۲- بحارالانوار ج۵۲ص ۲۸۵

امام محمّد باقر (ع) فرمودند : در میان یاران حضرت مهدی (عج) پنجاه زن وجود دارد . (۱) می توان گفت : چون یاران اولیه حضرت سیصدو سیزده نفرند ، بعداً شکل حکومت حضرت هم به صورت ۳۱۳ ولایت می باشد و این افراد حاکمان زمین هستند . وقتی حضرت یکی از آنها را برای حکومت به جایی می فرستد هرگاه یکی از آنها بخواهد امام را ببیند و با او حرف بزند در حکام الارض لما یرسل احدهم یقول له مهما اشکل علیک حکمٌ فانظر فی کفّ . امام می فرماید : اگر امری را نفهمیدی و نتوانستی قضاوت کنی به کف دستت نگاه کن حکمش را می بینی .

۱- بحاالانوار ج ۵۲ص ۲۲۳

× یاران از چه کشورهایی هستند ؟

یاران خاص حضرت از کشورهای مختلف نظیر ایران ، عراق ، سوریه ، فلسطین ، افغانستان ، حجاز ، یمن ، مصر ، فرانسه ، پاکستان ، ارمنستان ، ازبکستان ، تاجیکستان ، لبنان ، هندوستان ، بحرین ، اتیوپی و ... می باشند ، چون انقلاب حضرت مهدی (عج) جهانی است . یاران وی نیز از همه جهان هستند .



× یاران حضرت مهدی (عج) از چه شهرهایی هستند ؟

اصبغ بن نباته از یاران صدیق حضرت امیر (علیه السلام) می گوید : حضرت فرمود آیا می خواهید شما را بر یاران مهدی (عج) و تعدادشان آگاه کنم ؟ عرض کرد بله یا امیرالمؤمنین . حضرت فرمودند از پیامبر خدا شنیدم که فرمود : اولین آنها از بصره و آخرین آنها از یمامه است و علی (ع) شروع کرد به شمردن یاران مهدی (عج) و فرمود : از بصره دو نفر ، از اصفهان چهار نفر ، از

قم ده نفر، از زوراء (تهران) ده نفر ، از اهواز ، آمل ، دامغان ، ساوه ، بروجرد ، مراغه ، خوی ، کازرون ، اردبیل و ابهر هر کدام یک نفر از سلماس و همدان و شیراز و واسط و آبادان و حلب هر کدام سه نفر و ... [1]

در حدیثی دیگر که معروف به خطبه البیان است ـ از امیرالمؤمنین (ع) بطور مفصل و با مقداری اختلاف با حدیث قبل ، در مورد اصحاب حضرت مهدی (عج) مطالبی نقل شده که ما طبق حروف الفبا ، نام ایشان را همراه با شهر و دیار آنان ذکر می کنیم . با توجه به اینکه برخی از شهرهایی که ذکر می شود در گذر زمان تغییر نام یافته و برخی ممکن است در آینده ساخته شود .

(توجه : پنج صفحه بعد بطور عکس از کتاب معتبر از ظهور تا پیروزی که از منابع مهمی همچون الزام الناصب ج ۲ ص ۱۱۶ و بحارالانوار ج۵۲ ص۲۲۳ استفاده کرده بطور کامل و بدون دستکاری تنظیم شده اند .)

ردیف	نام	شهر یا کشور			
۱	ابان	سنجار عراق	۳۰	جبرئیل	صنعا
۲	ابراهیم	انبری، شمال آفریقا	۳۱	جبیر	یمن
۳	ابراهیم	جدة عربستان	۳۲	جعفر	آبادان
۴	ابراهیم	سیراف ایران	۳۳	جعفر	بحرین
۵	ابراهیم	شیراز	۳۴	جعفر	خلاط ارمنستان
۶	ابراهیم	کورة لبنان	۳۵	جعفر	سهم
۷	ابراهیم	مدینه	۳۶	جعفر	سیلان هندوستان
۸	ابراهیم	مکّه	۳۷	جعفر	شیراز
۹	احمد	آبادان	۳۸	جعفر	قزوین
۱۰	احمد	ارمنستان	۳۹	جعفر	مدینه
۱۱	احمد	بغداد	۴۰	جعفر	نجف
۱۲	احمد	جمارة نجف	۴۱	جبیل	طالقان
۱۳	احمد	شوشتر	۴۲	جمیل	یمامة حجاز
۱۴	احمد	عفر عراق	۴۳	حجر	یمن
۱۵	احمد	فرانسه	۴۴	حذیفه	مرو خراسان
۱۶	احمد	فسطاط مصر	۴۵	حسن	اسکندریة مصر
۱۷	احمد	معاذة نیشابور	۴۶	حسن	بلخ افغانستان
۱۸	احمد	سمداره	۴۷	حسن	بالس سوریه
۱۹	احمد	نصیبین ترکیه	۴۸	حسن	سیلان هندوستان
۲۰	احمد	یمن	۴۹	حسن	کربلا
۲۱	ایوب	طالقان	۵۰	حسن	مدینه
۲۲	بُشر	بیت المقدّس	۵۱	حسن	معاذة نیشابور
۲۳	بُشر	مرقیة سوریه	۵۲	حسین	ارمنستان
۲۴	بکیر	بحرین	۵۳	حسین	سریع ذعاب
۲۵	تغلب	معاذة نیشابور	۵۴	حسین	کربلا
۲۶	تکیه	شرشاذ بحرین	۵۵	حسین	کربلا
۲۷	جابر	لسبن	۵۶	حسین	مدینه
۲۸	جابر	طالقان	۵۷	حسین	معاذة مرو
۲۹	جابر	یمن	۵۸	حصین	قادسیة عراق
			۵۹	جعفر	حمص سوریه



۶۰	جعفر	رهاط مکه
۶۱	جعفر	طالقان
۶۲	حفص	سرخس
۶۳	حمدان	تبریز
۶۴	حمزه	هرات
۶۵	حمزه	صنعا یمن
۶۶	حمزه	مدینه
۶۷	حوقل	سیراف ایران
۶۸	حویش	یمن
۶۹	خالد	سیراف ایران
۷۰	خالد	طالقان
۷۱	داوود	بیت المقدس
۷۲	داوود	طالقان
۷۳	داوود	عمان
۷۴	داوود	طائف
۷۵	داوود	دمشق
۷۶	دراج	مصر
۷۷	ریان	تنیس
۷۸	زکریا	طالقان
۷۹	زید	صیمره
۸۰	سب	طالقان
۸۱	سعد	بیلقان
۸۲	سعد	طالقان
۸۳	سعد	یمامه
۸۴	سعید	بیضا
۸۵	سعید	عکا فلسطین
۸۶	سمیع	صنعا یمن
۸۷	سوید	معاذة مرو
۸۸	سهیل	سیف نجد
۸۹	شبیب	سادة یمامه

۹۰	شبل	اسکندریة مصر
۹۱	شعیب	مرقبة سوریه
۹۲	شعیب	دبار
۹۳	شیبان	آبادان
۹۴	شیبان	اسکندریة مصر
۹۵	شیبان	شوشتر خوزستان
۹۶	شیبان	یمن
۹۷	صادق	بلقا اردن
۹۸	صالح	شیراز
۹۹	صالح	طالقان
۱۰۰	صالح	عمان
۱۰۱	صالح	قزوین
۱۰۲	صبیح	حلب سوریه
۱۰۳	صدقه	مراغه
۱۰۴	صلیب	سادة یمامه
۱۰۵	ضابط	اهضب
۱۰۶	طالوت	حشة عربستان
۱۰۷	طاهر	فسطاط مصر
۱۰۸	طاهر	مدینه
۱۰۹	طاهر	معاذة مرو
۱۱۰	طبق	رملة فلسطین
۱۱۱	طیب	عسکر مکرم خوزستان
۱۱۲	عامر	یمامة حجاز
۱۱۳	عاصم	یمن
۱۱۴	عالم	سیف نجد
۱۱۵	عامر	ناوان
۱۱۶	عامر	بحرین
۱۱۷	عامر	یمن
۱۱۸	عامر	سامرا
۱۱۹	عباس	مدینه

۱۲۰	عبدالرحمن	سند پاکستان
۱۲۱	عبدالرحمن	معصوریة بهبهان
۱۲۲	عبدالرحمن	انطاکیه
۱۲۳	عبدالرحمن	دمشق
۱۲۴	عبدالرحمن	طالقان
۱۲۵	عبدالسّلام	هوتیق مصر
۱۲۶	عبدالعزیز	عدن
۱۲۷	عبدالغفور	دورق اهواز
۱۲۸	عبدالقدّوس	هجر یمن
۱۲۹	عبدالقدیم	عمارة مرو
۱۳۰	عبدالله	بغداد
۱۳۱	عبدالله	شیراز
۱۳۲	عبدالله	طالقان
۱۳۳	عبدالله	فسطاط مصر
۱۳۴	عبدالله	قزوین
۱۳۵	عبدالله	کاشان
۱۳۶	عبدالله	کرمان
۱۳۷	عبدالله	عمارة مرو
۱۳۸	عبدالله	مکه
۱۳۹	عبدالله	انطاکیة سوریه
۱۴۰	عبدالله	طائف
۱۴۱	عبدالمطلب	بغداد
۱۴۲	عبدالمهیمن	آمل
۱۴۳	عبدالوارث	آبادان
۲۴	عبدالوارث	اسکندریة مصر
۱۴۵	عبدالوهاب	شیزر سوریه
۱۴۶	عبدالوهاب	شوش خوزستان
۱۴۷	عبدون	طالقان
۱۴۸	عبدالله	کاشان
۱۴۹	عبدالله	انطاکیة سوریه
۱۵۰	عتاب	کوفه
۱۵۱	عجلان	مصر
۱۵۲	عزیز	قصبة عربستان
۱۵۳	عقیل	واسطة عراق
۱۵۴	علوان	انبار عراق
۱۵۵	علوان	طالقان
۱۵۶	علی	بصره
۱۵۷	علی	حلّه
۱۵۸	علی	سمرقند ازبکستان
۱۵۹	علی	سنجار عراق
۱۶۰	علی	طائف
۱۶۱	علی	طالقان
۱۶۲	علی	مرانسه
۱۶۳	علی	قزوین
۱۶۴	علی	مدینه
۱۶۵	عمر	عمارة مرو
۱۶۶	عمر	شیمه
۱۶۷	علی	نصیبین ترکیه
۱۶۸	علی	نیشابور
۱۶۹	علی	همدان
۱۷۰	عمار	یمن
۱۷۱	عمر	طالقان
۱۷۲	عمر	عسقلان فلسطین
۱۷۳	عمر	قزوین
۱۷۴	عمر	کازرون
۱۷۵	عمر	معصوریة بهبهان
۱۷۶	عمر	مهجم یمن
۱۷۷	عمران	بیت المقدس
۱۷۸	عمرو	آبادان
۱۷۹	عمرو	اهواز

۱۸۰	عمرو	مکّه
۱۸۱	عمیر	شوبک
۱۸۲	عمیر	نجد حجاز
۱۸۳	عوف	شهرکرد
۱۸۴	عون	عدن
۱۸۵	عیسی	الیوبی
۱۸۶	عیسی	طالقان
۱۸۷	غریان	اعفیل
۱۸۸	غیاث	کوفه
۱۸۹	فارس	هرنبق مصر
۱۹۰	فاصل	نوبة سودان
۱۹۱	فالح	طالقان
۱۹۲	فرج	عرفة مکّه
۱۹۳	قسیس	طالقان
۱۹۴	فلاح	سمناوه
۱۹۵	فلیح	طبریة فلسطین
۱۹۶	فهد	عسقلان فلسطین
۱۹۷	فهد	موصل
۱۹۸	فهد	یمن
۱۹۹	قادم	انطاکیة ترکیه
۲۰۰	قاسم	آبادان
۲۰۱	قاسم	کرخ بغداد
۲۰۲	قاسم	مدینه
۲۰۳	قبیصه	طالقان
۲۰۴	کثیر	حبش
۲۰۵	کثیر	عمارة نیشابور
۲۰۶	کعب	یمن
۲۰۷	کلثوم	یمن
۲۰۸	کلیب	هرتبق مصر
۲۰۹	کوثر	اتیوبیة آفریقا

۲۱۰	کوش	عمان
۲۱۱	لقمان	طالقان
۲۱۲	لیث	بحرین
۲۱۳	لیث	قزوین
۲۱۴	مالک	یمن
۲۱۵	مالک	سیراف ایران
۲۱۶	مالک	عمارة عراق
۲۱۷	مالک	مسعودیة تربت جام
۲۱۸	مالک	مهجم یمن
۲۱۹	مالک	یمن
۲۲۰	مبارک	قطیف عربستان
۲۲۱	مجاهد	سمرقند ازبکستان
۲۲۲	مجمع	شهرری
۲۲۳	محارب	بصره
۲۲۴	محروز	حویج آذربایجان
۲۲۵	محسن	اسکندریة مصر
۲۲۶	محمد	الیوبی
۲۲۷	محمّد	آبادان
۲۲۸	محمّد	تفلیس ارمنستان
۲۲۹	محمّد	حلب سوریه
۲۳۰	محمّد	خنفط ارمنستان
۲۳۱	محمّد	بالس سوریه
۲۳۲	محمّد	سنجار بخارا
۲۳۳	محمّد	عسقلان فلسطین
۲۳۴	محمّد	عمان
۲۳۵	محمّد	قزوین
۲۳۶	محمّد	کبش بغداد
۲۳۷	محمّد	کوفه
۲۳۸	محمّد	مدینه
۲۳۹	محمّد	معارة نیشابور

۲۴۰	محمّد	مکّه
۲۴۱	محمّد	منصوریة اهواز
۲۴۲	محمّد	بالس سوریه
۲۴۳	محمّد	مهجم یمن
۲۴۴	محمّد	نجف
۲۴۵	محمّد	مدینه
۲۴۶	محمّد	حلب سوریه
۲۴۷	محمّد	حلّة عراق
۲۴۸	مرابی	سامراء
۲۴۹	مروان	عکّا
۲۵۰	مسنون	خرشان بحرین
۲۵۱	مسطر	کلاعی
۲۵۲	معشر	الومة هذیل
۲۵۳	معمر	کازرون
۲۵۴	مقداد	تکریت عراق
۲۵۵	ملاعب	طالقان
۲۵۶	ملاعب	منصوریة اهواز
۲۵۷	منبه	اعقیل
۲۵۸	موسی	عدن یمن
۲۵۹	موسی	هجر بحرین
۲۶۰	موسی	رملة فلسطین
۲۶۱	مهاجر	طالقان
۲۶۲	مهاجر	نیشابور
۲۶۳	میمون	عسکر مکرم خوزستان
۲۶۴	ناجیه	سرخس مشهد
۲۶۵	ناصر	یمن
۲۶۶	نصیر	بالس سوریه
۲۶۷	نصیر	بحرین
۲۶۸	نعیم	معادة مرو
۲۶۹	نوح	خونج اذربایجان
۲۷۰	نوح	سیلان هند
۲۷۱	نهراسش	شیبان
۲۷۲	نهروش	هرات افغانستان
۲۷۳	واصل	نوبة مصر
۲۷۴	هارون	عسقلان فلسطین
۲۷۵	هارون	قزوین
۲۷۶	هارون	سلماس
۲۷۷	هارون	نجد عربستان
۲۷۸	هارون	موصل
۲۷۹	هلا	شوشتر
۲۸۰	هلا	طائف یمن
۲۸۱	هواشب	عمان
۲۸۲	هود	سن تکریت عراق
۲۸۳	هود	طالقان
۲۸۴	هود	کوفه
۲۸۵	یحیی	جمارة نجف
۲۸۶	یحیی	صنعا یمن
۲۸۷	یحیی	طالقان
۲۸۸	یحیی	انطاکیه ـ سوریه
۲۸۹	یحیی	سمداوه
۲۹۰	یعقوب	قم
۲۹۱	یعقوب	معادة مرو
۲۹۲	یوسف	عسقلان فلسطین
۲۹۳	یوسف	طائف
۲۹۴	یونس	اصفهان
۲۹۵	یونس	عمان
۲۹۶	یونس	فسطاط مصر
۲۹۷	یونس	کازرونه[1]

آن حضرت سی وشش هزار تن محافظ دارد !

پس از چند روز توقف در مکّه عدّه ی یاران حضرت از مرز دوازده هزار تن تجاوز می کنند ؛ این تعداد که گفته شد یارانی بودند که از مکّه حرکت می کنند ، اما تعداد یارانی که به سپاه حضرت می پیوندند و امام همراه آنها وارد عراق و بیت المقدس می شود و آن را آزاد می کنند به صدهزار تن می رسد و شمار ارادتمندان از میلیون ها نفر نیز تجاوز می کند و تنها محافظین حضرت در قدس ، به سی وشش هزار نفر می رسند .

شخصیت های مشهور که حضرت را یاری می کنند :

۱- هاشمی خراسانی : آنگونه که از منابع سنّی و شیعی استفاده می شود ، خراسانی از نسل امام حسن مجتبی (ع) یا امام حسین (ع) است هاشمی خراسانی (سیّد خراسانی) رهبر بزرگ مشرق زمین است که یا به عنوان ولی فقیه یا رهبر سیاسی در کنار مرجع، نقش هدایت جامعه را ایفا می کند . چنان که در روایات آمده ، دارای صورتی نورانی و خالی بر گونه راست دارد . و اما نسب ایشان به خراسان به این دلیل نیست که حتماً از استان خراسان است . چون در صدر اسلام به کل منطقه مشرق زمین که شامل ایران ، افغانستان و مناطقی از شوروی سابق را همگی جزء محدوده ی ایران بود .

۲- شعیب بن صالح : شعیب فرمانده سپاه سیّد خراسانی است ، وی و

۱- معجم احادیث ج۱ ص ۴۰۸

افراد تحت فرمانش ، همگی عاشق دیدار و بیعت با مهدی منتظر هستند . [1]

۳- سیّد حسنی : یکی دیگر از یاوران اصلی حضرت مهدی (عج) از منطقه مشرق زمین ، سیّد حسنی است . که از سرزمین دیلم قیام می کند . با صدای بلند که همه مردم بشنوند فریاد بر می آورد که ای آل محمّد ! مضطر را اجابت کنید و به صدای آن منادی که در اطراف ضریح فریاد برآورده جواب دهید ! گنج های خدا در طالقان او را جواب خواهند داد (دلیر مردانی آهنین اراده) که کوفه را محل اقامت و پایگاه نظامی خود قرار می دهند .

در روایتی دیگر سخن از **قیام گیلانی** است که مردم دیلم به یاری او بر می خیزند . سیّد حسنی را که صاحب طبرستان معرفی کرده اند قیام می کند تا اینکه نیشابور را فتح می نماید و سپس به اصفهان و قُم در یک درگیری بزرگ پیروز می گردد و بعد از چهل روز اقامت در قم عازم می گردد .

۴- یمانی : یکی از انقلاب های زمینه ساز ظهور مهدی علیه السلام یمنی است . قیام یمنی و پرچم او را هدایت کننده ترین پرچم ها دانسته و یاری کردن آن را واجب شمرده و نام او را حسَن یا حسین از نسل زید بن علی دانسته اند . یمانی اهل یمن و از یاران حضرت مهدی (عج) است و با سفیانی می جنگد . امام صادق علیه السلام فرمود : « خروج این سه تن ـ خراسانی ـ سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز اتفاق می افتد . [۲]

۱- بحارالانوار ص ۱۱۳ ۲- بحارالانوار ج ۵۲ ص۲۱۱

چگونگی غلبه تا پیروزی حضرت

۵- خروج عُرَف سلمی : از تکریت عراق .

۶- امام رضا علیه السلام فرمود : **قتل بیوح** ، صورت می پذیرد ؛ عرض شد که منظور از بیوح چیست ؟ فرمود جنگی مستمر که تنور آن سرد نشود .[۱]

۷- مصری : « پیش از سفیانی ، مصری خروج می کند در میان یاران حضرت مهدی علیه السلام افرادی شایسته از مصر وجود دارد که جنبشی در مصر ایجاد می کنند و اعلان جنگ می دهند .[۲]

۸- حضرت خضر (علیه السلام) : امام رضا علیه السلام فرمودند : خضر از آب حیات نوشیده و از این رو زنده است و نمیمیرد تا در صور اسرافیل دمیده شود .[۳]

۹- حضرت مسیح بن مریم علیه السلام : گنجی شافعی روایت کرده از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود در جمله احوال مهدی (عج) که آن حضرت مشغول نماز صبح است با اصحاب خود در بیت المقدس که عیسی بن مریم از گردنه ی افیق فرود می آید . پس ملتفت می شود که عیسی بن مریم نازل شده و گویا از مویش آب یا روغن می چکد . پس حضرت به قهری برمی گردد تا عیسی پیش افتد و امام مردم شود و به او می فرماید مقدم شو و برای مردم نماز کن ! پس عیسی دو دست خود را بر کتف آن جناب می گذارد و به او می گوید : مقدم شو ! که برپا نشده نماز مگر برای تو ! حضرت عیسی در حالیکه جامه ی سرخی بر تن دارد اذان می گوید . عیسای مسیح وزیر دست راست مهدی (عج) است و با مسیحیان شرق و

۱- بحارالانوار ص ۱۱۳ ۲- همان ص ۳۳۴-۲۱۰ ۳- بحارالانوار ج۵۲ ص۱۵۲

غرب احتجاج می کند و پیمان صلحی بین ادیان برقرار می سازد .[۱]

۱۰- نفس زکیّه : یکی از نشانه های حتمی ظهور ، کشته شدن نفس زکیّه است که در مکانی بین رکن و و مقام شهید می شود و ایشان پسری از آل محمّد صلی الله علیه و آله است . فاصله شهادت نفس زکیّه تا ظهور قائم علیه السلام بیش از پانزده شبانه روز نیست .

۱۱- حضرت دانیال نبی (علیه السلام) .

۱۲- حضرت الیاس پیامبر علیه السلام .

۱۳- اصحاب کهف .

۱۴- حاکم افریقا .

۱۵- لشکریانی از ملائکه و امدادهای غیبی .

۱۶- به همراهی خوف و رُعب .

× آوردن شمشیرهای آسمانی برای اصحاب آن حضرت : چنانکه نعمانی در غیب خود روایت کرده از امام صادق علیه السلام که فرموده اند : هرگاه خروج کرد حضرت قائم علیه السلام می آیند شمشیرهای قتال که بر هر شمشیری ثبت شده اسم مردی و اسم پدر و اجداد او و در « اختصاص » شیخ مفید روایت شده از آن جناب که فرمود : هر گاه قائم علیه السلام خروج کرد می آید بر حبه ی کوفه پس آن جناب به دست خود اشاره به موضعی می کنند . آنگاه حفر کنید اینجا را ! پس حفر می کنند و بیرون می آورند دوازده هزار زره و دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار خُود دو رو آنگاه می طلبد دوازده هزار از

۱- معجم احادیث الامام المهدی ج۱ ص ۵۳۹-۵۳۸

موالیان و عجم را بر ایشان می پوشاند ، آنگاه می فرماید : هر کس که نباشد بر او مثل آنچه بر شماست او را بکشید .

× امام صادق علیه السلام فرمود : پس از نزد ایشان است از سلاح و مواریث انبیاء از جمله ی همه مصحف ها ؛ سنگ ذوالقرنین - عصای موسی علیه السلام - نگین سلیمان - زره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حالیکه شمشیر ذوالفقار را در دستش و عمامه سبزی بر سر و سوار بر اسبی سفید است و پرچم رسول خدا که مخمل مشکی است را به اهتزاز درآورده منادی ندا می کند ای مسلمانان حق آمد و باطل رفت .

× امام محمّد باقر علیه السلام فرمود : یجرد السیف علی عاتقه ثمانیه اشهر هرجا حتی یرضی الله . یعنی : « هشت ماه تمام شمشیر بر دوش نهاده ، دشمنان خدا را می کشد تا خدا خشنود گردد . »[1]

صفات یاران مهدی علیه السلام :

۱- جوانی : امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود : یاران مهدی علیه السلام جوان هستند . چهل ساله و میان سال در بین آنها نیست . مگر مانند سرمه ی چشم و نمک که کمترین توشه مسافر ، نمک است .[2] هرچند از عمر حضرت صد ها سال گذشته ولی هنگام ظهور جوان و چهل ساله هستند .

۲- عجمی : مراد از عجم غیر فصیح و غیر عرب است . ابن عربی گفته :

۱- النعمانی محمد ابراهیم – الغیبه ص ۱۶۵ ۲- بحارالانوار ج۵۲ ص ۳۳۴

یاران مهدی علیه السلام از عجم هستند و عرب در بین آنها نیست ، اما جز به زبان عربی سخن نمی گویند . امام باقر علیه السلام فرمودند : یاران قائم سیصدو

سیزده نفر از فرزندان عجم هستند که بعضی از آنها بهنگام ظهور در میان ابر حمل می شوند . در حدیثی دیگر آمده که نُجبایی از مصر و ابدالی از شام و نیکانی از عراق در بین یاران هستند .

کشورهای فوق عرب اصیل و خالص نیستند . بنابراین تعداد زیادی عرب غیر اصیل در بین یاران حضرت وجود دارد . [۱]

۳- **قدرت بی نظیر** : ابان بن تغلب از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود : « هنگامی که پرچم مهدی (ع) به اهتزاز درآید مؤمنی نخواهد بود مگر اینکه قلبش از پاره های فولاد ، محکم تر و نیروی چهل مرد به وی عطا میشود [۲]

۴- پارسایان شب و شیران روز .

۵- عاشق و مطیع رهبری .

× در این حال منادی ندا می دهد که هیچکس با خود آب و غذا برندارد که حجر حضرت موسی (ع) با ماست .

× امام صادق علیه السلام فرمود : « این شیر مردان پیروز و عقابان تیز چنگ ، برای تبرّک و فرخندگی ، دست خویش به زین اسب امام می کشند و بدین سان تبرّک می جویند . آنان او را در میان می گیرند و جان خویش را در جنگ ها پناه او می سازند ، آنان راهبان شب و شیران روزند و گوش به فرمان امام خویش هستند .

۱- غیبت نعمانی ب ۲۰ ش ۸- بحارالانوار ج۵۲ص۳۳۴ ۲- غیبت نعمانی ص ۱۶۷

ایشان چون شعله های فروزانند که دل های استوارشان به سان قندیل های نور در سینه هایشان آویخته شده است . این مردان تنها از خدا

می ترسند با فریاد « لا الـه الا الله و الله اکبـر » آنـان بلنـد اسـت ، همـواره شهادت در راه خدا را آرزو می کنند .[۱]

۶- شـعار یـاران حـضرت : امـام صـادق علیه السلام فرمودنـد : شـعار آنـان « یا لثارات الحسیـن » یعنی (بیایید به خونخواهی حسین !) است .[۲]

امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند : شعار یاران مهدی علیه السلام بمیـران بمیران است .[۳]

× **دشـمنـان حضـرت :**

۱- یهود : یکی از خطرناک ترین دشمنان حـضرت مهـدی (ع) و یـارانش یهود است . خداوند تبارک و تعالی می فرماید : « همانـا شـدیدترین مـردم ، در دشمنی با آنان کـه ایمـان آورده انـد ، یهودیـان و مـشرکان هـستند .[۳] (چنانچه از بعضی آیات روایت می شود ؛ سفیانی کـه سـخت تـرین دشـمن امام از جانب غربی ها و یهـود حمایـت مـی شـود ، اساسـاً سـفیانی را بـرای حمایت از مرزهای اسرائیل و سرکوب نیروهای انقلابی روی کار می آورند تـا از خطرهای حمله ی سپاه خراسانی و یاوران مهدی علیه السلام که بـرای آزادی قدس به حرکت در آمده اند ـ در امان باشند .

۲- جنبش سفیانی : روایت جنـبش سـفیانی را بـسیار سـخت و سـریع توصیف کرده اند ، چون اوضاع جهانی به اندازه ای وخیم می شود که منجـر

۱- بحارالانور ج۵۲ص۳۰۷ ۲- معجم احادیث ج۱ص۴۰۸ ۳- سوره مائده آیه ۸۳

به نبردی بزرگ مـی گـردد **اوّل** بـه خـاطر سـرزمین شـام کـه فتنـه ی فلسطین آن را بر هم می زند . **دوّم** بخاطر ضعف و ناتوانی و تجزیـه شـدن ،

سوّم بخاطر ترس و وحشت یهودیان و غربی ها از رسیدن نیروهای ایرانی (یاران پرچم های سیاه) به مرزهای اسرائیل و قدس ، سفیانی یک نیروی واکنش سریع برای سرکوب نهضت ها در منطقه به شمار می رود .

× **کوتاهی عمر حکومت سفیانی** : امام صادق (ع) می فرماید : « سفیانی از نشانه های حتمی ظهور است و خروج او از آغاز تا انجام ، پانزده ماه به طول می انجامد ، وی شش ماه کارزار می کند ؛ همین که بر پنج شهر دمشق ، امّان ، حمص ، حلب و قنسرین که شهرهای مهم سوریه ، اردن و لبنان می باشد ، نه ماه فرمانروایی میکند ، بی آنکه روزی به آن افزوده شود . [۱] از نشانه های حتمی ظهور سفیانی در ماه رجب است . [۲] خروج سفیانی شش ماه قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود . حضرت در شب دهم محرم همان سال در مکه ظهور می کند .



× **درگیری ابقع و اصهب با سفیانی** : سفیانی برای تسلط بر شام ، با ابقع و اصهب [۳] که در شام دارای قدرت هستند به مخالفت بر می خیزد و بر اثر برخورد و جنگ طرفداران این سه گروه ، شام ویران می شود .

عمّار نقل کرده : « بدرستی که دولت اهل بیت پیامبر (ص) در آخرالزّمان است و برای آن دولت نشانه هایی است ... ، سه مرد قدرتمند در شام قیام

۱- بحارالانوار ج۵۲ص۲۴۸ ۲- همان ص ۲۴۹ ۳- ابقع کسی است که ابلق است ، نقطه سیاه و سفید در چهره دارد و اصحب کسی که زرد چهره است .

خواهند کرد که هر کدام مدعی حکومت خواهند بود ، ابقع و اصهب و مردی از خاندان ابوسفیان . [۱] در روایات به کفر اصهب و ابقع اشاره شده است .



× **سفیانی کیست ؟** علت نامگذاری این شخص به سفیانی به خاطر نسبت داشتن او با ابوسفیان است . از امیرالمؤمنین نقل شده که فرمود : « فرزند هندجگر خوار از وادی یابس خروج می کند او مردی چهار شانه ، بد قیافه و دارای سری بزرگ است و بر صورت او اثر آبله پیداست ، وقتی او را می بینی پنداری که یک چشم دارد ، نامش عثمان و پدرش عینیه است . او از فرزندان ابوسفیان است ؛ در مدت شش ماه کسانی را که نافرمانی می کنند می کُشد و با ارّه آنها را سر می برد و در دیگ ها می پزد . [۲]

× **امام محمّد باقر** علیه السلام **فرمود** : گویا من سفیانی را می بینم که در سرزمین های سبز شما در کوفه اقامت گزیده و منادی او ندا می دهد : هر کس که سر یک تن از شیعیان علی را بیاورد هزار درهم پاداش اوست و در این هنگامه همسایه به همسایه حمله برده می گوید : این شخص از آنهاست ؛ گردن او را می زند و هزار درهم جایزه می گیرد . [۳]

× **سفیانی از ظهور تا سقوط :**

بنابر آنچه گذشت ، جنبش سفیانی سه مرحله دارد :

۱- محکم کردن سلطه ، در شش ماه ی اول .

۲- هجوم به عراق و حجاز .

۳- بازگشت از توسعه طلبی در عراق و حجاز و مبارزه در برابر حرکت سپاه حضرت مهدی (عج) جهت حفظ سرزمین های شام ـ اسرائیل و قدس .

۱- معجم احادیث ج۱ص۲۲۶ ۲- همان ج۱ص۴۲۰ ۳- بحار ج۵۲ص۲۱۵

ـ سپاه هفتاد هزار نفری که سفیانی به حجاز فرستاد . در بین راه مکه و مدینه در سرزمینی بنام بیداء به زمین فرو می روند . (در حین نبرد مورد غضب خداوند قرار می گیرد ـ امدادهای غیبی) و از آنها تنها دو نفر زنده می مانند که خبر شکست و فرو رفتن در زمین را برای سفیانی می آورند . نیروهای سفیانی که به منطقه اهواز آمده اند پس از روبرو شدن با سپاه ایران به رهبری هاشمی خراسانی و فرماندهی شعیب بن صالح در نبرد سنگینی پا به فرار می گذارند و منطقه را ترک می کنند . با شکست های پی در پی سفیانی ، مردم شام نیز علیه خلیفه خود قیام می کنند و نیروی های امام مهدی علیه السلام در سی کیلومتری دمشق اردو می زنند .

اوضاع سیاسی منطقه قبل از نبرد قدس به نفع امام است .

امام باقر(ع) **فرمود :** پس امام با همراهان خود به **مرج عذرا** می آیند و عده زیادی از مردم به آن حضرت می پیوندند و در این روز سفیانی در وادی رمله به سر می برد تا اینکه در روز جابجایی آنان به یکدیگر برخورد می کنند هر دسته به پرچم و لشکر خود ملحق می شود ، امام مهدی (عج) می گوید : پسر عموی من سفیانی را بیاورید تا با وی سخن بگویم ، او را نزد امام می آورند . او تسلیم امر امام می شود و بیعت می کند ولی پس از برگشتن پیش یاران و خویشاوندان و سران هفتگانه لشکر خود او را پشیمان می کنند و بیعت خود را از امام پس می گیرد و نبرد قدس آغاز می شود . عذاب خداوند بوسیله پرندگان و کوهها و فرشتگان بر آنها نازل می شود و ساعتی نمی گذرد که تمام یاران سفیانی هلاک و خود وی دستگیر و زیر درختی به قتل می رسد .

۳- ترکان (روس ها) : مراد از ترک در روایات ظهور روس و ملت های اروپای شرقی هستند از قبیل تاتار ـ ترکیه ـ مغول ـ قزاقستان ـ ارمنستان و روسیه نیز می شود . مراد از ترک در روایات ترک های کافر است والّا مسلمانان ترک مانند بقیه اقوام مسلمان یار و یاور حضرت مهدی (عج) هستند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : برای ترکان دو خروج است که در یکی از آنها آذربایجان خراب می شود و دیگری خروج به سوی نهر فرات (عراق) است که یاری خداوند نازل می شود و بوسیله باد و طاعون و جنگ و ... چنان نابود می شوند که احدی از آنان باقی نمی ماند . (۱)

۴- رومیان : حضرت لشکری را بمنظور فتح قسطنطنیه اعزام می فرماید ، همینکه آن لشکر به دریا رسید بر کف پای خود چیزی می نویسند و بروی آب راه می روند . وقتی که رومیان آنها را ببینند می گویند : اگر اینها اصحاب او هستند پس خود او کیست ؟ آن وقت دروازه های شهر را بروی آنها باز کرده و آنها وارد شده هر چه که خواستند حکومت می کنند . (۲)

۵- رومیان و غربی ها : (بنی اصفر یعنی زرد پوستان) تعبیر شده است . مراد از رومیان ملل اروپایی که وارث امپراطوری تاریخی روم هستند . آیا امروز وضعیت مسلمانان این گونه نیست که یک مشت صرب جنایتکار در

۱- الملاحم والفتن ص۴۱ ۲- عقدالدرر ص۹۰

بوسنی و هرزگوین و سه میلیون صهیونیست اسرائیلی در اثر فتنه گری و پشتیبانی آمریکا بر صد میلیون عرب و یک میلیارد مسلمان زور می گویند و

هیچ ترسی از مسلمانان ندارند ؟ اگر ملت های مسلمان متّحد شوند و ... آیا وضعیت تغییر نخواهد کرد ؟

× **امیرالمؤمنین(ع) فرمود** : در عدّه ای از فرزندان رسول خدا (ص) به کشور روم فرار می کنند ، سفیانی به پادشاه روم پیام می فرستد که اسیران مرا برگردان ، پادشاه روم آنها را تحویل سفیانی می دهد . سفیانی آنها را نزد پله های شرقی مسجد دمشق گردن می زند و کسی هم به او ایراد نمیگیرد .[1] عقدالدرر ص۹۰

به نظر می رسد که دو معجزه ای که حضرت انجام می دهد ، غربی ها را از ورود در جنگ به طرفداری از یهودیان دچار تردید می کند .

معجزه اوّل : ظاهر شدن اصحاب کهف ـ **معجزه دوّم** بیرون آوردن صندوق نسخه های تورات و انجیل از غار انطاکیه و استدلال با آنها . پس از مواجه شدن ناگهانی غربی ها با شکست یهودیان و سفیانی به دست حضرت مهدی علیه السلام آنان به امام اعلان جنگ می دهند که ناگاه حضرت مسیح علیه السلام از آسمان به قدس فرود می آید و با سخنان خویش جهانیان را مورد خطاب قرار می دهد و این امر موجب خشنودی مسیحیان و مسلمانان می شود و حضرت مسیح بین حضرت مهدی و غربی ها وساطت می نماید و قرارداد صلحی به مدت ده سال بین دو طرف بسته می شود . پس گذشت دو یا سه سال از قرارداد صلح غربی ها با یک میلیون نفر نبردی دریایی که بین یافا و عکّا پیاده کرده اند پیمان شکسته و به حضرت مهدی و یارانش هجوم می برند ، هدف بازگرداندن فلسطین به یهودیان است . **پیامبر(ص)** فرمود : شما و رومیان قرارداد صلح ده ساله ای می بندید ولی

پس از دو سال آنها خیانت می کنند و به سوی شما با هشتاد لشکر که هر لشکر شامل دوازده هزار سرباز است هجوم می آورند. [۱] روایات از کویری بزرگ در آن روز خبر می دهند که آنجا صحنه جنگ اسلام و کفر است. حضرت با چهارصد کشتی که در ساحل عکّا بعنوان پایگاه دریایی تدارک دیده با نصرت الهی پیروز می شود. [۲]

۵- دجّال : دجّال از ماده ی دجل بمعنی دروغگویی و حقه بازی است. از حضرت محمّد (ص) نقل شده : ای مردم ! هیچ فتنه ای بر روی زمین بزرگتر از فتنه دجّال نیست و خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده مگر اینکه امتش را از پیوستن دجّال بر حذر داشته. [۳] بعد از پیروزی حضرت مهدی (عج) بر سفیانی و غربی ها و ورود به قسطنطنیه خبر خروج دجّال می رسد. در مورد مکان خروج دجّال روایات مختلف است. ۱- خراسان ۲- اصفهان ۳- عراق ۴- طرف مشرق ۵- بین شام و عراق و ... . [۴] از روایات، فرق چهار روایت محل خروج را ایران می دانند. اصبغ بن نباته از امیرالمؤنین (ع) پرسید دجّال کیست ؟ حضرت فرمود : دجّال صائدبن صیداست و از شهری که به آن اصفهان می گویند از قریه ای که معروف به یهودیه است خارج می شود. [۵]

۱- معجم احادیث ص۳۴۱-۳۴۰
۲- الزام الناصب ج۱ص۲۲۴
۳- معجم احادیث ج۲ص۲۱۲
۴- همان ص۶۴۵۹
۵- معجم احادیث ج۳ص۱۳۳-۱۳۲

× **مشخصات دجّـال :**

۱- یک چشم بیشتر ندارد که در میان پیشانی اش همچون ستاره صبح می درخشد ، اما همین چشم خون آلود است وگویی با خون ترکیب شده است ؛ (آنها یک چشم دارند و آن چشم اقتصادی و زندگی مادّی است .)

۲- او الاغ (مرکب) سفید و تندرویی دارد و به سرعت زمین را طی می کند (وسایل سریع السیر که به کره ماه و ... با سرعت حرکت می کنند .

۳- او ادعای خدایی می کند . (آنها در عمل ادعای خدایی می کنند و مقدرات مردم جهان را به دست خویش می دانند .)

۴- او در دریاها فرو می رود و خورشید با او حرکت می کند و در پیش روی او کوهی از دود و پشت سرش کوه سفیدی قرار دارد که مردم آن را مواد غذایی می بینند . (زیر دریایی های مجهز و ...) .

۵- به هنگام ظهور او مردم گرفتار قحطی و کمبود و مواد غذایی هستند . [1] (مردم به عللی از قبیل خشکسالی ـ استثمار ـ استعمار ـ و تبعیضات اجتماعی گرفتار کمبودند .)

۶- فریبکاری : جنبش و آشوب او یک حرکت انحرافی با بهره گیری از پیشرفت علوم و حالت رفاهی می باشد . مانند فریبکارانی چون ساحری در قوم موسی علیه السلام ـ پولس در قوم عیسی علیه السلام ـ کعب الاحبار و معاویه در لباس خال المؤمنین ـ در حجاز بعنوان خادم الحرمین ـ رئیس جمهور آمریکا بعنوان مدافع حقوق بشر و ... .

۱- بحار الانوار ج۵۲ص۱۹۲ – معجم ج۳ص۱۳۲

۷- شیاطین را همراه خود می کند در حالیکه انواع آلات موسیقی همراه خود دارند .

× **حامیان دجّال :**

۱- یهود : پیامبر اکرم (ص) همراه دجّال هفتاد هزار یهودی مسلح هستند .[۱]

۲- افراد سفیه و بی خرد .

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : هفتاد هزار نفر از امت من پیرو دجّال هستند .[۲]

۴- زنازادگان ، شراب خواران ، آوازه خوانان و شروران .[۳]

× **نابودی دجّال :**

احادیث اهل سنّت ، قاتل دجّال را حضرت مسیح شمرده اند .[۴] ولی احادیث شیعه قاتل دجّال را حضرت مهدی علیه السلام معرفی می کنند . امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود : دجّال چهل روز حکومت می کند ، روز اول او همانند یکسال است ، روز دوم او کمتر از یک سال طول نمی کشد ، که دجّال زرد و کمرنگ و کوتاه می شود . آخرین روزهای او همانند یک روز شماست . همه ی زمین را در می نوردد ، مگر مکّه و مدینه و بیت المقدس

۱- عقد الدرر ص۲۶۶
۲- معجم احادیث ج۲ص۶۸
۳- منتخب الاثر ص۱۹۲
۴- معجم احادیث ج۲ص۱۱۲

را که نمی تواند داخل آنها شود عیسی (ع) برای جنگ با دجّال خروج می کند و نیزه ای به او می زند که دجّال در اثر آن می میرد و سپس مهدی علیه السلام و یارانش شمشیر می کشند . همه ی یاران ا و و دجّال را به هلاکت می رسانند . امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود : پس از مرگ دجّال زمین پر از عدل می شود چنانکه از ستم پر شده بود . (۱)

فصل پنجم :

×× حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه السلام) :

در دوران ظهور ولایت ، زمینه ی قرب هر انسانی به عالم قدس بوجود می آید . در دوره ی پایانی عالم (آخرالزّمان) قصّه بهشت دوباره تکرار می شود ؛ ما در بهشت بودیم و هبوط کردیم ؛ در پایان دوره ی عالم دوباره به بهشت بر می گردیم ، اما در آن مقام شیطان بود که باعث راندن ما از بهشت شد و در این جا این امام است که ما را وارد آن مقام قدس می کند . وقتی امام ظهور کند همه می فهمیم که فلسفه آمدن بروی زمین چیست .

ما در بهشت جهت جانمان را از خدا به درخت انداختیم ؛ حکم خدا چنین بود (وَ لَا تَقْرَبا هذهِ الشَّجره ...) به این درخت پر شاخه پراکنده و سراپا کثرت نزدیک نشوید تا از خدا که سراپا وحدت و یکپارچگی است باز نمانید .

ولی توجهمان به خدا کم شد و به درخت مادّیت یعنی مرتبه کثرت روی

۱- عقد الدرر ص ۲۷۵

آوردیم و ناگاه خود را سراسر نقص و عیب دیدیم (فَأكلا مِنها فَبَدت لَهما سَوءاتَهما وَطَفِقا يَخْصِفان عَليها مِن وَرَق الجَنّه) آدم و حوا از آن درخت خوردند و در نتیجه زشتی های آنها برایشان آشکار شد و شروع به جمع آوری برگهای باغ نمودند تا زشتی های خود را بپوشانند .[1]

وقتی به سوی خدا نرفتیم گرفتار برگ جمع کردن شدیم تا آن نقص و زشتی ها را وصله کنیم .

گرفتاری دوران معاصر و دنیای مدرنیته و تکنولوژی ادامه ی همان دوران است و گرفتار شدن به کمالات مجازی و محرومیت از اتصال به کمال مطلق است . در عالم مدرنیسم هر چیزی را برای خودمان می خواهیم اما خودمان را برای چه می خواهیم ، دیگر مطرح نیست . دل مادی نگر سیاه می شود و تنها به فکر استیلاء و غلبه بر دیگران است . علم حصولی نگذاشته که با طبیعت بعنوان آیات الهی ارتباط داشته باشیم . در حالی که در دوران ظهور امام ، علم جنبه حضوری و شهودی می یابد .

پس از ظهور حضرت مهدی (عج) ما شاهد برقراری عدالت اجتماعی و به سامان رسیدن حقوق و حقایق علمی و پیشرفت اطلاعاتی و ارتباطی و ظاهر شدن همه گنج های مادی و معنوی و برکات و بهبود اوضاع اقتصادی و ... خلاصی از فتنه ها ، امنیت و آرامش ـ چشیدن طعم سعادت ، نابودی فقر و فحشاء ـ عزیز داشتن علما و حکما ـ برقراری مساوات ـ کامل شدن عقل و اخلاق و ...

۱- سوره اعراف آیه ۲۲



×× اعلان احکام جدید توسط حضرت مهدی علیه السلام :

آوردن احکام مخصوصه که تا عهد آن حضرت ظاهر و مجری نشده بود . چنانکه در « کافی » و کمال الدین از حضرت صادق (ع) روایت است که فرمود : « دو خون است در اسلام که حلال است از جانب خدای تعالی ، حکم نمی کند در آن احدی تا اینکه مبعوث شود قائم ما اهل البیت حکم می فرماید در آن به حکم خدا و بیّنه بر آن نمی طلبد :

۱- زانی محصن را رجم می کند .

۲- آنکه زکات نمی دهد گردنش را می زند . [1]

۳- جزیه قبول نمی کند .

۴- صلیب را می شکند .

۵- خوک را می کشد .

۶- مرد بیست ساله را که علم و دین و احکام مسائل خود را نیاموخته (نکوهش می کند) .

۷- پیرمرد زناکار را می کشد .

۸- به برادر از برادر اظله ارث می دهد .

۹- منادی اعلان می کند آنانکه طواف مستحبی دارند مطاف را خالی کنند تا کسانی که حج واجب دارند به طواف واجب خود برسند . [2]

۱۰- کسی که در منزل خود حرف می زند می ترسد که در و دیوار علیه او گواهی بدهند . [3]

۱- بحارالنوار ج۵۲ص۳۰۹ ۲- همان ص۳۷۴ ۳- همان ص ۳۹۰

۱۱- در زمان قائم تقیّه ای در کار نیست . [1]

۱۲- بین قائم ما و مردم ، قاصد و پیک و نامه رسانی وجود ندارد . [۲]

۱۳- حضرت اموال را به گونه ای تقسیم می کند که نیازمندی پیدا نمی شود که مستحق زکات باشد . [۳]

۱۴ برای هر سرزمینی از ممالک جهان یک فرمانروایی می فرستد و می فرماید : دستور العمل تو در کف دستت می باشد ، هرگاه مشکلی داشتی که حکم قضایی آن را ندانستی به کف دستت نگاه کن هر چه ظاهر شد به همان حکم عمل کن . [۴]



× محل حکومت اسلامی حضرت مهدی علیه السلام :

ـ دارُ مُلکه الکُوفه وَ مَجْلس حُکْمهُ جامِعَها وَ بَیْـتَ مَسْکَنَهُ وَ بیت مالهُ وَ مُقَسِّم غَنائِم الْمُسلِمین مَسْجد الْسَهْلَه وَ مَوضوع خَلَواتهِ الْذَکواتِ الْبَیض مِن الْغَرْبین . ـ

مرکز سلطنت او کوفه و مرکز قضاوت او مسجد اعظم کوفه و محل زندگی او مرکز بیت المال او و محل تقسیم غنائم جنگی مسجد سهله و محل خلوت او تپه های سفید و نورانی نجف اشرف است . [۵]

× حداقل هفت یا نُه سال حضرت مهدی (عج) ارواحنافداه ـ در میان امت به سر می برد که مردم در کمال نعمت زندگی می کنند . بگونه ای که هیچ مردم شایسته یا تبهکاری چنین نعمتی را نداشته اند . آنوقت آسمان باران

۱- اثبات الهداه ج۷ص۱۲۸ ۲- بحارالانوار ج۵۲ص۳۳۶ ۳- همان ج۵۱ص۸۸

۴- شیخ طبری – اعلام الوار ۵- بحارالانوار ج۵۳ص۱۱

بموقع و پی در پی می بارد و زمین از رویاندن گیاهان دریغ نمی کند . و مال و نعمت آن قدر انبوه می شود که شخصی بلند می شود و می گوید : ای

مهدی (عج) به من عطا کن و حضرت می گوید : بگیر . حضرت بگونه ای حق مظلوم را از ظالم می گیرد که اگر حق کسی زیر دندان کسی باشد می گیرد و به صاحبش می دهد .[۱]

× امام صادق علیه السلام فرمودند : « فإذا تم الامر اتی الحجه الموت فقتلته امراه من بنی تمیم اسمها سعیده لها الحیه و سبال مثل الرجال بجرن من صخر تقذفیه به من فوق سطح و هو متجاوز فی الطریق .

ـ چون دولت کریمه ی امام عصر به پایان آید مرگ حضرت فرا می رسد . زنی از بنی تمیم او را به شهادت می رساند که نام او سعیده و همچون مردان دارای ریش و سبیل است . او هنگام عبور حضرت سنگ آسیابی را از پشت بام به سوی آن حضرت پرتاب می کند و او را به شهادت می رساند .

× ان الحسین یخرج فی آخر عمر القائم الحجه ثم تموت و یغسله الحسین .[۱] ـ امام حسین در آخر عمر حضرت قائم زنده می شود . سپس حضرت قائم از دنیا رحلت می کند و امام حسین او را غسل و کفن می کند و قبر مطهرشان جای قبر حضرت سیّد الشهداء خواهد بود .

جواز هفت تکبیر بر جنازه آن حضرت علیه السلام :

جایز نبودن هفت تکبیر بر جنازه احدی بعد از امیرالمؤمنین علیه السلام جز بر جنازه آن جناب چنانکه در بحار در حدیث وفات آن حضرت روایت

---

۱ ـ اثبات الهداه ج۷ ص۱۰۲ ـ بحارالانوار ج۵۳ص۱۰۳ ـ ح ۱۳۰

کرده که در ضمن وصایای خود به امام حسن (ع) بعد از امر به کفن وحنوط و تا بردن تا موضع قبر شریف ، فرمود : آنگاه مقدم شو ای ابا محمّد ! و نماز کن بر من ای فرزندم ! ای حسن ! و هفت تکبیر بر من بگو و بدان که

حلال نیست این عمل برای احدی غیر از من ، مگر بر مردی که بیرون می آید در آخرالزمان اسم او قائم مهدی علیه السلام است از فرزندان برادر تو حسین علیه السلام که راست می کند اعوجاج حق را .

در غیبت شیخ طوسی روایت شده است از آن جناب (حضرت محمّد) که فرمود به فاطمه (س) که ای فرزندم ! داده شده به ما اهل بیت ، هفت چیز که داده نشده به احدی پیش از ما :

۱- پیغمبر ما بهترین پیغمبران است و آن پدر توست .

۲- وصّی ما بهترین اوصیاست و آن شوهر توست .

۳- شهید ما بهترین شهداست و آن عم پدر توست . (حمزه)

۴- از ما است کسی که برای او دو بال سبز که پرواز می کند با آن در بهشت .

۵و۶ – از ماست دو سبط این امت و آن دو پسران تو ، حسن و حسین اند

۷- از ماست قسم به خداوندی که نیست خدایی جز او ، مهدی (عج) این امت آنکه نماز می کند خلف او عیسی بن مریم .



× ولایت تشریعی در غیبت :

حضرت بقیّه الله ارواحناالفداه ، در دوران غیبت کبری از دو راه احتیاجات شیعیان را تأمین می نمایند : نخست از راه تعیین نوّاب عام واجد شرایط به مصداق یکی از فرمایشاتشان در توقیع مبارک که به افتخار اسحاق بن یعقوب به نقل مرحوم کلینی قدّس سره فرمودند : «اما پیشامدها و مسائل تازه ای که برای شما اتفاق می افتد به آنهایی که احادیث ما را روایت می کنند مراجعه کنید زیرا اینها حجّت های منند . بر شما و من حجت خداوند هستم .

دوّم از راه توسل به آن وجود مقدّس است به هر زبان و هر وقت مخصوصاً در اوقات معینی و ادعیه مخصوصه از جمله : خواندن نماز آن حضرت ، دعای مبارک علوی مصری ، دعای مبارک غیبت ، دعای مبارک ندبه ، دعای مبارک افتتاح ، دعای عهد ، زیارت مبارک آل یاسین ، زیارت پر محتوای جامعه کبیره ، دعای فرج و ... .



× در ذکر اعمال و آداب مخصوصه جهت ملاقات با آن حضرت :

در ذکر اعمال و آدابی که شاید بتوان به برکت آنها به سعادت ملاقات شرف حضور حضرت حجّت صلوات الله علیه رسید ؛ بشناسد یا نشناسد ، در خواب و یا در بیداری و بردن بهره و فیض از آن حضرت ، هر چند که نباشد مگر زیادتی نور یقین و معرفت وجدانی به آن وجود معظم که اهم مقاصد است که نیل این مقصود و بلوغ این مرام در غیبت کبری ممکن و میسر بلکه مکشوفه شد که توان بوسیله ی علم و عمل و تقوای تام و معرفت و تضرّع و انابت و تهذیب نفس از هر غل و غش و ریبه و شک و شبهه و صفات مذمومه قابل تلقی اسرار و دخول در سلک خاصّان و خواص باشد .

مقصود در اینجا بیان بدست آوردن راه آن است . که زیاده برای ادای تمام فرایض و سنن و آداب و ترک محرّمات و مکروهات و مغبوضات به نحوی که از او خواسته اند ، سایر مقدمات آن مستور و مخفی و جز بر اهلش مکشوف و مبیّن ندارند ، بلکه غرض بدست آوردن راهی است که شاید بوسیله آن در عمر خویش نوبتی به این نعمت برسد . هر چند در خواب باشد . مخفی نماند که از تأمل در قصص و حکایت گذشته معلوم می شود . که مداومت بر عمل نیک و عبادتی مشروعه و کوشش در انابه و به تضرّع در

مدت چهل روز به جهت این مقصد از اسباب قریبه و وسیله های عظیمه است .

چنانکه معلوم شد که رفتن چهل شب چهار شنبه در مسجد سهله یا چهل شب جمعه در کوفه با اشتغال به عبادت از عمل های متداوله و معروفه است که بسیاری دعوای تجربه کرده اند از علما و صلحا و نیز زیارت سیدالشهداء علیه السلام در چهل شب جمعه و امثال آن و ظاهراً مستندی مخصوص در دست ایشان نباشد . نه برای عدد مذکور و نه برای عمل جز آنچه در مطاوی کتاب و سنّت ظاهر می شود که مداومت بر دعا در چهل روز مؤثر است در اجابت و قبول بلکه مواظبت بر غذایی وشرابی حلال یا حرام در ایام مذکوره سبب تغییر حالت و انتقال از صفتی به صفت دیگر چه از نیک به بد و یا از بد به نیک و همچنین سایر آنچه انسان مزاول آن است از لباس ، مسکن ، هم صحبت و ... !

× **وظایف دوران غیبت را به چند دسته می توان تقسیم کرد :**

۱- آنچه در روایات این باب ، با لفظ امر وارد گردیده بعنوان تکلیف شمرده شده است مانند :

« اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج » (برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید .) [۱]

« فتوقّعوا الفرج صباحاً و مساءً » (هر صبح و شام چشم انتظار فرج باشید .) [۲]

« فلیعمل کلّ امراءٍ بما یقرب به محبّتنا » (هر یک از شما باید به آنچه او را به مقام محبت ما نزدیک می کند ، عمل نماید .) [۳]

آنچه در باب صفات شیعیان و منتظران مورد تأکید اهل بیت (ع) قرار گرفته است مانند :

« طوبی للصّابرین فی غیبه ، طوبی للمتقین فی محبّته » (خوشا به حال شکیبان در غیبت او ، خوشا به حال دوستداران او .)

« المنتظران لظهوره ... الدعاه الی دین الله سرّاً و جهراً » (منتظران ظهور امام زمان (عج) در پنهان و آشکار ، مردم را به دین خدا دعوت می کنند .)

۲- آنچه بطور منطقی با بررسی ابعاد غیبت و انتظار ظهور ، به دست می آید . مانند :

۱-کمال الدین ج۲ص۴۸۵
۲- همان ص۳۳۷ح۱۰
۳- احتجاج طبرسی ج۲ص۵۹۹

۳- دفاع از آرمانهای امام زمان در دوران غیبت .

× دشمن شناسی و مراقبت بر تحریف نشدن معنا و مسیر انتظار توسط دشمن .

× آماده سازی زمینه ی ظهور .

× تطبیق دادن خود و جامعه بر معیارهای ارائه شده نسبت به دوران پس از ظهور .

۴- آنچه در تأسی به بزرگان و عالمان دینی در حد وظیفه باید مورد پیروی قرار گیرد مانند :

ـ مواظبت بر اذکار و زیارت های خاص .

ـ مداومت بر انجام اعمال مستحبی در جهت ایجاد قرب معنوی به امام زمان علیه السلام .

در پایان این بخش ذکر هشتاد مورد را ـ که در کتاب شریف « مکیال المکارم » تألیف مرحوم حاج میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی ، با استفاده از احادیث گوناگون بعنوان وظایف مردم در دوران غیبت امام زمان (عج) گردآوری شده است ـ ثمر بخش و تذکر آفرین یافتیم .

امید آنکه خداوند در ادای تکلیف نسبت به ساحت مقدس آن حضرت همه ی ما را یاری فرماید :

۱- شناخت امام (ع) .

ـ شناخت صفات .

ـ شناخت آداب .

ـ شناخت ویژگی ها .

ـ شناخت علائم ظهور .

۲- رعایت ادب نسبت به ذکر نام های شریف پروردگار .

۳- محبت خاص نسبت به آن حضرت .

۴- محبوب ساختن آن عزیز ، در نزد مردم .

۵- اظهار شوق برای دیدار آن حضرت .

۶- انتظار فرج و ظهور آن بزرگوار .

۷- ذکر فضایل و مناقب او در بین مردم .

۸- اندوه در فراق آن بزرگوار .

۹- حضور در محافل ذکر فضایل آن بزرگوار .

۱۰- برپایی مجالسی به نام صاحب الزمان (عج) .

۱۱و۱۲- سرودن شعر و قرائت آن در فضایل مولا .

۱۳- برخاستن در هنگام ذکر اسم شریف و القاب آن بزرگوار .

۱۴و۱۵و۱۶- گریستن ، گریاندن و خود را به گریه وادار کردن در فراق آن امام همام .

۱۷- درخواست معرفت و شناخت نسبت به آن حضرت ، از خدای عزووجل .

۱۸- مداومت بر این دعا . « اَللهم عرّفنی نفسک فأنک ان لم تعرّفنی نفسک لم أعرف نبیک ، اللهم عرفنی رسولک ، فءنک ان لم تعرّفنی رسولک لم اعرف حجتک ، اَللهم عرفنی حجتک فأنک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی . » (بار خدایا تو مرا به خود شناسا کن که اگر خودت را به من نشناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت ، بار خدایا تو رسولت را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من نشناسانی حجتت را نخواهم شناخت ،

پروردگارا حجت خود را بر من بشناسان که اگر حجت خود را به من نشناسانی از دین خود گمراه خواهم شد .)

۱۹- مداومت بر دعای غریق : « یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلّب القلوب ثبّت قلوبی علی دینک . » [1] (ای خداوند ! ای رحمان ! ای مهربان ! ای دگرگون کننده دلها ، مرا بر دینت پایدار کن .)

۲۰ مداومت بر دعایی که مرحوم ابن طاووس نقل نموده است : « اللّهم انت عرفتنی نفسک و عرفتنی رسولک و عرفتنی ملائکتک و عرفتنی نبیک عرفتنی ولاه أرک ؛ اللّهم لا آخذ إلا ما أعطیت و لا أوقی ألا ما وقیت اللّهم لا تغیبنی عن منازل اولیائک و لا تزغ قلبی بعد أذ هدیتنی اللّهم اهدنی لولایه من فرضت طاعه ... . » [2] (بار خدایا ! تو خودت و فرستاده ات و فرشتگانت و پیغمبرت و والیان امرت را به من شناسانیدی ، بار خدایا ! من نگیرم جز آنچه تو عطا کنی ، و هیچ نگهدارنده ای جز تو برایم نیست ، بارخدایا ، مرا از منازل دوستانت دور مگردان و دلم را پس از آن که هدایت کرده ای منحرف منمای ، بار خدایا ! مرا به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب ساخته ای هدایت فرما .)

۲۱- شناخت علامت های ظهور آن حضرت .

۲۲- تسلیم امر الهی بودن نسبت به مسئله ی غیبت و ظهور آن حضرت .

۲۳- صدقه دادن به نیابت از امام زمان (عج) .

۱- اصول کافی ۳۳۷/۱ ۲- مهج الدعوات سیدبن طاووس ص۳۳۲

۲۴- صدقه دادن برای سلامتی امام زمان (عج) .

۲۵و۲۶- رفتن به حج و فرستادن دیگران به حج بعنوان نیابت از امام زمان (عج) .

۲۷- طواف مستحبی خانه خدا به نیابت از آن حضرت .

۲۸و۲۹- زیارت مشاهده ی پیامبر (ص) و معصومین (ع) ، به نیابت از آن حضرت .

۳۰- فرستادن دیگران به زیارت آن مقامات به نیابت از امام زمان (عج) .

۳۱- تلاش در راه خدمت به آن حضرت ، از هر طریقی که ممکن باشد .

۳۲- کوشش در راه یاری امام زمان (عج) .

۳۳- نیّت قطعی داشتن برای یاری آن بزرگوار در زمان ظهور .

۳۴- بعد از هر نماز واجب ، با آن حضرت بوسیله ی عبارات و دعاهای خاص ، تجدید بیعت نمودن .

۳۵- مصرف اموال در راههایی که مورد رضایت امام زمان (عج) است .

۳۶- ارتباط با شیعیان و دوستان امام زمان (عج) و کمک مالی به آنان .

۳۷ شاد ساختن شیعیان مستضعف تهدیدست و مسکین .

۳۸- خیرخواهی برای امام زمان (عج).

۳۹ زیارت کردن او و سلام دادن بر او در هر مکان و زمان .

۴۰ زیارت مؤمنین و صالحین به قصد ثواب زیارت مولا .

۴۱- صلوات فرستادن بر آن حضرت .

۴۲ اهدای ثواب صلوات بر پیامبر (ص) به آن حضرت .

۴۳- نماز خواندن و اهدای ثواب آن به امام زمان (عج) .

۴۴- نماز هدیه به کیفیت خاص .



۴۵- قرائت قرآن و اهدای ثواب آن به امام زمان (عج) .

۴۶- توسل به آن حضرت و شفیع قرار دادن ایشان در نزد خدا ..

۴۷- توجه و استغاثه به آن حضرت و اجابت خواستن از ایشان .

۴۸- دعوت و راهنمایی مردم به سوی آن حضرت .

۴۹- رعایت حقوق آن حضرت .

۵۰- خشوع قلبی داشتن ، در هنگام یاد کردن آن بزرگوار .

۵۱- اظهار کردن دانش در برابر ظهور بدعت ها .

۵۲- تقیّه در برابر اشرار ، و کتمان سرّ در مقابل اغیار .

۵۳- شکیبایی در مقابل اذّیت ها و تکذیب دیگران و تحمـل منّـت هـا در دوران غیبت .

۵۴- درخواست صبر از خدا در دوران غیبت آن حضرت .

۵۵- یکدیگر را به صبر دعوت نمودن و انتظار واقعی .

۵۶- شرکت نکردن در مجالسی که در آنها استهزاء به امام زمان می شود.

۵۷- مدارا با اهل بیت و هدایت آنان .

۵۸ دوری از شهرت و ریاکاری و منیّت .

۵۹- تهذیب نفس .

۶۰- همبستگی و اتحاد برای یاری آن حضرت .

۶۱- توبه ی واقعی و بازگرداندن حقوق مردم به آنان (حق النّاس) .

۶۲و۶۳- پیوسته به یاد امام زمان (عج) بودن ، و عمل به آداب آن حضرت .

۶۴- درخواست از خدا نسبت به یادآوری همیشگی امام زمان (عج) .

۶۵- خشوع و خضوع در برابر آن حضرت .

۶۶- طلب رضایت امام زمان (عج) .



۶۷- بزرگداشت کسانی که از نشر سیادت یا روحانیت به امام (عج) نزدیک هستند .

۶۸- بزرگداشت مکان هایی منتسب به آن حضرت مانند مسجد مقدس جمکران و مسجد سهله و سرداب مقدس سامراء .

۶۹و۷۰- اجتناب از تعیین وقت برای ظهور و تکذیب تعیین کنندگان وقت ظهور آن حضرت .

۷۱- تکذیب مدعیان وکالت و نیابت خاصّه ی آن حضرت .

۷۲- دعا برای توفیق دیدار صاحب الزّمان (عج) .

۷۳- اقتدا و تأسی نمودن به اخلاق و اعمال امام زمان (عج) و ترک اظهار خویشاوندی از آنچه نزد دشمنان آن حضرت است .

۷۴- حفظ زبان از غیر یاد خداوند و فضیلت سکوت با شعور معنوی .

۷۵- بجا آوردن نماز حضرت حجّت (عج) .

۷۶- گریه کردن بر مصایب مولایمان ، شهید مظلوم امام حسین (ع) .

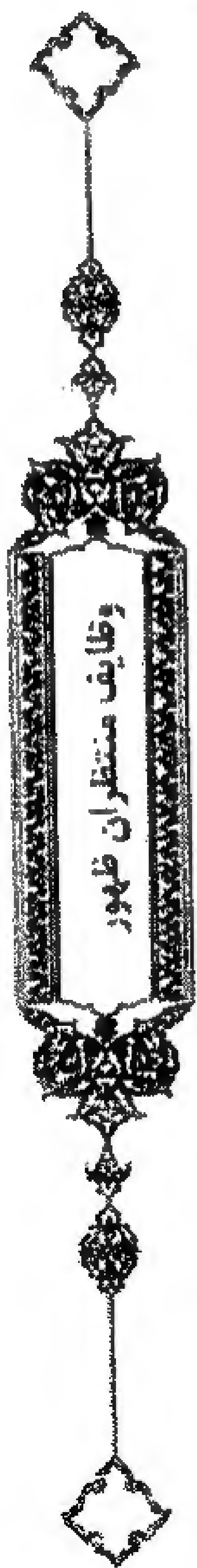
۷۷- زیارت قبر امام حسین (ع) .

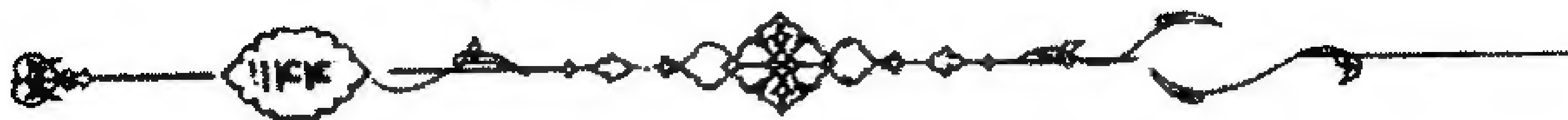
۷۸- زیاد نفرین و لعن کردن بر بنی امیّه .

۷۹- کوشش کردن در ادای حقوق برادران دینی به عنوان یاری امام زمان (عج) .

۸۰- فراهم آوردن سلاح و مرزبانی .

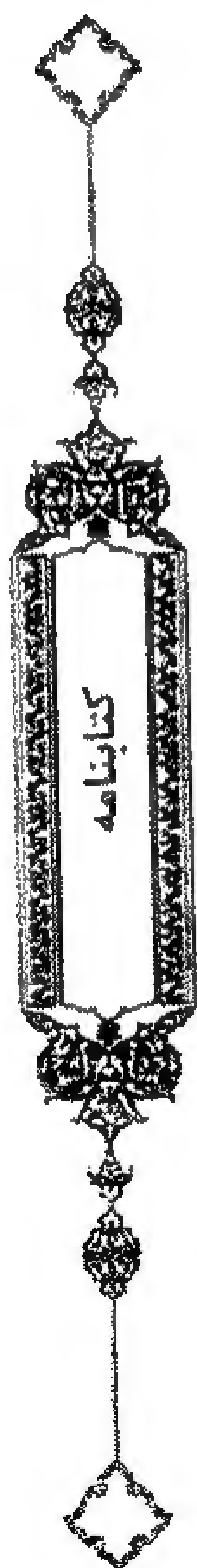
«« اللّهم عجّل لولیک الفرج »»





«« کتابنامـه »»

۱- القرآن الکریم ـ کاملترین کتاب آسمانی .
۲- نجم الثاقب ـ طبرسی نوری ـ انتشارات جمکران ـ ۸۷۲ صفحه .
۳- انوار صاحب الزمان (عج) ـ سید حسن ابطحی ـ چاپ افق . ۷۳۶ صفحه
۴- حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی ـ سید حسین تقوی ـ ۴۳۱ صفحه..
۵- راهی بسوی نور ـ علیرضا نعمتی ـ نشر بطحاء ـ ۳۳۶ صفحه .
۶- مهدی موعود ـ محسن امین قمی ـ نشر منشور وحی ـ ۲۳۲ صفحه .
۷- الملاحم و الفتن ـ سیدابن طاووس ـ انتشارات اسلامی . ۲۲۸ صفحه .
۸- غیبت امام عصر ـ محمد خادمی شیرازی ـ نشر رسالت ـ ۲۰۰ صفحه
۹- کشور صاحب الزمان ـ علیرضا نعمتی ـ نشر خورشید مکه ـ ۱۸۴ص
۱۰- شناخت زندگی بخش ـ ابراهیم شفیعی سروستانی ـ ۱۷۶ صفحه
۱۱- حکومت مهدی و آخر الزمان ـ سید محمد رضا غیاثی ـ ۱۳۴ صفحه
۱۲- آخر الزمان در آیینه روایات ـ جابر رضوانی ـ ۱۲۵ صفحه .
۱۳- گفتی که می آیی ـ امیر قیطاسیان ـ نشر روح ـ ۱۱۲ صفحه .
۱۴- نشانه های شگفت آخر الزمان ـ محمد جواد مهری ـ ۹۶ صفحه .
۱۵- جهانی انتظار ـ علیرضا ابول مشهدی ـ نشر مهر خوبان ـ ۸۰ ص .
۱۶- وظایف منتظران ـ انتشارات جمکران ـ ۸۰ صفحه .
۱۷- داستانهای شگفت انگیز مسجد جمکران ـ حیدر قنبری ـ ۱۶۰ ص .
۱۸- امام مهدی ـ آیت الله سید محمّد تقی مدّرسی ـ



×× هزینه ی فروش کتب صرف امورات خیریه می گردد و هیچگونه سود شخصی برای محقق نخواهد داشت . ××